

حسن هلالی

سبک زندگی منتظرانه

مشخصات کتاب

سرشناسه:ملایی، حسن، 1356 -

عنوان و نام پدیدآور:سبک زندگی منتظرانه/ حسن ملایی.

مشخصات نشر:قم:حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، 1395.

مشخصات ظاهری:167 ص.

شابک:978-600-8372-06-6

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:کتابنامه:ص. 163.

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

موضوع:تعلیمات دینی اسلامی برای کودکان

موضوع:مهدویت--انتظار

موضوع:* Mahdism--Waiting

موضوع:مهدویت--انتظار -- جنبه های اجتماعی

موضوع:* Social aspects Mahdism--Waiting

شناسه افزوده:حوزه علمیه قم. مرکز تخصصی مهدویت

رده بندی کنگره:BP224/م7س2 1395

رده بندی دیویی:297/462

شماره کتابشناسی ملی:2171751

ص:1

اشاره

سبک زندگی منتظرانه

حسن ملایی

سبک زندگی منتظرانه

 مؤلف: حسن ملایی

 ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویّت

 صفحه آرا: رضا فریدی

 طراح جلد: عباس فریدی

 نوبت چاپ: دوم/ زمستان 1395

 مجری چاپ: گروه فرهنگی آثار غدیر

 شابک: 978-600-8372-06-6

 شمارگان: دو هزار نسخه (تاکنون سه هزار نسخه)

 قیمت: 8000 تومان

oقم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار (22)/ بن بست شهید علیان، پ24/

ص.پ: 119-37135/ تلفن:37841440/ 37749565 و 37737801 (داخلی123) / فاکس: 025-37737160

owww.mahdi313.ir

oentesharatmarkaz@chmail.ir

کد فایل2-0290097

بسم الله الرحمن الرحيم

ص:4

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای:

ما امروز برای انتظار، باید باب به خصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند.

(سخنرانی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف11/ 12/ 1369).

تقدیم

به همه منتظرانی که با سبک زندگی خود، زمینه ساز ظهور امام قائم هستند.

فهرست مطالب

ص:7

ص:8

ص:9

مقدمه

در عصر ارتباطات و عرضه محصولات مختلف از ملل گوناگون، فرهنگ ها و مکاتب نیز با بهره گیری از رسانه های جمعی، سعی در ارائه و نفوذ در شیوه زندگی انسانها نموده و مدل زندگی بر مبنای ارزشهای خود را به جامعه جهانی عرضه می کنند. در این بین، فراغت بال به وجود آمده به واسطه توسعه تکنولوژی، بیش از هر زمانی فرصت انتخاب را برای گزینش و تجربه انواع سبکهای زندگی افزایش داده است. کارکردها و تأثیر فراوانی که هر یک از سبکها در فرهنگ و زندگی آدمی خواهد داشت اولاً لزوم مطالعه درباره سبک زندگی به صورت عام و سبک زندگی اسلامی به صورت خاص و ثانیاً ارائه تنها رویکرد زندگی صحیح در عصر غیبت بر مبنای اندیشه و فرهنگ غنی مهدویت را که از آن به «سبک زندگی منتظرانه» تعبیر می شود به عنوان الگوی برتر و مصداق کامل سبک زندگی اسلامی در عصر غیبت امام عصر دو چندان نموده است.

رسالت این نوشتار پاسخ گویی به سؤالهایی نظیر اینکه کیفیت سبک زندگی منتظرانه چگونه است؟ تعریف سبک زندگی منتظرانه چیست؟ منتظر چه کسی است؟ سبک زندگی منتظرانه بر چه مبانی و پیش فرضهایی استوار است؟ تأثیر سبک زندگی منتظرانه در زندگی فردی و اجتماعی چیست؟ و پرسش هایی نظیر آن می باشد.

ضرورت انجام این نوشتار

با توجه به اینکه انسان هویت خویش را به خاطر حرکت در خلاف جهت آفرینش در بحرانهای عصر غیبت و نفوذ سبکهای زندگی غیر مهدوی و بعضاً ضد مهدوی از دست داده و از سویی دیگر لازم است الگویی مناسب برای زمینه سازی مردمی ظهور ارائه

شود؛ ضرورت این طرح اجتناب ناپذیر است. بنابراین به خاطر عدم وجود اثر علمی قابل توجهی در این موضوع، اصل چنین پژوهشی گامی موثر در تدوین آثار مهدوی توسط اندیشمندان و فرهیختگان در این موضوع بسیار مهم و کاربردی است.

اهداف و فواید این نوشتار

آنچه که در این تألیف به دنبال آن هستیم عبارتند از:

- آشنایی دوستداران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سبک زندگی منتظرانه؛

- نشان دادن کارکردهای فوق العاده سبک زندگی منتظرانه در بعد فردی و اجتماعی؛

- بسترسازی برای کاربردی کردن معارف مهدوی در جامعه؛

- تربیت انسانهایی با طراز منتظر واقعی برای زمینه سازی ظهور؛

- داشتن الگویی کاربردی برای منتظران ظهور در صحنه زندگی فردی و اجتماعی؛

- برخورد علمی و عملی با هجمه فرهنگی غرب؛

- احساس شادابی و رشد در زندگی؛

- اصلاح روابط اجتماعی؛

- و موارد دیگر.

در پایان لازم می دانم از همه کسانی که در این تألیف کمک کار بنده بوده اند به ویژه حجج اسلام مهدی یوسفیان معاون محترم پژوهش مرکز تخصصی مهدویت قم، علی صدوقی و مدیریت محترم انتشارات مرکز تشکر کنم.

حسن ملایی - تابستان1395

hmollaie@chmail.ir

بخش اول: ماهیت سبک زندگی منتظرانه

اشاره

سخن آغازین

مهمترین پرسشی که در آغاز طرح سبک زندگی منتظرانه به ذهن می رسد، چرایی گفتگو درباره این شیوه از زندگی بوده و این که اساساً چه ضرورتی دارد که از سبک زندگی منتظرانه صحبت کنیم؛ اما قبل از پاسخ به ضرورت سبک زندگی منتظرانه باید به یک پرسش پیشینی جواب داد و آن این که چرا باید روشمند و با سبک، زندگی کنیم و اگر کسی در زندگی خود سبک و شیوه کلی نداشته باشد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ خود بحث از سبک زندگی با خود سؤالهای دیگری را به همراه خواهد داشت که مهمترین آنها عبارتند از: ضرورت بحث از سبک زندگی، چیستی و تعریف سبک زندگی و ویژگیهای سبک زندگی.

بدیهی است که پاسخ به این سؤال ها، زمینه مناسبی برای ورود به ماهیت سبک زندگی منتظرانه و سپس مسائل دیگر آن خواهد بود. البته در این بخش پس از اختصاص یک فصل درباره سبک زندگی فصل دیگری نیز با محوریت انتظار برای به دست آوردن تعریفی از سبک منتظرانه اختصاص یافته است.

فصل اول. درباره سبک زندگی

گفتار اول. ضرورت بحث از سبک زندگی

اشاره

اگرچه سخن از ضرورت سبک زندگی نیازمند واکاوی واژگان این اصطلاح و خود آن دارد اما در این مجال به بیان ضرورت و لزوم داشتن سبک در زندگی و انتخاب آگاهانه آن به صورت مختصر می پردازیم و توضیح مفاهیم آن را بعد از آن خواهیم آورد:

1. اجباری بودن سبک برای زندگی

اگر با توجه به زندگی انسانها به سؤال چرایی لزوم داشتن سبک در زندگی دقت کنیم، متوجه می شویم که هیچ یک از ما نیست که در زندگی خود سبکی نداشته باشد. برخی گمان می کنند که شاید بتوان زندگی آزاد و بدون سبکی داشت و زیر بار هیچ محدودیتی نرفت و هرگونه که خواست زندگی کرد؛ اما اگر نگاهی به اطرافیان بیندازیم حتی آنهایی که به ظاهر، آزاد زندگی می کنند سبکی در زندگی دارند. حقیقت آن است که هیچ انسانی نمی تواند در زندگی بدون سبک باشد؛ درست مثل لیوانی که بالاخره چیزی در آن است: آب، چای،آب میوه و...؛ حتی در صورت خالی بودن، پر از هواست. بنابراین چنین وضعیتی به ما گوشزد می کند که یا باید انتخاب کنیم و یا اینکه برایمان انتخاب می کنند و اگر در زندگی شیوه و برنامه ای برای رسیدن به هدف زندگی نداشته باشیم که طبق آن زندگی کنیم حتماً بر طبق سبک و برنامه دیگران و به سوی اهداف آنها در تلاش و تکاپو هستیم.

2. محدود بودن سرمایه های زندگی

عمر و سرمایه های گوناگونی که هم اکنون در اختیار ما قرار گرفته است از جهت کمی

و کیفی محدود و موقت بوده و « فرصت، همانند ابر باران زایی می گذرد»؛ (1) این سرمایه ها تنها، زمینه ای است که در صورت بهره برداری درست از آن باعث دستیابی ما به آرزوهایمان خواهد شد و در غیر این صورت چه از آن استفاده نکنیم و چه بد استفاده کنیم موجب ناکامی و نابودی ما خواهد شد. از سفارش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که:

«بَادِرْ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَرْبَعٍ؛ شَبَابِکَ قَبْلَ هَرَمِکَ وَ صِحَّتِکَ قَبْلَ سُقْمِکَ وَ غِنَاکَ قَبْلَ فَقْرِکَ وَ حَيَاتِکَ قَبْلَ مَوْتِک». (2)

در حقیقت مثل عمر ما مثل بنزین برای ماشینی است که به خاطر محدودیتش باید درست از آن استفاده کرد تا قبل از اتمام آن ما را به مقصود و شهر آرزوهایمان برساند و این درست استفاده کردن، یعنی سبک و شیوه. ما عمر،جوانی، سلامتی و ثروت محدود و موقتی داریم و طبق سفارش قبلی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باید قدرشان را بدانیم و حداکثر استفاده را از آنها بنماییم. اما باید بدانیم که همه اینها به عمل بر اساس آگاهی، دوراندیشی و تدبیر و برنامه ریزی بستگی دارد؛ چرا که به فرموده حضرت علی علیه السلام:

قوام العیش حسن التقدیر و ملاکه حسن التدبیر؛ قوام زندگی به برنامه ریزی نیک و معیارش به حسن دوراندیشی و تدبیر است. (3)

3. گره خوردن سرنوشت انسان به سبک زندگی

مهمترین دغدغه همه انسانها در همه تاریخ، نگرانی نسبت به آینده و ترس از کیفیت سرنوشت است. حتی هر آنچه که در باب محدود بودن امکانات و داراییها گفته شده به نوعی در مواجهه با آینده نامعلوم باعث دلهره و تشویش و اقدام منطقی در استفاده از آنها خواهد بود. اما نکته مهم اینجاست که سرنوشت انسانها ارتباط زیادی به نحوه زیستن و شیوه و سبک زندگی آنها دارد. به فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

كَمَا تَعِيشُونَ تَمُوتُونَ وَ كَمَا تَمُوتُونَ تُبْعَثُونَ وَ كَمَا تُبْعَثُونَ تُحْشَرُون؛ (4) همان گونه که

1- حضرت على عليه السلام : « اَلْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ» ؛ (نهج البلاغه، حكمت 21).
2- من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص357.
3- غررالحكم،ص354.
4- عوالى اللئالى، ج 4، ص72.

زندگی کنید می میرید و همان طور که می میرید برانگیخته می شوید و به همان سان که برانگیخته می شوید (برای حساب رسی و تعیین سرنوشت) محشور خواهید شد.

همه اینها گواه آن است که روشمند بودن، آن قدر در زندگی مهم است که زندگی، بدون شیوه و برنامه مبتنی بر بینش و نگرش صحیح، سود و فایده ای ندارد؛ کما اینکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«لَا حَیَاةَ إِلَّا بِالدِّین؛ حیات حقیقی تنها در سایه دین داری است». (1)

البته اینکه معیار برنامه ریزی صحیح و انتخاب سبک صحیح زندگی چیست، مطلبی دیگر است که لابلای مطالب این نوشتار به آن پاسخ خواهیم داد.

4. تأثیر سبک زندگی بر باورهای درونی

در هنگامه طرح موضوع سبک زندگی و تکرار فراوان آن توسط افراد و رسانه ها، ممکن است کسی بگوید چه اهمیتی دارد که برای تأمین نیاز ها و گذران زندگی خود از چه سبکی استفاده کنیم؟ در پاسخ باید گفت: یکی از اصول مهم تربیتی و آموزه های دینی، اصل ثابت شده رابطه ظاهر با باطن و تأثیر متقابل آن دو بر یکدیگر است. امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

ما بین ظاهر و باطن و سرّ و علن انسانی، یک ارتباط و علاقه طبیعیه ای است که آثار هر یک و افعال و حرکات هر یک را در دیگری سرایتی عظیم و تأثیری غریب است؛ و این مطلب علاوه بر آنکه برهانی است، وجدان و عیان هم شاهد بر آن است؛ چنانچه حالات صحت و مرض بدن و عوارض مزاجیه و حالات داخلیه و خارجیه بدن، در روح و باطن مؤثر است؛ و به عکس، حالات خلقیه و روحیه و ملکات نفسانیه در حرکات و سکنات و افعال بدنیه، طبعاً و من غیر رویّه، مؤثر است. (2)

اما متأسفانه این اصل مهم در تربیت و خودسازی معمولاً از جنبه تأثیر ظاهر بر باطن، مورد بی توجهی مسلمانان واقع شده است؛ در حالی که قرآن کریم در این باره می فرماید:

1- الإرشاد، ج 1، ص296.
2- سر الصلوه، ص 28.

((ثُمَّ کانَ عاقِبَةَ الَّذینَ أَساؤُا السُّوای أَنْ کَذَّبُوا بِآیاتِ اللَّهِ وَ کانُوا بِها یَسْتَهْزِؤُن))؛ (1) سپس، سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن را مسخره می نمودند».

طبق این آیه شریفه اهمیت عمل و رفتار آدمی از این جهت که بر عقابد و باورهای آدمی تاثیر می گذارد با اهمیت تلقی شده است و به همین علت، اظهار آداب و ابراز شعائر دینی از نشانه های تقوا و خداباوری قلمداد شده است: ((ذلِکَ وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوب)). (2)

امام خمینی به خاطر همین بی توجهی به ظواهر دینی و آن هم در پوشش دین داری چنین هشدار می دهد که:

از شدّت اتصال و وحدت مقامات نفسانیّه، تمام احکام باطن به ظاهر و ظاهر به باطن سرایت کند. از این جهت در شریعت مطهَّره به حفظ ظاهر و صورت، خیلی اهمیّت داده شده است، حتی در کیفیّت نشستن و برخاستن و راه رفتن و گفتگو کردن دستوراتی داده شده؛ زیرا از تمام اعمال ظاهریّه، در نفس و روح ودیعه هائی گذاشته می شود که روح به واسطه آنها تغییرات کلّی حاصل می کند. (3)

نیز می فرماید:

هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی شود مگر آنکه ابتدا کند انسان از ظاهر شریعت. و تا انسان متأدّب به آداب شریعت حقه نشود، هیچیک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود، و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود. و پس از انکشاف حقیقت و بروز انوار معارف در قلب نیز متأدب به آداب ظاهره خواهد بود. و از این جهت دعوی بعضی باطل است که به ترک ظاهر، علم باطن پیدا شود. یا پس از پیدایش آن به آداب ظاهره احتیاج نباشد و این از جهل گوینده است به مقامات عبادت و مدارج انسانیت. (4)

1- روم/10.

2- حج/ 32.
3- سر الصلوه، ص 29.
4- شرح چهل حدیث، ص 8.

ص:19

در اهمیت رابطه و تأثیر متقابل جسم و روح و نیز باور و رفتار در این نوشتار توضیحات مفصل تری ارائه خواهد شد.

علاوه بر آن سبک زندگی دارای آثار کارکردهای ویژه ای نیز هست که به منظور طولانی نکردن سخن آن را در بخش های بعدی بیان خواهیم نمود.

گفتار دوم. مفهوم شناسی سبک زندگی

اشاره

پس از بررسی اجمالی ضرورت سبک زندگی، برای فهم عمیق جایگاه سبک زندگی منتظرانه ابتدا باید به سراغ شناخت ماهیت و تعریفی واضح از «سبک زندگی منتظرانه» رفت و در همین راستا بررسی مفهوم «سبک»، «زندگی»، اصطلاح «سبک زندگی» و در نهایت، حقیقت «انتظار» در فرهنگ مهدویت، ضروری است.

1. معنای سبک

«سبک» در لغت در معانی گوناگونی همچون روش، متد و شیوه، کاربرد داشته و در استعمال مردم از حیث گستره رفتار ظاهری، بر محدودترین فعالیتها نظیر شیوه نشستن تا گسترده ترین آنها در تمام ابعاد زندگی- که بحث کنونی این نوشتار است- اطلاق می شود و البته نوعی ثبات و پایداری در آن نهفته است کما اینکه هیچ گاه به کسی که تنها یک بار یا چند بار در کار یا ورزشی از شیوه ای استفاده می کند گفته نمی شود که سبک او این چنین است. چه بسا بتوان سبک زندگی را رویکرد و روح حاکم بر رفتارهای شخص نیز تلقی نمود.

نکته ای را هم در راستای تصور درست مفهوم سبک زندگی و در تبیین معنای سبک با واژگان مشابه باید ذکر نمود و آن اینکه برخی معتقدند:

در علوم اجتماعی سبک زندگی غیر از شیوه زندگی دانسته شده که در انگلیسی از آن به way of life یاد شده است؛ چرا که شیوه زندگی، مفهومی عام و کلی است که هر گونه شیوه و اسلوب زندگی را در همه

تمدن ها و ادوار تاریخ بشر اعم از دوران های ماقبل مدرن و دوران جدید و حتی پسا مدرن را نیز در بر می گیرد. (1)

1- دین و سبک زندگی، ص 201.

اساساً نسبت میان شیوه زندگی و سبک زندگی، نسبت عموم و خصوص من وجه است؛ چرا که سبک زندگی از دل شیوه زندگی بیرون آمده و تولید می شود. سبک زندگی همان شیوه زندگی در هنگامی است که در مدل، فرم و صورت های خاص و ویژه ای منجمد و متجسد و قالب بندی شود. به عنوان نمونه در شیوه زندگی غربی ها می توان انواع سبک های زندگی چون سبک زندگی فرانسوی، سبک زندگی انگلیسی و سبک زندگی آمریکایی را یافت. (1)

2. معنای زندگی

از جمله واژگانی که در تبیین سبک زندگی مؤثر است شناخت معنای زندگی است؛ زیرا به فرموده حضرت آیت الله خامنه ای: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است». (2)

درباره مفهوم «زندگی» نیز باید گفت: گرچه به قول علامه شهید مطهری:

با اینکه حقیقت حیات بر بشر مجهول و یا غیر قابل درک است، آثار حیات و زندگی از همه چیز نمایان تر و آشکارتر است. (3)

و آن را از جمادات و موجودات بی روح متمایز می کند، اما با مروری اجمالی به کاربرد این واژه در میان مردم در تعریفی بسیار ساده و عمومی، زنده بودن، به مدت زمان محدودی که آثار حیات یعنی درک و تحرک در موجودی بروز می کنند و زندگی نیز به تکاپوی موجود دارای روح اطلاق می شود.

نکته مهمی که باید در فهم و شناخت حقیقت مفهوم زندگی مورد توجه قرار گیرد فرق بین «زنده بودن» با «زندگی کردن» است. « زنده بودن» وصفی است برای موجودی که امکان ظهور و بروز آثار حیات در اوست و لو اینکه از آن آثاری صادر نشود. مثل انسانی که بیهوش روی تخت خوابیده است؛ این شخص گرچه زنده است اما چیزی درک نمی کند و قدرت بر حرکتی ندارد و در مقابل گفتار و کردار دیگران عکس العملی از خود

1- همان، ص 212-213.

2- بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی 7/23/1391.
3- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج3، ص 370.

نشان نمی دهد. اما «زندگی کردن» به معنای به جریان انداختن این وصف و بروز دادن آثار آن است که عبارتند از درک و آگاهی و قدرت بر حرکت و عکس العمل به منظور دستیابی به هدف و آرمانی. البته این هدف در موجودات مختلف و از جمله انسان متفاوت بوده و قطعاً زندگی حقیقی یک انسان از سایر موجودات متمایز است.

3. زندگی و اهداف آن

حال که در توضیح فرق بین زنده بودن و زندگی به جایگاه هدف در زندگی پی بردیم بسیار مناسب است که کمی در این باره سخن بگوییم، چرا که نوع هدفی که ما برای زندگی خود برمی گزینیم در تعیین سبک زندگی تأثیر دارد. از همین روست که این مطلب حتی در تعریف سبک زندگی نیز دخالت داشته به گونه ای که در نظر برخی از دانشوران «سبک زندگی، شیوه خاص فرد در اندیشه، نگرش و احساس او نسبت به زندگی است». (1)

درباره نقش هدف و آرمان در زندگی فراوان گفته شده است؛ اما یکی از روشن ترین بیانات در این باره که اتفاقاً به آرمان مهدویت و زندگی منتظرانه هم مرتبط است کلام حضرت امام خامنه ای در این باره است:

دو نوع زندگی برای آحاد بشر وجود دارد. یک زندگی، زندگی برای نیازهای مادی شخص است. زحمت می کشد، کار می کند، دوندگی می کند برای خود، برای شخص خود و آنچه که به شخص او مربوط می شود...؛این، یک نوع زندگی است و خیلی از انسانها این گونه زندگی می کنند. این گونه زندگی کردن، خصوصیت تلخی دارد. حالا از محاسبه الهی و آخرتی که بعضی به آن اعتقاد دارند و بعضی ندارند، صرف نظر کنیم. در همین دنیا، این گونه زندگی کردن، دشواری بزرگی دارد. آن هم این است که اگر فرض کنیم همه ی این تلاشها هم موفق از آب درآمد، واقعاً کارکرد و به اهداف خود رسید؛ می خواست پول دار بشود و پول دار شد؛ می خواست لذت ببرد و لذت برد؛ می خواست به شهوات دست بیابد، می خواست به قدرت و به عنوان و مقام برسد و بالاخره به همه این ها رسید و فرض کنیم همه این کامیابی ها هم حاصل شد بعد از طی سالیانی، وقتی انسان

احساس کرد که به سراشیب عمر افتاده است و به اواخر عمر نزدیک می شود، به پشت سر که نگاه می کند همه اش حسرت است... .

1- سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص 101.

نوع دوم زندگی این است که انسان برای هدفی زندگی کند؛ هدفی که از خود او بیرون باشد. نمی گویم این هدف، همیشه الهی باشد. حتی اگر این هدف، مادی هم باشد، اما مربوط به کلّ جامعه یا برای بشریت باشد اگرچه تلاش کردن برای چنین هدفی، ممکن است انسان را از مسائل شخصی، مقداری بازبدارد؛ این حسن بزرگ را دارد که وقتی انسان تلاش کرد، این تلاش همیشه موفق است. کار برای اهداف عالی، همیشه موفق است... در این نوع زندگی، هرچه می گذرد انسان احساس می کند که عمرش تلف نشده است؛ چون برای یک هدف عالی زحمت کشیده است. اگر این هدف یک هدف الهی باشد؛ به بشریت برگردد، به آرمان های خدایی برگردد، به صلاح و خیر بشر برگردد، به استقرار عدالت و به مبارزه با ظلم و جور مربوط شود، احساس می کند که به هدف نزدیک تر شده است. در پایان راه هم وقتی به پشت سر خود نگاه می کند، می بیند فرسنگها به هدف نزدیک شده است، لذا حسرت ندارد و احساس لذت می کند. این، زندگی واقعی است؛ زندگی برای آرمان ها و هدفهای والا. (1)

ایشان در جایی دیگر عقیده به امام زمان را همان مصداق عینی آرمان والای بشریت معرفی نموده و فرمود:

آرزوی همه بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عُقده های فرو خورده انسان ها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است؛ تا انسان والا و برگزیده ای از برگزیدگان خدا بیاید، تار و پود ظلم و ستم را - که انسان های شریر درهمه تاریخ تنیده اند - از هم بدرد. (2)

بدیهی است که هدف قرار دادن چنین آرمانی در زندگی، تغییرات قابل توجهی را در شیوه زیستن و سبک زندگی آدمی به وجود خواهد آورد.

4. جایگاه امام در زندگی انسان

با نگاهی قرآنی به مقوله حیات انسان می فهمیم که آدمی، حیات ویژه ای نسبت به موجودات دیگر دارد و تا زمانی که به آن نرسیده باشد انسان مرده ای بیش نیست و لو

1- دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی 19/ 11/ 1371.
2- جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج) 3/ 9/ 1378.

حرکت و جنبش داشته باشد. حال باید بگوییم که چنین حیاتی تنها از جانب خداوند و خلیفه او(رسول و امام) پس از قبول دعوت ایشان بر ما افاضه می شود کما اینکه قرآن کریم خطاب به خداباوران فرمود:

((یا ایها الذین آمنوا اسْتَجِیبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاکُمْ لِما یُحْیِیکُمْ))؛ (1) ای کسانی که ایمان آوردید هنگامی که خدا و رسولش شما را به چیزی که مایه حیات شماست دعوت می کنند، استجابتشان نمایید».

از این آیه شریفه، می توان یکی از جایگاه های امام و خلیفه الهی - که همانا اعطای حیات حقیقی و انسانی به انسانهاست- استفاده نمود و به همین خاطر است که خطاب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوییم: «السلام علیک یا عین الحیاه؛ سلام بر تو ای چشمه زندگی». (2)

با شناخت چنین جایگاه بی بدیلی است که معرفت امام زمان، رمز حیات حقیقی و عدم شناخت وی عامل مرگ جاهلی معرفی شمرده شده است؛ چنان که فرمودند: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه». (3) در این سخن نورانی، عاقبت کسی که معرفت امام زمانش را نیافته و او را پیشوا و واجب الاطاعه در طول زندگیش و در تمام عرصه هایش نداند، خروج از دنیا با حالت غیر مسلمان معرفی کرده است و اعمال چنین فردی مورد قبول حضرت حق نخواهد بود. معلوم است که از طرفی کسی به مرگ جاهلی و غیر اسلامی می میرد که به صورتی غیر اسلامی زندگی کرده باشد و از طرف دیگر دین به عنوان برنامه زندگی موفق، تنها به وسیله امام معصوم به دست می آید؛ بنابراین خروج از محور رضایت امام عصر حتی در رفتارهای ظاهری زندگی به نوعی خروج از زندگی اسلامی محسوب شده که نتیجه آن، همان مردن به گونه جاهلی یعنی عصر قبل از اسلام خواهد بود.

بنابر آنچه که درباره حیات ویژه آدمی و نقش امام در دستیابی به آن بیان شد می توان گفت:

در چشم انداز مهدویت، بهترین هدفی که آدمی می تواند برای زندگی خود در نظر بگیرد

1- انفال/24.
2- بحار الأنوار، ج 99، ص 215.
3- كافى، ج 1، ص377.

و در راستای تحقق آن تلاش کند، همان هدفی است که خداوند انسان ها را برای تحقق آن خلق کرده است.در واقع، بهترین هدف برای زندگی عبودیت خداوند است و کسانی که این هدف را برای زندگی خود برگزیده اند، انسان های موفق و ارزشمندی محسوب می شوند.برای رسیدن به این هدف و تحقق آن در زندگی، خداوند راهی را به انسان ها معرفی کرده و ازآنها خواسته تا از این راه به سوی خدا و عبودیت او حرکت کنند.این راه،حجت های الهی و امامان معصوم علیهم السلام هستند که اراده خداوند را تحقق می بخشند و برای قرب به خداوند تنها راه محسوب می شوند. (1)

5. معنای سبک زندگی

پس از تبیین اجمالی مفهوم «سبک» و «زندگی»، باید تصور صحیحی نیز از اصطلاح «سبک زندگی» داشته باشیم؛ چرا که ترکیب لغوی این دو واژه لزوماً مترادف با معنای اصطلاحی آن نیست.

اصطلاح «سبک زندگی» (2) که اولین بار توسط روان شناسی به نام آلفرد آدلر (3) در سال 1929 ابداع و البته بعدها در سایر علوم استعمال شد، مفهوم اصطلاحی خاصی دارد؛ از نظر وی «سبک زندگی، یعنی کلیت بی همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارد». (4)

البته بعدها تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. به عنوان مثال، زیمل (5) می گوید:

سبک زندگی، تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزشهای بنیادی خود در فرهنگ عینیش و شناساندن آن به دیگران. (6)

از نظر گیدنز: (7)

1- بهترین سبک زندگی یک منتظر؛ امیر منتظر قائم؛ نشریه آیه، ویژه نامه دین و فرهنگ.

2- Life Style

3- Alfred Adler
4- به نقل از برزگر، ابراهیم. (1388). روان شناسی سیاسی، تهران: سمت.
5- Simmel
6- سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص 34.
7- Giddens

سبک زندگی مستلزم مجموعه ای از عادت ها و جهت گیری ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینش های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را تأمین می کند. (1)

بوردیو (2) نیز می گوید:

سبک زندگی فعالیت های نظام مندی است که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می بخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می کنند. (3)

نویسنده ای پس از بررسی تعاریف مختلف در باب سبک زندگی معتقد است که:

تقریباً در اکثر تعریف های سبک زندگی می توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است؛ و در واقع هر دو مفهوم هم، به واژه «سبک» باز می گردد: اول، مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام مندی این کُل را از کُل های دیگر متمایز می کند. (4)

همچنین نکته ای که در بیشتر تعریفها باعث تمایز مفهوم سبک زندگی از مفاهیم مشابه (مانند فرهنگ یا پاره فرهنگ، هویت، شخصیت و...) محدودسازی می شود، خلاقانه و گزینشی بودن اجزا و عناصر سبک زندگی است. (5)

این را هم باید دانست که آنچه هم اکنون از این واژه در اذهان تداعی می شود همان معنایی است که غالباً در علوم اجتماعی متداول بوده و آن، یعنی هنجارها و رفتارهای ظاهری و مشهود در جامعه. اما نه تنها در دانش روان شناسی و در بحث از سبک زندگی، علاوه بر «هست ها» به «ریشه ها»، «نگرشها» و «باورهای» هویت بخش نیز توجه شده

1- آنتونی گیدنز، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، 1378، ص 121.
2- Bourdieu
3- به نقل از سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، دکتر محمد کاویانی،پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،بهار1392،چاپ دوم،ص 37.
4- مفهوم سبک زندگی، محمد سعید مهدوی کنی، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی، ش 1.
5- دین و سبک زندگی، ص 58.

است؛ بلکه حتی برخی معتقدند:

با گذشت زمان و در آغاز قرن بیستم، به جای تمرکز بر رفتارهای مصرفی و تکیه بر جنبه های عینی زندگی انسان (و اتفاقاً در اصل خود بیشتر وابسته به نیازهای اولیه مانند خوردن، پوشیدن و مسکن) جنبه های ذهنی و نیازهای ثانوی انسان (مانند روابط انسانی، نگرش ها و گرایش ها) مورد توجه قرار گرفت. (1)

همه این مطالب گویای آن است که گرچه ما در سبک زندگی، جلوه های قابل مشاهده را بررسی می کنیم، اما این مطلب نباید ما را از توجه به مبانی و ارزشهای بنیادینی که یک سبک زندگی بر آن استوار است غافل نماید.

خلاصه آنکه با توجه به آنچه که در نوشته های مختلف دیده می شود می توان چنین برداشت کرد که «سبک زندگی عبارت است از رویکرد حاکم بر زندگی که مبتنی بر باورهای خاصی بوده و در رفتارهای شخص بروز پیدا می کند». در هر صورت دانستن این مطلب به ما می آموزد که اولاً تحلیل یک سبک، ما را به باورها و ارزشهایی که موجب گزینش این نوع سبک خاص شده خواهد رساند و ثانیاً در تغییر یا ایجاد و ارائه سبک خاصی برای زندگی به ما کمک خواهد نمود.

گفتار سوم. نسبت اخلاق و آداب با سبک زندگی

پرسشی که ممکن است در زمینه مفهوم شناسی سبک زندگی به ذهن تبادر کند نسبت اخلاق و آداب با آن است و البته این نسبت با دقت در معنای اخلاق و ادب روشن می شود. «اخلاق، ملکه ای نفسانی است که موجب می شود کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه از انسان صادر شود». (2)همچنین در تعریف ادب گفته اند:

ادب، هیأت نیکو و پسندیده ای است که طبع انسان سزاوار می داند که هر عمل مشروعی (چه دینی باشد مانند دعا و امثال آن و چه مشروع عقلی باشد مانند دیدار دوستان) بر طبق آن هیأت واقع شود. به بیان دیگر: ادب عبارت است از ظرافت عمل. (3)

1- همان، ص 215.
2- جامع السعادات، ج 1، ص 46.
3- الميزان فی تفسير القرآن، ج 6، ص 256.

اگر بخواهیم قبل از فهم رابطه سبک زندگی با اخلاق و ادب، از نسبت اخلاق و ادب سر در آوریم؛ در این زمینه کلام شیخ طبرسی راه گشاست. ایشان به شش تفاوت میان اخلاق و ادب اشاره کرده و می گوید:

1. اخلاق از مسائل مربوط به روح انسانی بحث می کند؛ ولی آداب مربوط به افعال بدن است.

2. مسائل اخلاقی همیشه و در طول زمان ثابت بوده و تغییر در آنها راه ندارد؛ ولی آداب در زمانهای مختلف متغیر و متفاوتند.

3. مسائل اخلاقی از نظر مکان نیز ثبات داشته و در هر شهری و هر کشوری یکسان می باشند؛ اما آداب در شهرها و کشورهای مختلف تغییر نموده و آداب هر منطقه مخصوص همان مکان است... .

4. اخلاق علت و آداب معلول و ثمره آن است.

5. در روایات اسلامی به آداب بیشتر از اخلاق اهتمام شده است!

6. مسائل اخلاقی قابل استدلال عقلی می باشند؛ ولی برای آداب، استدلالی عقلی وجود نداشته و تابع ذوق و سلیقه مردم می باشند. (1)

با توجه به تعاریف مذکور، اخلاق همانند فقه و عقاید، به عنوان مبنا و محور و اصول ثابت سبک زندگی قرار می گیرد و ادب در زمینه های مختلف، ممکن است به فراخور شرایط متغیر باشد. همچنین ادب به عنوان اجزای یک کلی به نام سبک زندگی محسوب می شود، زیرا همان طور که قبلاً اشاره شد، کلی بودن جزء تعریف و ماهیت سبک زندگی است. به بیانی دیگر« اگر بخواهیم رابطه سبک زندگی را با آداب بیان کنیم باید بگوییم هیئت ترکیبی آداب، یعنی رفتارهای ساده و جلوه های ظاهری ما وقتی به صورت یک پارچه در نظر گرفته می شود سبک زندگی ما را رقم میزند». (2)

1- الآداب الدینیه للخزانه المعینیه، ترجمه احمد عابدی، انتشارات زائر، ص 201.
2- همیشه بهار(اخلاق و سبک زندگی اسلامی). ص 29.

فصل دوم. ماهیت انتظار

گفتار اول. لزوم بازشناسی مفهوم انتظار

واژه دیگری که قبل از تعریف «سبک زندگی منتظرانه» و در جهت شناخت ماهیت آن باید واکاوی شود، واژه «انتظار» است که سهم قابل توجهی از روایات مهدوی را به خود اختصاص داده است. «انتظار» در فرهنگ لغات، به معنی چشم داشتن، چشم داشت و چشم به راه بودن (1) است. اما باید دانست فضایل حیرت انگیز و کارکردهای تحیرآوری که درباره انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در سخنان نورانی پیشوایان ما مطرح شده است- و در مباحث بعدی تعدادی از آنها خواهد آمد- با اندک تأملی گویای این حقیقیت است که صرف معنای لغوی انتظار که عبارتند از «چشم به راهی»، قطعاً مورد نظر این بزرگواران نبوده است، بلکه باید معنای اصطلاحی و حتی حقیقت و ماهیت آن در فرهنگ دینی به خوبی واکاوی شود. به عنوان نمونه وقتی امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَکُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْیَنْتَظِرْ...؛ (2) کسی که دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد باید منتظر باشد...». کاملاً روشن است که برای احراز شایستگی یاوری و پا رکابی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چشم انتظاری صرف، کافی نیست؛ بلکه توفیق قرارگیری در زمره یاران حضرت نیازمند دارا بودن ویژگیها و کارآیی های برجسته ای است که امام صادق علیه السلام از آن با کلیدواژه «انتظار» یاد نموده است.

حقیقت آن است که«اگر مفاهیم واقعی واژههای اسلامی و معانی آنها درک شود،

1- لغت نامه دهخدا و فرهنگ معین، ذیل کلمه انتظار.
2- غیبت نعمانی، ص200.

اشتباهات و سوء تفاهماتی که در شناخت دین و مقاصد آن برای جمعی پیش آمده، مرتفع، و هدفهای واقعی و مقاصد حقیقی دین معلوم میگردد. و اگر الفاظ و اصطلاحات دینی بطور صحیح درک نشود و با مفاهیم نادرست عرضه شود و نادانان یا مغرضان، آن را به صورتی دیگر جلوه دهند، زیان آن از گمراهی صریح کمتر نخواهد بود؛ زیرا موجب سوءظن و بدگمانی و برداشتهای غلط و ناروا از دین میگردد؛ تا آنجا که مترقیترین و کاملترین مکتب را عامل انحطاط، زبونی، بیعدالتی و نابرابری میپندارند؛ و حقیقتی را که عامل ایجابی و عملی و نشاطبخش و انقلابی است، عامل سلبی و منفی و رکود و سکون و وقوف و کنارهگیری میشمارند... .

این مفاهیم که انحراف از درک حقایق آنها مساوی با گمراهی در اصل دین، و یا رشتههای اساسی و مهم آن است و باید نسل جوان که جویای حقیقت، و طالب کمال و ترقی و آگاهی است، در فهم آن یاری شود، بسیار است مانند: زهد، قناعت و... و از جمله، یکی هم انتظار ظهور یا انتظار فرج و قیام حضرت مهدی و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.اگر چه اصالت مفهوم این انتظار، هنوز در اذهان، کم و بیش و به حسب مراتب معارف و آگاهیهای افراد محفوظ مانده است؛ ولی به گمان بسیاری، تلقی و برداشت اکثر جامعه از آن، چنانکه باید سازنده و مثبت نیست و جوانب سلبی و منفی آن نیز که از تعلیمات اساسی و مترقی اسلام و مبارزات سلبی رهبران دین سرچشمه میگیرد، نادرست و غیر از آنچه باید باشد عرضه شده است، و در جهت جنبش و تحرّک، قدم به پیش نهادن، مجاهده، امر به معروف و نهی از منکر، ثبات قدم و پایداری، حبّ فیالله (محبت به خاطر خدا) بغض فیالله (دشمنی به خاطر خدا) و قطع رابطه با اعداءالله، از آن بهرهبرداری نشده، بلکه آن را عامل سکون و سکوت، سازشکاری، وقوف، تسلیم، ساخت و پاخت با ستمگران، رضایت دادن به وضع موجود و فراموش ساختن اهداف عالی اسلام معرفی کرده بودند.

جشن و چراغانی نیمه شعبان و خواندن دعای ندبه را وسیله خاموش کردن آتش اعتراض، و ایجاد آرامش موقّت، و مسکّن نگرانیها و نارضایتیهای جامعه از بیعدالتیها و فشارها و نابرابریها و مفاسد دیگر میپنداشتند، که شور و هیجانی را که باید بر قوّت و حدّتش افزود تا همه تباهیها و نابسامانیها و بشر پرستیها و استعبادها و استضعافهای گوناگون را بر باد دهد، فرو مینشاند و بر آتش روحانی و مقدسی که اسلام برای سوختن

کاخهای ستم و استضعاف برافروخته و باید همیشه روشن و روشنتر شود، آب میریزد. لذا برای رفع هرگونه سوءتفاهم و درک مفهوم واقعی انتظار و تأثیر آن در اصلاح اجتماع، بلکه انقلابات اجتماعی و سیاسی و تقویت اراده و تربیت افراد مبارز و سرسخت و شکستناپذیر، و شناخت فلسفه مراسم جشن و چراغانی و خواندن دعای ندبه و توسلات و توجّهات، و عرض ادبها به ساحت مقدس و با عظمت حضرت بقیهالله فی الارضین (أرواحنا له الفداه)، باید به جستجوی معنای اصطلاحی انتظار و آنچه که مقصود واقعی اهل بیت است، پرداخت». (1)

گفتار دوم. نسبت انتظار و عمل

همان طور که گفته شد علاوه بر شناخت معنای لغوی انتظار باید در جستجوی حقیقیت انتظار و معنای مورد نظر اهل بیت در روایات بود. نکته بسیار مهمی که در شناخت ماهیت انتظار و کاربردی نمودن آن در روش زندگی، باید به آن توجه نمود، وصفها و قرینه و فضایی است که این چشم به راهی در آن فضا مطرح می شود؛ این نکته همان مطلب قابل توجهی است که بی توجهی به آن باعث برداشتهای متفاوت از این آموزه و در نهایت، عدم جریان فرهنگ انتظار در متن زندگی شیعیان به گونه ای شایسته و مؤثر است.

یکی از وصفهایی که در مورد انتظار فرج در روایات ما ذکر شده است وصف انتظار به عمل و تلاش است. در سخنان مهدوی معصومین عباراتی را شبیه «أفضل أعمال شیعتنا انتظار الفرج» (2) مشاهده می کنید که انتظار را از حالت دورنی محض بیرون آورده و حکایت گر همراهی انتظار با مقوله عمل است. کما اینکه در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام جدیت و تلاش در کنار انتظار ذکر شده است و ایشان فرمود:

...فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِیئاً لَکُمْ أَیَّتُهَا الْعِصَابَهُ الْمَرْحُومَه؛ (3) پس بکوشید و انتظار بکشید که گوارایتان باد ای گروه رحمت شده.

علت این امر را نیز باید در عناصر انتظار جستجو نمود که یکی از آنها رجاء و امیدواری

1- .انتظار عامل مقاومت، ص 11-14(با تلخیص)،

2- كفايه الأثر فى النص على الأئمه الإثنى عشر، ص 280.
3- غيبت نعمانى، ص 200.

است. بدیهی است که وقتی ما به رسیدن به مقصودی امید داشته باشیم این امیدورای در حرکت و اقدام ما ظهور و بروز پیدا می کند و اگر غیر از آن باشد امیر المؤمنین چنین کسی را مورد نکوهش قرار داده و فرموده:

یدعی بزعمه أنه یرجو الله کذب و العظیم ما باله لا یتبین رجاؤه فی عمله فکل من رجا عرف رجاؤه فی عمله؛ به گمان خود ادعا دارد که به خدا امیدوار است! به خدای بزرگ سوگند که وی دروغ می گوید، چه می شود او را که امیدواری در عملش پیدا نیست؟ بنابراین هر کس به خدا امیدوار باشد باید، امید او در کردارش آشکار شود. (1)

این سخن شریف به خوبی گویای آن است که کسانی که فقط از انتظار به حالت درونی اکتفا کرده و از حرکت و عمل کوتاهی می کنند فرسنگها از حقیقت انتظار در نگاه اهل بیت دورند، زیرا مروری کلی بر سخنان ایشان گویای آن است که:

انتظار، حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان، شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهلبیت علیهم السلام، تنفر از وضع موجود (غیبت امام) و توجه به نقص و فساد و تباهی آن سرچشمه گرفته، در وجود انسان شعله می کشد و انواع دگرگونیها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان، ایجاد می نماید. (2)

نکته مهم دیگری که در این راستا باید توجه کرد آن است که حتی مطلق عمل را در فهم مقوله انتظار نمی توانیم مد نظر قرار دهیم، بلکه ما قائلیم آن عمل و سعیی در درک انتظار مؤثر است که جهت دار و در تقابل با دشمن باشد. این مطلب در گفتار بعدی بیشتر توضیح داده خواهد شد.

گفتار سوم. گره خوردن ماهیت انتظار با جهاد و تلاش

نگاه تطبیقی که بین روایات مربوط به انتظار وجود دارد نشان گر نوعی ارتباط و همراهی انتظار با مقوله جهاد- علاوه بر عمل- است. همه ما این سخن پیامبر عظیم الشأن اسلام

1- نهج البلاغه، خطبه 160.

2- انتظار عامل مقاومت، ص7.

را شنیده ایم که فرمود: «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج من الله عز و جل»؛ (1) اما جالب این است که همین وجود شریف در حدیث دیگری درباره انتظار فرج، قالب این عمل را جهادی معرفی نموده و می فرماید: «أفضل جهاد أمتی انتظار الفرج». (2)

شخصی از امام صادق علیه السلامپرسید: نظرتان درباره کسی که ولایت ائمه را داشته و در انتظار ظهور حکومت حق بوده و در این حال از دنیا می رود چیست؟ ایشان در پاسخ فرمود:

هو بمنزله من کان مع القائم فی فسطاطه ثم سکت هنیئه ثم قال هو کمن کان مع رسول اللّٰه؛ (3) او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد- سپس اندکی سکوت کرد- و فرمود: مانند کسی است که با پیامبر اسلام در«مبارزاتش» همراه بوده است.

شبیه این حدیث در روایات دیگری نیز نقل شده است.

«این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی داشتن همیشه توأم با یک جهاد وسیع و دامنه دار است. این را در نظر داشته باشید تا به سراغ مفهوم انتظار رفته، سپس از مجموع آنها نتیجه گیری کنیم. انتظار، معمولاً به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند. فی المثل بیماری که انتظار بهبودی می کشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می کوشند. همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی میباشد این دو حالت را دارد«بیگانگی با وضع موجود» و«تلاش برای وضع بهتر». بنابراین مسأله انتظار حکومت حق و عدالت«مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است، عنصر«نفی» و عنصر«اثبات». عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارتند از ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو، و

1- كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص 644.
2- تحف العقول، ص 37.
3- المحاسن، ج 1، ص 173.

خودسازی و خود یاری و جلب آمادگی های جسمی و روحی و مادی و معنوی - برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی- و مردمی از سوی دیگر و خوب که دقت کنیم می بینیم هر دو قسمت آن سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است.

با توجه به مفهوم اصلی«انتظار» معنی روایات متعددی که در بالا درباره پاداش و نتیجه کار منتظران نقل کردیم به خوبی درک می شود. اکنون می فهمیم چرا منتظران واقعی گاهی همانند کسانی شمرده شده اند که در خیمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا زیر پرچم او هستند یا کسی که در راه خدا شمشیر می زند، یا به خون خود آغشته شده، یا شهید گشته است. آیا اینها اشاره به مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و عدالت نیست که متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟ یعنی همانطور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است انتظار و خودسازی و آمادگی نیز درجات کاملاً متفاوتی دارد که هر کدام از اینها با یکی از آنها از نظر«مقدمات» و«نتیجه» شباهت دارد؛ هر دو جهادند و هر دو آمادگی می خواهند و خود سازی، کسی که در خیمه رهبر چنان حکومتی قرار گرفته، یعنی در مرکز ستاد فرماندهی یک حکومت جهانی است، نمی تواند یک فرد غافل و بی خبر و بی تفاوت بوده باشد؛ آنجا جای هر کس نیست، جای افرادی است که به حق شایستگی چنان موقعیت و اهمیتی را دارند.همچنین کسی که سلاح در دست دارد در برابر رهبر این انقلاب با مخالفان حکومت صلح و عدالتش می جنگد آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی باید داشته باشد». (1)

بنابراین «انتظاری حقیقی است که تحول آفرین، اندیشه ساز، نیرو بخش، تعهد آور و مجاهدپرور باشد و شخص منتظر را به عرصه جهادی همه جانبه برای زمینه سازی ظهور در عرصه های فردی و اجتماعی وارد کند»؛ (2) «این انتظار، لفظ نیست؛ گفتن نیست؛ عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبائی و مقاومت است»؛ (3) این «انتظار فرج، یعنی زنده نگه داشتن روح انقلابی در خودمان و تلاش برای گسترش جهانی

1- تفسیر نمونه، ج7، ص 379-383 با تلخیص.
2- نسل طوفان، ص 14.

3- انتظار عامل مقاومت، ص 74.

و آماده باش جهانی. انتظار فرج، یعنی من همیشه یک چریکی و مبارز خواهم ماند. انتظار فرج، یعنی من یک مجاهد هستم و مجاهد خواهم ماند». (1)

با چنین توضیحی می توان گفت که در زمینه انتظار، معنای اصطلاحی و مورد نظر روایات را این طور بیان کرد که: «انتظار، چشم به راهی قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف توأم با جهاد و تلاش برای آمادگی فردی و زمینه سازی اجتماعی جهت پذیرش و شرکت در بزرگترین حماسه تاریخی نبرد حق و باطل به رهبری اوست» و با این حساب، منتظر همان مجاهد و مبارز و زندگی او، زندگی جهادی معنا خواهد شد؛ از همین روست که امام صادق علیه السلام آیه«...فَسَوْفَ یَأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ أَذِلَّهٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أَعِزَّهٍ عَلَی الْکافِرِینَ یُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ لا یَخافُونَ لَوْمَهَ لائِم؛ (2) خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست می دارند، در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران با عزت و درشتخو و سختگیر هستند؛ در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامت گری نمی هراسند» را بر یاران حضرت مهدی تطبیق می فرماید. (3)

در حقیقت چنین نگاهی به مقوله انتظار نگاهی حداکثری به انتظار بوده و به نوعی می توان آن را بر تمام دین منطبق کرد، زیرا «اگر امامت و ولایت رکن رکین هویت ماست و اگر دین با ولایت می تواند در عرصه های مختلف زندگی خود را آشکار نماید، پس باید این امامت به تمام معنی ظهور یابد تا حقیقت دین متجلی و به تبع آن راه و رسم زندگی شفاف شود. بنابراین تجلی دین به عنوان نقشه راه زندگی، وابسته به امام معصومی است که می تواند راهبر زندگی انسان باشد، چرا که از سویی از خطا و گناه دور است و از سوی دیگر هدف زندگی که درک مراتبی از عبودیت الهی است و راه رسیدن به آن و موانع رسیدن و طریق عبور از موانع جهت درک آن هدف متعالی را می شناسد. پس باید منتظر ظهور چنین امامی بود و برای ظهور چنین امامی قیام کرد. این تلاش و قیام و جنب و جوش و خروش متعالی در مفهومی به نام انتظار تجلی می یابد که روح حاکم بر

1- انتظار، انقلابی ماندن، همه جا، همه وقت؛ حسن رحیم پور ازغدی، نشریه امان، ش 30.

2- مائده/54.

3- غیبت نعمانی، ص 316.

زندگی مسلمان آزاده ای است که در عصر غیبت معصوم خود را ملتزم به تلاش و حرکتی قانون مند در جهت ظهور آن راهبر در عصر غیبت نموده است و عاشقانه و خالصانه در مسیر رضایت ولی خدا حرکت می کند تا زمینه های ظهور مهیا گردد و با این دید، منتظر شخصیتی است که وظیفه دارد بر اساس مبانی اسلام ناب محمدی تلاش در جهت توسعه ظرفیت وجودی خویش و ارتقای سطح مقاومت خود در مقابل فتنه های زمانه (یعنی بحران های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی بحران های زیست محیطی همچون زلزله، سیل و غیره) و نیز آلودگی های اخلاقی پنهان و آشکار، زمینه ای را در خود ایجاد کند که بتواند در هر موقعیت به صورت مستمر در جهت اصلاح و ارتقای خود و دیگران در راستای ظهور، قیام و حاکمیت امام معصوم اقدامات بایسته و شایسته را انجام دهد». (1)

بدیهی است که چنین برداشتی حماسی و جهادی از سبک زندگی منتظرانه- که می توان از آن به سبک زندگی زمینه ساز نیز یاد نمود- تأثیر فوق العاده ای را خواهد داشت و حیات تازه ای به دوستداران امام زمان، خواهد بخشید. به فرموده مقام معظم رهبری:

زندگی جهادی یعنی این که ما آرمانها و ارزشها و هدفهای والای زندگی را مشخص کنیم و بعد با تمام قوا برای تحقق آن بکوشیم. اصلاً زندگی جز این معنا ندارد و گرنه، اگر انسان از جهاد برای ارزشها و هدفهای والا خالی باشد به یک جماد تبدیل خواهد شد. (2)

گفتار چهارم. مفهوم جهاد و انواع آن

اگر ما در ماهیت شناسی انتظار آن را نه تنها با عمل که با جهاد ملازم دانسته و از انتظار جهادی سخن می گوییم باید به معنای جهاد نیز توجه کنیم تا بدانیم که جهاد همیشه ملازمت با جنگ و درگیری نظامی ندارد و این نکته در بررسی مفهوم جهاد نهفته است.

واژه ج-ه-اد در لغت نامه های عربی به معنای زحمت، مشقّت (3) و تلاش توأم با رنج (4)

1- مقاله تعادل و تعالی، ثمره سبک زندگی منتظرانه است؛ علی صدوقی، نشریه امان، ش 45.

2- سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ 29/11/1370.
3- المفردات راغب اصفهانی، ذیل واژه جهاد.
4- اقرب الموارد، ذیل واژه جهاد.

است. جهاد همچنین نام بابی در علم فقه نیز می باشد و به همین جهت در شرع نیز اص-طلاح خاصی یافته و آن عبارت است از:

ب-َذْل النَّف-ْسِ وَ الم-الِ وَ الْوس-ْعِ ف-ِی اِع-ْلاءِ ک-َلَم-َهِ اِلاس-ْلامِ وَ اِق-ام-َهِ ش-َع-ائِرَ الایمانِ؛ (1) ج-ه-اد ع-ب-ارت اس-ت از ن-ث-ار ج-ان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و بر پا داشتن شعارهای ایمان.

شاید از همین رو بوده که این واژه معنایی شبیه معنای اصطلاحی در فقه- و متفاوت از معنای لغوی در زبان عربی- یافته و آن را در فرهنگ لغات فارسی به کارزار کردن و جنگیدن در راه حق (2) معنا کرده اند. مقام معظم رهبری نیز که همواره از جهاد و کار و روحیه جهادی صحبت می کنند در تبیین این کلمه می فرمایند: «جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس». (3)

و فرموده اند:

معیار جهاد همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه مبارزه وجود دارد...پس جهاد یعنی مبارزه. در مبارزه دو چیز حتماً لازم است: یکی اینکه در آن جد و جهد و تحرکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمی تواند مبارزه کند، در مبارزه باید جد و جهدی وجود داشته باشد... دوم اینکه در مقابلش دشمنی باشد. مبارزه در آنجا که دشمن نیست معنا ندارد. پس جهاد متقوم بر این دو رکن است...اگر همه این ها در مقابل دشمن خدا و دشمن علی لسان الله و لسان رسوله و اولیائه علیهم السلام باشد می شود جهاد فی سبیل الله. (4)

بنابراین چهار عامل مهم در تبیین مفهوم جهاد از دیدگاه اسلام وجود دارد:

اول. داشتن هدف والا؛

دوم. ت-لاش، ک-وش-ش و تحمل سختی در راه رسیدن به آن هدف؛

سوم. تلاشی که در مقابل موانع و دشمن و هجوم اوست؛

1- جواهر الکلام، ج 21، ص 3.

2- فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه جهاد.
3- بیانات در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی 1/ 4/ 1383.
4- سخنرانی در شروع درس خارج فقه 20/6/1373.

چهارم.انجام این تلاش ف-ی س-ب-ی-ل الله و به نیت ام-ت-ثال تکلیف الهی و کسب رضای خدا.

این جهاد دارای انواعی است که در بیان امام صادق علیه السلام چنین شمرده شده است:

الْجِهَادُ عَلی أَرْبَعَهِ أَوْجُهٍ، فَجِهَادَانِ فَرْضٌ، وَ جِهَادٌ سُنَّهٌ لَایُقَامُ إِلَّا مَعَ الْفَرْضِ، و جِهادٌ سُنَّهٌ. فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرْضَیْنِ، فَمُجَاهَدَهُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنْ مَعَاصِی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ هُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ وَ مُجَاهَدَهُ الَّذِینَ یَلُونَکُمْ مِنَ الْکُفَّارِ فَرْضٌ. وَ أَمَّا الْجِهَادُ الَّذِی هُوَ سُنَّهٌ لَایُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرْضٍ فَإِنَّ مُجَاهَدَهَ الْعَدُوِّ فَرْضٌ عَلی جَمِیعِ الْأُمَّهِ، وَ لَوْ تَرَکُوا الْجِهَادَ لَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ، وَ هذَا هُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّهِ، وَ هُوَ سُنَّهٌ عَلَی الْإِمَامِ وَحْدَهُ أَنْ یَأْتِیَ الْعَدُوَّ مَعَ الْأُمَّهِ فَیُجَاهِدَهُمْ. وَ أَمَّا الْجِهَادُ الَّذِی هُوَ سُنَّهٌ، فَکُلُّ سُنَّهٍ أَقَامَهَا الرَّجُلُ، وَ جَاهَدَ فِی إِقَامَتِهَا وَ بُلُوغِهَا وَ إِحْیَائِهَا، فَالْعَمَلُ وَ السَّعْیُ فِیهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ؛ لِأَنَّهَا إِحْیَاءُ سُنَّهٍ؛ (1) جهاد بر چهار گونه است: دو جهاد واجب(عینی) است و جهاد دیگر مستحبی است که جز با واجب تحقق نیابد و چهارمی جهاد مستحبی محض است. اما آن دو جهاد که واجب(عینی) هستند: یکی جهاد شخص با نفس خویش است که با کناره گیری از معاصی و گناهان نسبت به خدا صورت می گیرد و آن از بزرگترین جهاد است و دیگری جهاد با کافرانی است که با شما هم مرزند(و به شما حمله می کنند) که این نیز واجب است. اما آن جهاد که مستحب(بر امام) می باشد که در سایه واجب امکان پذیر است، جهاد با دشمن است که بر همه امت واجب(کفائی) است و اگر آن را ترک نمایند عذاب بر آنها فرود آید و این عذاب شامل همه امت گردد و آن جهاد بر امام، مستحب و سنت است و حد آن این است که امام با امت برای سرکوبی دشمن رود و با دشمنان پیکار نماید. و اما آن جهادی که مستحب محض است، برپا داشتن سنتهاست که مرد مسلمان در بر پا نگهداشتن و رشد و احیای آن سعی و کوشش خود را به کار گیرد و مبارزه کند؛ پس کار و تلاش در این خصوص از بهترین اعمال است؛ زیرا احیای سنت است. (2)

1- کافی، ج 5، ص 9.

2- توضیحات داخل پرانتز از علامه مجلسی است. رک: مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج 18، ص 332.

فصل سوم. معناشناسی سبک زندگی منتظرانه

اشاره

حال که تبیین واژگان مورد نظر به پایان رسید و ماهیت سبک زندگی منتظرانه نیز مشخص گردید که تلاش و جهاد برای زمینه سازی ظهور جزئی از ماهیت آن است، به جاست که به تعریف سبک زندگی منتظرانه بپردازیم که در نوشته های مهدوی گاهی از آن با عنوان سبک زندگی زمینه ساز و زمانی نیز با عنوان سبک زندگی مهدوی یاد می شود، اما قبل از آن برخی از تعاریف بیان شده را ذکر می کنیم:

گفتار اول. نگاهی به تعریفها درباره سبک زندگی منتظرانه

در سالهای اخیر اقبال اندیشمندان به مقوله مهدویت بیشتر شده و همین امر باعث تولید متونی علمی درباره مفاهیم مرتبط با مهدویت شده است که از جمله آنها موضوع مورد بحث ما است. ضرورت این توجه در نظر برخی نویسندگان این چنین توضیح داده شده است:

امروزه در عصر غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید به دنبال الگویی از سبک زندگی شیعی بود که مبتنی بر باورداشت به مسئلهٔ انتظار و بازگشت امام باشد. شیعه در عصر غیبت با یکی از جدی ترین مفاهیم حیات طولانی تاریخ امامت، یعنی مهدویت و غیبت گره خورده است و دو مفهوم مهدویت و غیبت، با مفهوم سوم، یعنی انتظار ارتباط تنگاتنگ دارد؛ به گونه ای که این سه مفهوم سبک فکر و زندگی شیعه را تبیین کرده است. اعتقاد به حقانیت و مشروعیت امام مهدی(عج) و انتظار بر شکل گیری جامعه توحیدی- که مبتنی بر حاکمیت ایشان است-تنها عامل مشروعیت بخشی به همه جریان های فکری و اجتماعی در عصر

غیبت است و این امر نخستین اصل و مبنای فکری شیعه در ارائه سبک زندگی شیعی است. بنابراین با استخراج عناصر اصلی ایده مهدویت و پرورش الگوهایی مبتنی بر این اندیشه، می توان نحوه زیست شیعیان را تعیین کرد و نسلی را پرورش داد که اعتقاد به امامت و مهدویت از مؤلفه های اساسی فکر اوست و نه تنها در شعائر و مناسبات، بلکه در اهداف و آرمان های خود به سوی امام معصوم توجه و گرایش دارد و جهت زندگی خویش را به سمت انسان کامل معطوف می سازد. (1)

کما اینکه در همین راستا گفته شده است:

انتظار، بیانگر رویکرد نظری و عملی شیعیان در دوران غیبت، تا رسیدن به آرمان مهدویت است و لازمه این رویکرد خاص، در پیش گرفتن سبک خاصی از زندگی است که به نوعی خلاصه و عصاره همه ویژگی های مثبت مطرح شده در آموزه های اسلامی است. (2)

در همین راستا برخی، معنای زندگی مهدوی- و نه سبک زندگی مهدوی که جلوه ظاهری آن است- را مد نظر قرار داده و گفته اند:

زندگی با حجت حی و حاضر را زندگی مهدوی می گویند؛ کسی که خود را وقف امام زمان علیه السلام مینماید و همه نیروها و توانها و امکاناتش را در راه امام صرف و خرج می کند زندگی مهدوی دارد... حیاتی که روش، منش، کنش، نگرش و بینش آن بر اساس آموزه های مهدویت باشد، زندگی مطلوب مهدوی است. (3)

برخی دیگر نیز در مورد این شیوه زندگی گفته اند:

سبک زندگی مهدوی عبارتند از انتخاب روشی کلی و نسبتاً پایدار در رفتار توسط فرد یا جمع که بر پایه فرهنگ اسلامی با محوریت نظر و رضایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به هستی، انسان و زندگی، استوار بوده و در تعامل با جامعه و برای رسیدن به اهداف امام

1- مقاله چیستی و چرایی سبک زندگی و نسبت آن با دین و مهدویت، سیدرضی موسوی گیلانی، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، ش

25.
2- زندگی به سبک مهدوی در گفتگو با دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی؛ ماهنامه معارف، ش 97.
3- زندگی مهدوی، ص 16-17.

زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که همان اهداف حقیقی زندگی ماست به ظهور می رسد. (1)

نویسنده ای نیز در مقام ورود به بحث مورد نظر می گوید:

سبک زندگی منتظرانه مبتنی بر باور مذهبی و سنت الهی، خواستار حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب در جامعه است. (2)

نویسنده دیگری در این باره می نویسد:

وقتی روشن شود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جنبه متعالی هر انسانی است، انتظار معنی خاص خود را پیدا می کند و در آن حال، نه تنها انسانِ منتظر هم اکنون قلب خود را متوجه قطب عالم امکان می نماید و با او زندگی می کند، بلکه تلاش می نماید تا ظهورِ او در عالم و آدم هر چه بیشتر شدت یابد و افق بشریت به کلّی دگرگون شود و از توجه به خاک، به انس با افلاک تغییر جهت دهد و این است آن نوع از سبک زندگی که با نگاه مهدوی به زندگی ها برمی گردد. (3)

یکی دیگر از نویسندگان این نوع از شیوه زندگی را مورد بررسی بیشتری قرار داده و سپس می گوید:

مقصود از سبک زندگی زمینه ساز مجموعه رفتارهای اجتماعی است که ضمن برآورده کردن نیازهای جاری جامعه منتظران روایتی عمل گرا و فعالانه مبتنی بر تفکر موعودگرایی و مهدوی را برای هویت اجتماعی بر می گزینند. (4)

گفتار دوم. تعریف پیشنهادی از سبک زندگی منتظرانه

حال که از تبیین واژگان دخیل در سبک زندگی منتظرانه و تعاریف اندیشمندان مختلف

1- سلسله آموزشهای سبک زندگی مهدوی، ج1(پدر مهدوی)، ص 3. مسعود دریس، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود شعبه آبادان، بی تا.

2- مقاله آگاهی منتظرانه در سبک زندگی و تربیت زمینه ساز. فاطمه خادم شیرازی، سعید پورعلی، مجموعه مقالات نهمین دکترین مهدویت، ج 2، ص 183.
3- مقاله سبک زندگی مهدوی؛ اصغر طاهرزاده، پایگاه حرف آخر.
4- مقاله مؤلفه های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه ساز، غلامرضا گودرزی، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، ش 31.

در این باره فارغ شدیم می توانیم تعریفی را برای این سبک در نظربگیریم. مؤلف این نوشتار با توجه به مقدماتی که بیان شد معتقد است که:

سبک زندگی منتظرانه عبارت است از التزام به مجموعه رفتارهای جهادی برخاسته از اعتقاد به امام حی، حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار دولت او در عصر غیبت است که با هدف زمینه سازی حکومت مهدوی بر اساس تعالیم اسلام شیعی صورت می گیرد.

در این تعریف چند نکته گنجانده شده است:

اول. با قید «التزام به مجموعه رفتارهای»، سبک زندگی منتظرانه اولاً از آداب منتظران که تک گزاره های هر بخش این سبک است جدا شده و مجموعه آن با هم در نظر گرفته شود. همچنین از اخلاق منتظرانه که ناظر به صفات درونی منتظران و البته از ریشه های رفتار منتظرانه است جدا می شود. ثانیاً با واژه «التزام» به پایدار بودن نسبی این روش زندگی اشاره دارد.

دوم. با قید «رفتارهای» تنها بخش ظاهری و قابل مشاهده زندگی مهدوی و منتظرانه مورد تأکید قرار می گیرد و پرداختن به سایر مؤلفه های زندگی مهدوی و منتظرانه نظیر معرفت و محبت به امام زمان تنها در حد اشاره و تبیین مطلب خواهد بود.

سوم. قید«جهادی» نشان گر آن است که نه تنها انتظار از مقوله عمل و تلاش است، بلکه فقط تلاشی را که در مقابل دشمن است شامل می شود نه هر گونه سعی و تلاشی.

چهارم. گرچه معمولاً سبک زندگی، رفتارهای معطوف به جامعه است؛ اما باید دانست که«سبک زندگی نه امری کاملاً فردی است و نه امری کاملاً اجتماعی؛ بلکه هم ابعاد فردی، سلایق و امیال و خواسته های شخصی در آن لحاظ می شود و هم تأثیرات اجتماعی و محیطی و علایق جمعی در شکل گیری آن نقش ایفا می کند». (1) بنابراین علاوه بر رفتارهای مستقیم در ارتباط با جامعه و معاشرت با افراد، آن دسته از رفتارهای فردی که به گونه ای ظهور و بروز اجتماعی داشته و در آن مؤثر است نیز

به سبک زندگی منتظرانه وارد می شود، زیرا زمینه سازی برای حکومت مهدوی چنین ملازمه ای را به دنبال دارد.

1- سبک زندگی اسلامی ایرانی، ص 34.

پنجم. عبارت «اعتقاد به امام حی، حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف...» خاستگاه این شیوه زیستن را گوشزد می کند و صد البته اعتقاد به امام زمان در کنار باور به توحید و نبوت و معاد مطرح می شود. علاوه بر آنکه منجی عالم بشریت برای ما مشخص و به نام «حجت بن الحسن» و القاب دیگر است.

ششم. آوردن وصف «حی» ناظر به زنده دانستن امام و آوردن اسم او ناظر به اعتقاد به مشخص بودن مهدی موعود است.

هفتم. قید «عصر غیبت» توجه به عنصر زمان در انتخاب این سبک و نیز محدوده زمانی اجرای آن را نشان می دهد.

هشتم. قید «زمینه سازی حکومت مهدوی» جهت و مقصود از جریان افتادن این سبک را نشان می دهد و علاوه بر آن معیار و محکی است برای ارزیابی سبک زندگی موجود در خانواده و جامعه شیعی.

نهم. قید «بر اساس تعالیم اسلامی با قرائت اهل بیت» اولاً بیان گر آن است که انتظار جهادی و زمینه سازی برای حکومت مهدوی فقط با تکیه بر منابع و دستورات اسلامی خواهد بود و ثانیاً در مسیر بهره برداری از قوانین اسلامی فقط به تفسیر اهل بیت پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام و علمای ربانی در عصر غیبت اعتماد خواهد شد و بدین وسیله از سایر مکاتب و مذاهب اسلامی جدا می شود.

مطلب مهمی که بار دیگر بر آن تأکید می کنیم آن است که اولاً؛ این سبک زندگی که در واقع شیوه جهادی زیستن است به موجب ادله ای که درباره ضرورت سبک زندگی منتظرانه در قبل بیان شد، تنها سبک صحیح و مورد رضایت خدا و ائمه و به ویژه حضرت مهدی برای زندگی موفق است و به قول برخی پژوهشگران: «جهادی زیستن یک شیوه در کنار ده ها شیوه رایج نیست؛ اصلاً تنها شیوه مورد پذیرش دین، جهادی زیستن است». (1)

وثانیاً؛ علت انتخاب قید«منتظرانه» و نه «مهدوی» برای این سبک از زندگی به خاطر دو پهلو بودن و ابهامی است که در اصطلاح سبک زندگی مهدوی وجود دارد؛ زیرا از این اصطلاح هم می توان سبک زندگی امام مهدی را اراده نمود و هم سبک زندگی دوستان و

1- سبک زندگی به روایت انقلاب اسلامی، ص 73.

پیروان ایشان را. همچنین در فرض دوم معلوم نیست که این شیوه زیستن تنها مربوط به دوران غیبت امام زمان است و یا اینکه شامل عصر ظهور نیز می شود؛ در حالی که این ابهام ها با جایگزینی«منتظرانه» بر طرف می شود و این نوع رویکرد در زندگی دقیقاً به شیوه زیست پیروان حضرت مهدی در عصر غیبت ایشان مربوط می شود.

ثالثاً؛ اضافه نمودن قید«زمینه ساز» به این نوع از سبک زندگی به خاطر پشتوانه اندک روایی و احادیثی که با صراحت از خود آن لفظ- و نه معنای آن- نام برده باشند مرجوح است؛ حال آنکه کلیدواژه انتظار به وفور در سخنان معصومین یافت می شود.

گفتار سوم. نسبت سبک زندگی منتظرانه با سبک زندگی اسلامی و نظایر آن

پس از تعریف سبک زندگی منتظرانه- و یا مهدوی- ممکن است سؤالی در ذهن خطور کند که چه فرقی بین این سبک با سبک زندگی اسلامی، علوی، فاطمی، حسینی و نظایر آن وجود دارد و نیز نسبت سبک زندگی منتظرانه با آنها چیست؟

نویسنده ای در مقام بحث از سبک زندگی مهدوی می نویسد: «قید «مهدوی»- صرف نظر از ماهیت انتساب آن به شخص موعود اسلام و یا پیروان و علاقه مندان او که تفاوت این دو کمتر مورد توجه قرار می گیرد - متضمن چه معنای مشخصی است و چه تفاوت های معناداری با انواع دیگر سبک زندگی در فضای اسلامی و شیعی - و به طور خاص با نمونه هایی چون سبک زندگی علوی یا فاطمی - دارد؟ در واقع، اگر از مرز بازی با کلمات عبور کنیم و به کاربردهای غیرعالمانه و در برخی موارد همان گویانه (توتولوژیک) این عناوین در برخی منشورات و اعلانات بی توجه باشیم، این پرسش اساسی مطرح می شود که آیا پیروی، دل دادگی و یا انتظار ظهور موعود اسلام، پدیدآورنده سبکی خاص از زندگی است که با سایر شیوه ها و مسلک ها متفاوت بوده و چنین سبکی نسبت به سایر اولیای دین و یا دیگر اعصار تاریخی، هویتی متباین دارد یا خیر؟» (1)

برخی پژوهشگران در مقام پاسخگویی به این پرسش بر آمده و گفته اند«سبک زندگی زمینه ساز همان سبک زندگی دینی مبتنی بر آموزه های ادیان الهی است با این تفاوت که:

1- مقاله بایسته های گفتگو از سبک زندگی موعود باورانه؛ یاسر آیین، نشریه امان، ش 45.

1. هویت تعریف شده در آن مبتنی بر تفکر ناب مهدوی است؛

2. در عرصه های گوناگون منتظران را به سمت حضور فعال سوق می دهد؛

3. تداعی کننده یاد و نام موعود ادیان است؛

4. همه حوزه های زندگی فردی و اجتماعی را بر مبنای آموزه مهدوی سامان می دهد؛

5. قابل ترویج و به کارگیری در تمام جوامع است؛

6. افق دید آن در طراحی و اجرا مبتنی بر افق جهانی و نه جهانی سازی است.

به بیان دیگر ارتباط بین سبک زندگی عام و سبک زندگی زمینه ساز، در شکل و محتوای مباحث (مانند روش سخن گفتن) و تفاوت آن ها، در رویکرد اجرایی و صحنه عمل است». (1)

گرچه نکات خوبی در جواب مذکور وجود دارد، اما برای تکمیل بحث باید گفت: از توضیحاتی که تاکنون در این نوشتار داده شد روشن است که اسلام، قرآن و مکتب شیعه دوازده امامی پشتوانه عظیم سبک زندگی منتظرانه محسوب می شود، کما اینکه در کلام امام سجاد علیه السلام نیز منتظران به مؤمنان حقیقی و شیعیان صادق وصف شده اند؛ ایشان فرمودند:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَهِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَهُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَهِ الْمُشَاهَدَهِ وَ جَعَلَهُمْ فِی ذَلِکَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَهِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ أُولَئِکَ الْمُخْلَصُونَ حَقّاً وَ شِيعَتُنَا صِدْقاً؛ (2) مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدین پیش روی رسول خدا صلی

الله علیه و آله و سلم که با شمشیر به جهاد برخاسته اند قرار داده است، آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما هستند.

در حقیقت چنین سبک زندگی، تمام رفتارهای همسو و هم جهت با رضایت امام حی و

1- مقاله مؤلفه های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه ساز، غلامرضا گودرزی، فصلنامه علمی- پژوهشی مشرق موعود، ش 31.
2- کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص320.

پذیرش ولایت مهدوی، تعیین و تفسیر می شود و البته مقصود از امام، مقام امامتی است که قبل ازامامان دوازده گانه به حضرت ابراهیم و رسول اکرم هم افاضه شده است، (1)اما در انتخاب این قید آنچه بیان آن مهم است این که برای ما که ادعای بین المللی بودن کارکرد این سبک زندگی را داریم، در صورت انتخاب قید دینی و اسلامی برای این سبک زندگی، امکان به اشتباه افتادن مخاطب از مقصود ما وجود دارد، زیرا همه ادیان دینی مثل یهودیت و مسیحیت نیز ادعای سبک زندگی دینی دارند؛ همچنین همه مذاهب اسلامی غیر شیعی نظیر حنفی و شافعی نیز مطالب خود را با عنوان سبک زندگی اسلامی طرح می کنند؛ بنابراین باید از قیدی استفاده کرد که جامع و مانع باشد.

آنچه باعث طرح سؤال درباره تفاوت سبک زندگی مهدوی و منتظرانه با سبک زندگی اسلامی شده است نگاه حداقلی و انحصاری مهدویت به مطالعات مرتبط با امام دوازدهم است که متأسفانه در نظر برخی وجود دارد در حالی که مهدویت در یک معنای حداکثری، به قول یکی از نویسندگان «به معنای تمامی مبانی و اصول مورد پذیرش شیعه است». (2) ایشان در همسویی با نظر این نوشتار و در تحلیلی جالب می نویسد:

در متون کلامی بحث نیاز انسان به دین و رهبر الهی در بحث نبوت و امامت مطرح می شود، ولی کاربرد و ثمره این بحث برای مخاطب امروزی در اثبات ضرورت مهدویت است. بنابراین برای ارائه روزآمد معارف مهدوی نباید آن را در حاشیه مباحث اصول دین و با تصور بدیهی بودن پیش فرض های آن مطرح کرد، بلکه بایست آن را در متن مباحث بنیادین دین پژوهی و در مقام آیینه تمام نمای بسیاری از آن مباحث ارائه نمود. از این منظر است که مهدویت جایگاهی مهم در معارف و مباحث دینی پیدا می کند و کاربرد عناوینی چون سبک زندگی مهدوی و یا انسان شناسی و مهدویت ضرورت می یابد. از این رو بین دو عنوان «سبک زندگی اسلامی» و «سبک زندگی شیعی/مهدوی » عنوان دوم گویاتر و رساتر است؛ چرا که در مکتب تشیع بر خلاف تمامی دیگر ادیان و مذاهب، نقطه پایان در تولّی و حد یقف در حالت انتظار وجود ندارد. به عنوان نمونه در گرایش اهل سنت

1- «اِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً»؛ (بقره/124).

2- انسان شناسی و مهدویت، ص 36.

با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرونده اسلام، نهایی شده و بسته شده است و اسلام برای همیشه تاریخ، در خُرد و کلان آموزه های خود ثابت و بدون هیچ حالت منتظرانه است. بر اساس نگاه آنها هر مسلمان پس از دریافت بسته زندگی اسلامی دیگر نیازی به معصوم و راهبر الهی ندارد، ولی در نگاه شیعه اولاً؛ دین کامل نزد پیامبر و امامان است که تا کنون اجرای عملی آن هم به صورت کامل و نهایی محقق نشده، و ثانیا؛ بر فرض تحقق نهایی و کامل دین، این امر به معنی استغنای مؤمن از امام نیست. بلکه هر فرد مؤمن می بایست پیوسته دارای حالت انتظار و نگاه منتظرانه و نوعی تعلیق و وابستگی به امام خود باشد و در لحظه لحظه زندگی خود از ایستایی، رکود، استقلال و احساس استغنا پرهیز نماید تا بتواند به قرار گرفتن در مسیر کمال یابی پیوسته خود برسد. اساساً شیعه بدون مهدویت حتی اگر یازده امامی باشد از جهت نتایج تفاوتی با رکود گرایی و سلفی زدگی اهل سنت و دیگر ادیان و مذاهب نخواهد داشت. (1)

شاید بگویید طبق این تحلیل می توان از قید شیعی و ولایی استفاده نمود؛ اما پاسخ آن است که با وجود آنکه ما به شیعی بودن جنس سبک زندگی منتظرانه معتقدیم، اما برای کاربردی کردن آموزه های شیعی و ولایی به خاطر کوتاهی شیعیان در انجام وظایف خود نسبت به امام زمان و حاکمیت او در جامعه که غیبت هزارساله وی شاهد آن است، اصرار بر برجسته کردن واژه «انتظار» به تبعیت از روایات داریم تا یاد امام زمان را پررنگ کرده و نه تنها حس مسئولیت پذیری شیعیان را بیشتر تحریک نماید بلکه جهت و روح حاکم بر فعالیتهای فردی و اجتماعی ایشان را که همانا ادای حقوق وی و به طور خاص زمینه سازی برای برگرداندن حق حاکمیت و ولایت حضرت مهدی در جامعه جهانی است مشخص کنیم؛ همین نکته باعث شده تا برخی اندیشمندان در تحلیلی چنین اظهار کنند که:

تفاوت زندگی سبک زندگی مهدوی با سبک زندگی دینی این است که هر دو دین دار هستند و از امام خود اطاعت می کنند ولی در سبک زندگی مهدوی فرد در کنار ایمان، خود

1- همان، ص 37-36.

را زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند. (1)

با این توضیح حتی شبهه مذکور که فرق آن با سبک زندگی علوی و حسینی و نظیرش چیست نیز بر طرف می شود؛ زیرا ما اولاً؛ به جای قید مهدوی از قید منتظرانه استفاده کردیم که نکته آن در قبل- و در تعریف پیشنهادی ما- گوشزد شد و ثانیاً؛ با پررنگ کردن جایگاه امام زمان و حقوق او مشخص شد که سبک زندگی شیعه در هر دوره ای- تا قبل از ظهور- منتظرانه است؛ خواه امام زمان وی در عصری حضرت علی علیه السلام باشد و خواه امام حسین علیه السلام. بنابراین اگر منظور از سبک زندگی علوی و حسینی آن است که ما از الگوهای منتظران آن دوران برای زمانه خود که امام زمان ما حجت الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف است درس بگیریم و رابطه قلبی و عملی خود را با ایشان با در نظر گرفتن این عصر، مدیریت و تنظیم کنیم حرفی نیست؛ اما باید بدانیم که توقف در امامان قبل و بی توجهی قلبی و عملی به وظایف خود در قبال حضرت مهدی که امام زمان و عصر ما هستند شایسته نبوده و قید منتظرانه این غفلت احتمالی را نیز برطرف می کند. توجه به این نکته حتی می تواند کیفیت مراسم بزرگداشت معصومین و به ویژه عزاداری حضرت سید الشهدا علیه السلام را دگرگون کند.

نکته دیگری نیز به عنوان تکمیل بحث می توان اضافه نمود و آن این مطلب است که ما در شرایط خاص غیبت امام عصر قرار گرفته ایم که ارتباط اختیاری شیعیان با حضرت حجت و بهره گیری مستقیم از محضرش قطع شده است. در سخنان معصومین شرایط زمانی هر دوره و آگاهی به آن برای کیفیت فعالیتها بسیار مورد توجه بوده است به گونه ای که فرموده اند:

الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِس؛ (2) امور مشتبه بر کسی که به زمانه آگاه است حمله نمی برد.

حال سؤال این است در این موقعیت ویژه غیبت امام، شیوه زندگی اسلامی و شیعی با

1- سبک زندگی مهدوی باید الگوی جامعه شود؛ گفتگو با حجت الاسلام دکتر محمدصابر جعفری، سایت خبرگزاری شبستان. 08/04/1392.
2- کافی، ج 1، ص 27.

چه سبک خاصی باید جریان پیدا کند؟ ما معتقدیم همان گونه که روایات آن نیز در قبل ذکر شد سبک زندگی منتظرانه همان پاسخ مناسب به این پرسش است.

خلاصه سخن آنکه سبک زندگی منتظرانه، مصداق عینی سبک زندگی دینی، اسلامی، شیعی و مؤمنانه در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که البته مرجع مباحث علمی و اسلامی آن به تصریح امام عصر، علمای بزرگوار شیعه و مراجع معظم تقلید است.

گفتار چهارم. ویژگیهای سبک زندگی منتظرانه

ممکن است در مطالعاتی که درباره سبک زندگی مهدوی و منتظرانه صورت می گیرد به خاطر عدم آگاهی از محدوده ها و خصوصیتهای این اصطلاح، اشتبا هاتی در بعد نظری صورت گیرد؛ کما اینکه در مواردی این امر مشاهده شده است. در این صورت با یک جمع بندی در مورد ماهیت سبک زندگی منتظرانه و برای تمییز این اصطلاح از واژگان شبیه و مرتبط با آن، ویژگی های ذیل درباره سبک زندگی منتظرانه، می تواند از افتادن در ورطه اشتباه مفهومی به ما کمک کند:

1. مهم ترین ویژگی سبک زندگی منتظرانه، شکل گیری رفتارهایی حول محور گرایش به حضرت مهدی علیه السلام،پذیرش ولایت وی و انتظار ظهور اوست؛

2. سبک زندگی منتظرانه کلیتی انتزاع شده از مجموعه رفتارهای خاص معطوف به انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است نه تک تک رفتارها؛

3. سبک زندگی منتظرانه ناظر به جلوه های ظاهری و رفتاری است و باورهای مهدوی تنها به عنوان مبانی این سبک از زندگی مطرح می شود نه خود سبک؛

4. سبک زندگی منتظرانه هویت و نماد شیعه راستین بر مبنای اسلام اصیل و اصل امامت است؛

5. سبک زندگی منتظرانه تمام ابعاد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی را به خاطر قیام سراسری امام قائم، در مقیاسی جهانی در بر می گیرد؛

6. سبک زندگی منتظرانه به همه حوزه های رفتاری اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ورود پیدا می کند؛

7. رویکرد جهادی که تلاش همه جانبه برای زمینه سازی(ایجاد مقتضیات و دفع موانع فردی و اجتماعی) ظهور است روح حاکم بر سبک زندگی منتظرانه می باشد.

علاوه بر آن نویسنده نکته سنجی، (1) موارد دیگری در این زمینه شمرده اند که عبارتند از:

8. سبک زندگی زمینه ساز باید بتواند باعث مرزبندی و شفافیت بین ایمان، کفر و نفاق باشد؛ از این رو هویت و نشانه های زندگی که بین مؤمن و منافق و کافر یکسان باشد زمینه ساز نخواهد بود.

9. سبک زندگی زمینه ساز باید در شرایط سخت، قدرت تمییز بین حق و باطل را داشته باشد.

10. شیوه زندگی منتظران واقعی و سبک زندگی آنها باید متضمن یاد موعود الهی به صورت هوشمندانه و عالمانه باشد.

11. سبک زندگی آن گاه زمینه ساز است که شرایط لازم و کافی برای تشکیل حکومت و تمدن سازی نوین اسلامی را داشته باشد. فضای مجازی، نوع پوشش، نوع عبادات فردی و جمعی برخی از نمونه های تمدن ساز هستند.

12. در سبک زندگی زمینه ساز هرگونه تعدی سلطه جویانه و مغرورانه انسان به طبیعت جایز نیست.

13. سبک زندگی زمینه ساز باید طوری طراحی شود که ضمن پرهیز از بدعت و سطحی نگری، پاسخگوی نیازهای مشروع بشری در راستای مسیر الهی باشد.

1- مقاله مؤلفه های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه ساز، غلامرضا گودرزی، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، ش 31.

بخش دوم: منزلت سبک زندگی منتظرانه

اشاره

انگیزه، موتور حرکت انسان به سوی موضوعات گوناگون است و برای تحریک انسان به سوی مقصدی باید با شناخت دادن وی به جایگاه آن، انگیزه او را بر انگیخت. اما باید بدانیم که زمینه های انگیزشی انسان ها به خاطر تفاوت شاکله ای و معرفتی آنها متفاوت است. حدیث معروفی درباره تقسیم بندی مردم در عبادت با توجه به نیت و قصدشان از معصومین صادر شده است که در فصل بندی این بخش از کتاب بی تأثیر نبوده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْعُبَّادَ ثَلَاثَهٌ؛ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَوْفاً فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْعَبِیدِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْأُجَرَاءِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حُبّاً لَهُ فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْأَحْرَارِ وَ هِیَ أَفْضَلُ الْعِبَادَهِ؛ (1) عبادت کنندگان سه دسته اند: 1. گروهی که خدای عز و جل را از ترس عبادت می کنند و این عبادت بردگان است؛2. مردمی که خدای تبارک و تعالی را به طمع ثواب عبادت کنند و این عبادت مزدبگیران است؛ 3. دسته ای که خدای عز و جل را برای دوستیش عبادت کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.

حال با این مقدمه می گوییم وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انتظار فرج را عبادت شمرده و فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَهِ انْتِظَارُ الْفَرَج»؛ (2) انگیزه سازی برای مقید شدن به سبک زندگی منتظرانه را با طرح منزلت این شیوه از زندگی در قالب انگیزه های سه گانه می توان نام برد:

1- کافی، ج 2، ص 84.
2- کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 287.

فصل اول این بخش با عنوان فضیلت سبک زندگی منتظرانه با استفاده از تحریک انگیزه عنصر محبت است.

فصل دوم آن با عنوان ضرورت سبک زندگی منتظرانه با بهره گیری از تحریک انگیزه خوف و ترس.

فصل سوم نیز با عنوان کارکردها و آثار سبک زندگی منتظرانه و با تحریک عنصر طمع و حس تاجر مآبانه است.

فصل اول. فضیلت سبک زندگی منتظرانه

اشاره

اگر بخواهیم در منزلت شیوه زندگی با محوریت انتظار حضرت موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن بگوییم کافی است مروری به انبوه آیات قرآن کریم و احادیث پیشوایان معصوم در حوزه «انتظار» نماییم تا برتری زندگی منتظرانه را نسبت به سایر روشهای زندگی در نزد معصومین بیابیم.

گفتار اول. محبوبیت انتظار در نزد خدا

در روایات ما در مورد انتظار فرج، فضیلتهای عجیبی شمرده شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِی انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلّ» (1)و « أَفْضَلُ الْعِبَادَهِ انْتِظَارُ الْفَرَج». (2) همچنین در سخنان حکمت آموز امیرالمؤمنین علی علیه السلام می خوانیم که:

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لا تَیْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَج؛ (3)منتظر فرج باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید که محبوب ترین کارها نزد خدا انتظار فرج است.

پر واضح است که زندگی کردن به شیوه ای که نماد آن انتظار فرج و اولویت دادن در انتخابها و فعالیتها، چشم به راه گشایش بودن از جانب خدا باشد، از دوست داشتنی ترین اعمال در نزد پروردگار متعال خواهد بود و معلوم است که محبوبیت در پیشگاه خدا بر خلاف انسانها که ممکن است منفک و جدا از اقدام عملی باشد، همراه با رحمت و عنایت

1- همان، ج 2، ص644.
2- همان، ج 1، ص 287.
3- تحف العقول، ص 106.

ویژه حضرت حق خواهد بود و این رحمت، در موفقیت ما و ایمنی از موانع خوشبختی سهم بسزایی خواهد داشت.

جالب اینجاست که انتظار فرج در این سخنان نورانی، شامل هر گونه انتظاری در زندگی ماست؛ چه رسد به انتظار فرج بزرگ بشریت و حکومت صالحان مستضعف در سراسر جهان توسط امام زمان که آیات زیادی نیز بر آن گواه است. این مطلب را نیز در سخن امام رضا علیه السلام می توان دریافت، آنجا که درپاسخ سؤال فردی درباره انتظار فرج، ایشان به آیه بیستم سوره یونس تمسک می نماید. و امام صادق علیه السلام نیز پس از تفسیر غیب به «الحجه القائم» (1) در اول سوره بقره، باز به همین آیه از سوره یونس پرداخته که: «إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ». ملاحظه می کنید که دو امام بزرگوار ما هم مطلق مقوله انتظار فرج و هم انتظار قائم آل محمد را از یک آیه قرآن استخراج می نمایند.

گفتار دوم. زندگی انبیا و اولیای الهی به رنگ انتظار

شوق به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقیقت شوق به حاکمیت حقیقت و عدالت در زندگی بشر است و این امر جز با استقرار دین خدا در جهان محقق نخواهد شد. جالب اینجاست که به گزارش قرآن کریم بعثت انبیا نیز جز با همین هدف نبوده است که:

((هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُون))؛ اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید». (2)

اگر به آنچه در تبیین حقیقت انتظار گفته شد- که آن را جهاد و تلاش برای ظهور و حاکمیت حق معنا کردیم- دقت کنیم در می یابیم که زندگی پیامبران و به تبع ایشان اولیای الهی نیز زندگی منتظرانه بوده و روح انتظار بر تمام حیات مبارکشان سایه افکنده است. سیری در احوالات ائمه بزرگوار ما نیز به خوبی گویای همین مطلب است به گونه ای که کتاب انسان 250 ساله که بر مبنای اندیشه مقام معظم رهبری تدوین یافته همین

1- البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 124.
2- صف/ 9.

زندگی جهادی را به تصویر می کشد. علاوه بر آن به صورت خاص نیز در سیره ائمه بزرگوار شواهد فراوانی وجود دارد که زندگی به انتظار دولت مهدوی را می توان نظاره نمود.

به عنوان نمونه خلاد بن صفار از امام صادق علیه السلام می پرسد که آیا قائم آل محمد متولد شده است؟ ایشان در جواب می فرماید: «لَا وَ لَوْ أَدْرَکْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَیَّامَ حَیَاتِی؛ (1)نه، و اگر او را درک کنم تمام عمرم، خدمتش خواهم نمود» و همین امر در بیان فضیلت این نوع از سبک زندگی برای ما کافی است. ایشان همان امام دلداده موعودی است که شخصی به نام سدیر صیرفی می گوید با مفضل بن عمرو، ابو بصیر و ابان بن تغلب به محضر مولای خود امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم و دیدیم که ایشان روی خاک نشسته و همچون کسی که فرزندش مرده است، جگر سوخته گریه می کند، آثار حزن و گریه به گونه هایش رسیده و رخساره اش دگرگون و چشمانش پر از اشک است و می فرماید:

«سَیِّدِی غَیْبَتُکَ نَفَتْ رُقَادِی وَ ضَیَّقَتْ عَلَیَّ مِهَادِی وَ ابْتَزَّتْ مِنِّی رَاحَهَ فُؤَادِی سَیِّدِی غَیْبَتُکَ أَوْصَلَتْ مُصَابِی بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَ فَقْدُ الْوَاحِدِ بَعْدَ الْوَاحِدِ یُفْنِی الْجَمْعَ وَ الْعَدَدَ فَمَا أُحِسُّ بِدَمْعَهٍ تَرْقَی مِنْ عَیْنِی وَ أَنِینٍ یَفْتُرُ مِنْ صَدْرِی عَنْ دَوَارِجِ الرَّزَایَا وَ سَوَالِفِ الْبَلَایَا إِلَّا مُثِّلَ بِعَیْنِی عَنْ غَوَابِرِ أَعْظَمِهَا وَ أَفْضَعِهَا وَ بَوَاقِی أَشَدِّهَا وَ أَنْکَرِهَا وَ نَوَائِبَ مَخْلُوطَهٍ بِغَضَبِکَ وَ نَوَازِلَ مَعْجُونَهٍ بِسَخَطِک؛ ای آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و بسترم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب نموده است. ای آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده، و فقدان یکی پس از دیگری جمع و شمار را نابود کرده است، من دیگر احساس نمی کنم اشکی را که از دیدگانم بر گریبانم روان است و ناله ای را که از مصائب و بلایای گذشته از سینه ام سر می کشد، جز آنچه را که در برابر دیدگانم مجسّم است و از همه گرفتاریها بزرگتر و جانگدازتر و سخت تر و ناآشناتر است، ناملایماتی که با غضب تو در آمیخته و مصائبی که با خشم تو عجین شده است.

سدیر گوید: چون امام صادق علیه السلام را در چنین حالی دیدیم از شدّت وله عقل از سرمان پرید و به واسطه آن رخداد هائل و پدیده وحشتناک و از شدّت جزع قلوبمان چاک چاک

1- غیبت نعمانی، ص 245.

گردید و پنداشتیم که آن نشانه مکروهی کوبنده و یا مصیبتی از مصائب روزگار است که بر وی نازل شده است. و گفتیم: ای فرزند بهترین خلایق! چشمانت گریان مباد! از چه حادثه ای اشکتان روان و سرشک از دیدگانتان ریزان است؟ و کدام حالتی است که این ماتم را بر شما واجب کرده است؟ گوید: امام صادق علیه السلام نفس عمیقی کشید که بر اثر آن درونش برآمد و هراسش افزون شد و فرمود: وای بر شما! صبح امروز در کتاب جفر می نگریستم و آن کتابی است که مشتمل بر علم منایا و بلایا و مصائب عظیمه و علم ما کان و ما یکون تا روز قیامت است، همان کتابی که خدای تعالی آن را به محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمّه پس از او علیهم السلام اختصاص داده است و در فصولی از آن می نگریستم، میلاد قائم ما و غیبتش و تأخیر کردن و طول عمرش و بلوای مؤمنان در آن زمان و پیدایش شکوک در قلوب آنها به واسطه طول غیبت و مرتد شدن آنها از دینشان و برکندن رشته اسلام از گردنهایشان که خدای تعالی فرموده است: وَ کُلَّ إِنسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فِی عُنُقِهِ که مقصود از آن ولایت است و پس از آنکه در آن فصول نگریستم رقّتی مرا فرا گرفت و اندوه بر من مستولی شد». (1)

گفتار سوم. جایگاه انتظار در زندگی امام مهدی

بزرگترین فضیلت سبک زندگی منتظرانه آن است که خود مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین رویکردی را در زندگی برگزیده و بیش از هزار سال با چنین سبکی زندگی می کند، زیرا ما در ادعیه و زیارات حضرت بقیت الله- که مرجعی برای آگاهی به خواسته های اوست- ایشان را نیز از طرفی مجاهد(الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ) (2) و از سویی منتظر ظهور خودشان، معرفی می کنیم. به عنوان نمونه در ضمن دعایی که توسط نایب چهارم امام عصر به ما رسیده و سفارش شده که در عصر غیبت بخوانیم و با عبارت: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَک...» آغاز می شود، چنین می گوییم: «...فَبِإِذْنِکَ غَابَ عَنْ بَرِیَّتِکَ وَ أَمْرَکَ یَنْتَظِر؛ (3)...و با اذن تو از مردمان غایب گردید و در انتظار امر تو برای ظهور به سر می برد». همچنین در بخشی از

1- کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه پهلوان، ج 2، ص 33-31.
2- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج 1، ص 409.

3- كمال الدين و تمام النعمه، ج2 ص512.

دعای منسوب به امام زمان در حال قنوت آمده است: «إِنَّا لِغَضَبِکِ غَاضِبُونَ وَ إِنَّا عَلَی نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ وَ إِلَی وُرُودِ أَمْرِکَ مُشْتَاقُونَ وَ لِإِنْجَازِ وَعْدِکَ مُرْتَقِبُونَ وَ لِحُلُولِ وَعِیدِکَ بِأَعْدَائِکَ مُتَوَقِّعُونَ اللَّهُمَّ فَأْذَنْ بِذَلِکَ وَ افْتَحْ طُرُقَاتِهِ وَ سَهِّلْ خُرُوجَهُ...؛ (1) به درستی که ما به خاطر خشم تو خشم می کنیم و بر یاری حق تعصّب می ورزیم و برای رسیدن فرمان تو مشتاقیم و منتظر برای برآوردن وعده تو و در انتظار فرا رسیدن عذابت بر دشمنانت هستیم. خداوندا پس به این وعده اذن بده و راههای آن را بگشای و مسیر خروج و قیامش را آسان نما...»؛ بنابراین اگر بخواهیم از جنبه الگویی نیز به این امر بنگریم و به انسان کاملی که جانشین خدا و هادی انسانها در زمین است تأسی بجوییم، زندگی مطلوب و سعادت بخش در عصر غیبت، زندگی بر محور انتظار یا همان سبک زندگی منتظرانه خواهد بود. بدیهی است که مزین شدن به این شیوه زیستن، امام عصر را که «عین الله الناظره» و چشمان ناظر پروردگار عالم در میان مردمان است راضی و خشنود خواهد کرد و دعای خیر او را نصیب کسانی که زندگی منتظرانه را به عنوان سبک زندگی خویش برگزیده اند خواهند فرمود؛ کما اینکه در نامه مشهور امام زمان به شیخ مفید آمده است:

ما مؤمنان شایسته کردار را با نیایش و دعایی که از فرمانروای آسمانها و زمین پوشیده نمی ماند حفاظت و نگه داری می کنیم؛بنابراین قلبهای دوستان ما به دعای ما به درگاه الهی آرامش و اطمینان یابد و به کفایت آن آسوده خاطر باشد. (2)

گفتار چهارم. زندگی منتظرانه و نیل به درجات عالی

یکی دیگر از فضیلتها ی زندگی بر محور انتظار موعود را می توان رهیابی شخص منتظر به مقامهای رفیع دنیوی و اخروی دانست و این مطلب با عناوین گوناگونی در احادیث پیشوایان ما مطرح شده است. در سخنی شگرف حضرت امام صادق علیه السلام فرموده است: در فردای واپسین کسانی که بر محور انتظار زندگی کرده و با صبر خویش در تقابل با اذیت و ترسی که احیاناً در این مسیر متوجه آنهاست مقاومت نمایند، در زمره اهل بیت محشور

1- مهج الدعوات و منهج العبادات، ص67.

2- الاحتجاج، ج 2،ص 596.

خواهند شد که: «مَنِ انْتَظَرَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَ الْخَوْفِ هُوَ غَداً فِی زُمْرَتِنَا». (1)

امام سجاد علیه السلام نیز در سخنی دیگر اجر منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را همسان با هزار شهید از شهدای بدر و احد شمرده و فرمودند: «مَنْ ثَبَتَ عَلَى مُوَالاتِنَا فِی غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُد». (2) علاوه بر آن این تمجید از اهل انتظار تنها به امور اخروی محدود نشده و ائمه معصومین شأن و منزلت منتظران را چنین تشریح کرده اند که:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَان؛ مردمان زمان غیبتش که قائل به امامتش و منتظر ظهورش باشند برترین مردم تمام روزگاران هستند. (3)

گفتار پنجم. زندگی منتظرانه، راه ورود به سپاه امام زمان

یکی از آرزوهای همه شیعیان اهل بیت و دوستداران حضرت ولی عصر آن است که توفیق سربازی و پا در رکابی قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیداکنیم و این خود آرمان مقدسی است که امامان ما در ادعیه گوناگون با جملاتی نظیر «وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ، الذَّابِّينَ عَنْهُ، وَ الْمُجَاهِدِينَ فِی سَبِيلِهِ، وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ» (4) به ما آموزش داده اند. حال می گوییم که یکی از آثار مبارک زندگی به سبک انتظار رسیدن به چنین آرزویی است، زیرا در روایات مهدوی یکی از برکات این سبک زندگی قرار گرفتن در زمره سپاهیان حضرت شمره شده به گونه ای که امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ...؛ (5) کسی که دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد باید منتظر باشد...» و فرمود:

الْقَائِلُ مِنْكُمْ أَنْ لَوْ أَدْرَكْتُ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ نَصَرْتُهُ كَانَ كَالْمُقَارِعِ بَيْنَ يَدَيْهِ بِسَيْفِهِ لَا بَلْ

1- کافی، ج 8، ص 37.
2- کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 323.
3- همان، ج 1، ص 320.

4- المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص 107.
5- غیبت نعمانی، ص200.

كَالشَّهِیدِ مَعَه؛ (1) اگر کسی از شما بگوید: اگر قائم آل محمد را درک کنم او را نصرت خواهم کرد او مانند کسی است که پیشاروی او شمشیر می زند، نه بلکه مانند کسی است که همراه او شهید شود.

و فرمود:

مَنْ مَاتَ مُنْتَظِراً لِهَذَا الْأَمْرِ کَانَ کَمَنْ کَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِی فُسْطَاطِهِ لَا بَلْ کَانَ کَالضَّارِبِ بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّیْف؛ (2) هر که منتظر این امر باشد و بمیرد مانند کسی است که با قائم علیه السلام در خیمه اش باشد، نه، بلکه مانند کسی است که پیشاروی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سلّم شمشیر زده باشد.

ملاحظه می کنید که در این سخن شریف زندگی در انتظار امر امامت و ولایت به مثابه سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده شده است و آنانکه به این شیوه زندگی کرده اند حتی اگر قبل از قیام حضرت مهدی از دنیا بروند می توانند به دنیا رجعت کرده و سعادت سربازی قائم آل محمد را در کارنامه خود ثبت نمایند. این مطلب حتی آن قدر مهم است که در زمان ظهور نیز حضرت مهدی قبل از قیام خویش بیعت نامه ای را به امضای یاران خود می رساند که بسیاری از مواد آن مصادیقی از سبک زندگی مهدوی است که در ادامه نوشتار و در قسمت آثار و کاردکردهای سبک زندگی منتظرانه و در بخش تقویت نظام اسلامی مواردی از آن ذکر شده است.

1- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 644.
2- همان، ص 338.

فصل دوم. ضرورت سبک زندگی منتظرانه

اشاره

پس از بیان فضیلت سبک زندگی منتظران، می توان از ضرورت زندگی به این سبک سخن گفت. به راستی چه نیازی به زیست منتظرانه است و فقدان آن موجب چه خسارت هایی خواهد شد؟ بدیهی است که پاسخ به این سؤال، زمینه مناسبی برای ورود به موضوع سبک زندگی منتظران و مسائل آن خواهد بود. پاسخ به این پرسش را از چند منظر می توان مورد دقت قرار داد:

گفتار اول. سرنوشت سازی سعادتمندانه

شاید بتوان مهمترین اثر در مسیر درک اهمیت سبک زندگی منتظرانه را حصول عاقبتی خوش و سرنوشتی نیک دانست)اصل این مطلب قبلا در بحث ضرورت توجه به سبک انتخابی در زندگی توضیح داده شد.(

در سخنی از امام صادق علیه السلام آمده است:

طُوبَی لِشِیعَهِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظِرِینَ لِظُهُورِهِ فِی غَیْبَتِهِ وَ الْمُطِیعِینَ لَهُ فِی ظُهُورِهِ أُولَئِکَ أَوْلِیَاءُ اللَّهِ الَّذِینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُون؛ سعادت و نیک بختی از آن شیعیان قائم ماست؛ آنان که در غیبتش، منتظر ظهورش و در ظهورش، فرمان برش هستند؛ ایشان همان اولیای الهی هستند که نه ترسی دارند و نه اندوهگین هستند. (1)

بی شک علت این امر را باید در جایگاه انتظار جستجو نمود، چرا که در ادبیات پیشوایان دین، انتظار امام غایب، در کنار عواملی نظیر توحید و ولایت معصومین، سببی برای قبول

1- کمال الدین و تمام النعمه، ج2، ص 357.

اعمال به شمار می آید؛ کما این که یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید امام به من فرمود: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى؛ فَقَالَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ الْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا، يَعْنِى الْأَئِمَّةَ خَاصَّةً وَ التَّسْلِيمَ لَهُمْ وَ الْوَرَعُ وَ الِاجْتِهَادُ وَ الطُّمَأْنِينَةُ وَ الِانْتِظَارُ لِلْقَائِمِ؛ (1) آیا به شما خبر ندهم به آنچه که خداوند عمل بندگانش را بدون آن قبول نمی کند؟عرض کردم: بلی؛ پس ایشان فرمود: شهادت به یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد و اقرار به اوامر الهی و ولایت ما و برائت از دشمنان ما ائمه و تسلیم ایشان بودن و تقوا و تلاش و طمأنینه و انتظار حضرت قائم.

به همین جهت نه تنها «انتظار موعود»، به عنوان شیوه ای مطلوب در عصر غیبت امام زمان معرفی شده، بلکه به عنوان تنها سبک زندگی توسط معصومین قلمداد و تخطی از آن ممنوع شده است. عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام روایت می کند که ایشان فرمود:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِى يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِى غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِى ظُهُورِهِ؛ (2) قائم ما همان مهدی است که انتظار در غیبتش و اطاعت در ظهورش واجب است.

اهمیت این مطلب را می توان از نگاهی دیگر و با درنگ در حدیث معروف «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه» (3)به دست آورد، زیرا در این سخن نورانی، عاقبت کسی که معرفت امام زمانش را نیافته و او را پیشوا و واجب الاطاعه در طول زندگی و تمام عرصه هایش نداند، خروج از دنیا با حالت غیر مسلمان معرفی کرده است و معلوم است که از طرفی کسی به مرگ جاهلی و غیر اسلامی می میرد که به صورتی غیر اسلامی زندگی کرده باشد و از طرف دیگر دین به عنوان برنامه زندگی موفق، تنها به وسیله امام معصوم به دست می آید. بنابراین خروج از محور رضایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حتی در رفتارهای ظاهری زندگی به نوعی خروج از زندگی اسلامی محسوب شده که نتیجه آن همان مردن به گونه جاهلی، یعنی عصر قبل از اسلام خواهد بود و این، یعنی هلاکت حقیقی انسان؛ لذا از همین رو در سلام به حضرت حجت اینگونه او را تنها راه نجات و سعادت خطاب می کنیم

1- غیبت نعمانی، ص 200.
2- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 377.
3- کافی، ج 1، ص377.

و می گوییم: «السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلک». (1)

گفتار دوم. تبدیل سازی انتظار ظاهری به انتظار واقعی

بسنده کردن ایمان و اعتقاد به مهدویت در قلب و عدم عینی سازی و تنظیم رفتارها بر اساس آن، مخالف آموزه های قرآنی و حدیثی است، زیرا در فرهنگ قرآن همواره رفتار در کنار باور قرار داده شده و غالباً هر جا که از ایمان نام برده شده عمل نیز در کنار آن آمده است که «إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات...». (2)به تبع آن معصومین نیز بارها بر همراهی این دو با هم تأکید کرده اند که: «الْإِیمَانُ عَمَلٌ کُلُّهُ وَ الْقَوْلُ بَعْضُ ذَلِکَ الْعَمَل؛ (3) ایمان تمامش عمل است و سخن از آن فقط بخشی از آن عمل است». کسانی که این امر را قبول ندارند در تاریخ شیعه به نام «مرجئه» شناخته شدند و تفکراتشان در زمان امام صادق شایع شده بود. محمد بن حفص می گوید: «شنیدم مردی از امام صادق علیه السلام از قول مرجئه راجع به کفر و ایمان پرسید و عرض کرد: مرجئه بر ما احتجاج می کنند و می گویند: چنان که کسی را که ما کافر می دانیم، نزد خدا هم کافر است؛ همچنین مؤمن هم زمانی که به ایمانش اقرار کرد او را نزد خدا مؤمن می دانیم. حضرت فرمود: سبحان اللّه! چگونه این دو برابرند؟! در صورتی که کفر فقط اقرار بنده است (به اینکه خدائی نیست) و پس از اقرارش از او گواه و دلیلی نخواهند، ولی ایمان ادعائی است که جز با دلیل ثابت نشود و دلیل مؤمن عمل و نیت او است که اگر متفق شدند (نیت و عمل) بنده نزد خدا مؤمن است». (4)

1- المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص 587.
2- بقره/ 277.
3- کافی، ج 2، ص 34.
4- مرجئه به معنی تأخیر اندازنده و دنبال آورنده است و این دسته را از آن جهت مرجئه نامیدند که بر خلاف اهل ایمان عمل را از نیت پس اندازند و در ردیفش نیاورند و بعضی مرجئه را از ماده رجا «امیدواری» گرفته اند، زیرا این طایفه گنهکاران را امیدواری میدهند؛... مرجئه جماعتی هستند که عقیده دارند با وجود ایمان هیچ گناهی زیان ندارد و مؤمن هر چند گناه داشته باشد اگر چه کبائر باشد، به بهشت میرود و با وجود کفر هیچ طاعتی سود ندهد، ولی پیداست که قسمت دوم عقیده آنها درست است و قسمت

اولش نادرست، و آنها هم برای تصحیح قسمت اول عقیده خود به قسمت دوم تمسک نموده و قیاس می کردند، امام صادق علیه السلام با کمال وضوح بیان فرمود که این قیاس مع الفارق است، زیرا ایمان ادعا و اثبات امری است که سه جزء دارد، و باید هر سه جزئش ثابت شود: 1- اقرار زبانی. 2- عقیده قلبی. 3- اعمال و کردار بدنی، این است ایمان واقعی و حقیقی، ولی در ایمان ظاهری تنها دو جزء اول و سوم کافی است و جز دوم لازم نیست، ولی کفر نبودن یکی از این سه چیز است که به محض انکار خدا ثابت می شود.(أصول کافی ؛ ترجمه مصطفوی، ج 3، ص 66).

بنابر این حدیث که عمل را- علاوه بر نیت و اقرار- شرط گذر از ایمان ظاهری و رسیدن به ایمان واقعی می داند در مورد انتظار هم همین معیار را می توان قرار داد و در نتیجه برای مؤمنان و شیعیان اهل بیت و امام زمان تنها ادعای انتظار ظهور و اکتفا به خواندن دعاهای مهدوی برای قرار گرفتن در زمره منتظران واقعی و بهره بردن از برکات آن کافی نیست؛ بلکه برای اثبات صداقت در این ادعا باید اعمال مناسب با انتظار موعود را انجام داد و همان گونه که بارها در احادیث مهدوی به ضرورت التزام عملی منتظران در عرصه های مختلف و انجام واجبات و ترک محرمات توصیه شده است باید همه ما سعی کنیم تا در حد توان فرهنگ انتظار را در زندگی فردی و اجتماعی خود جاری کنیم و به خطاب حکیمانه «فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ» (1) دل بسپاریم و به امر مولای خود که فرمود: «فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ» (2) لبیک گوییم.

گفتار سوم. امیدافزایی در زندگی

یأس و ناامیدی بزرگترین بلا در مسیر رستگاری و امید به آینده ای بهتر در رسیدن به اهداف و آرزوها، از بایسته های موفقیت در زندگی است. بشر همواره در صدد یافتن منبعی امیدزا بوده تا در پرتو انرژی آن بتواند موانع موجود در زندگی را تا رسیدن به هدفهایش بردارد. دانشمندان علم روانشناسی نیز درباره اهمیت آینده نگری در شخصیت افراد سخنان قابل درنگی گفته اند؛ از نظر آلپورت (3)،«داشتن هدفهای دراز مدت کانون وجود آدمی را تشکیل می دهد و بشر را از حیوان، سالمند را از کودک و در بسیاری از موارد شخصیت

1- غیبت نعمانی، ص 200.
2- همان.
3- Allport

سالم را از شخصیت بیمار متمایز می سازد». (1) وی بر این باور است که افرادی که از سلامت روان برخوردارند:

فعالانه در پی هدفها و امیدها و رؤیاهای خویشند و رهنمون زندگی شان، معناجویی و ایثار و حسن تعهد است. تعقیب هدف، هیچ گاه پایان نمی پذیرد. اگر هدفی را باید کنار گذاشت، باید بی درنگ انگیزه نوینی آفرید. افراد سالم به آینده می اندیشند و در آینده زندگی می کنند. (2)

فرانکل (3) نیز معتقد است:

شخصیتهای سالم، ویژگیهای دیگری هم دارند؛ به آینده می نگرند و به هدفها و وظایف آتی توجه می کنند. در واقع به چنین هدفهایی نیاز دارند. این ویژگی انسان است که تنها با نگرش به آینده می تواند زندگی کند... بدون اعتقاد به آینده، محمل معنوی زندگی از میان می رود و روح و جسم به سرعت محکوم به فنا می گردد. باید برای ادامه زندگی دلیلی داشت؛ در راه هدفی آتی کوشید، وگرنه زندگی معنای خود را از دست می دهد. (4)

اگر امید چنین نقش تأثیرگذاری در زندگی ما دارد باید به دنبال شیوه ای در زندگی بود که توأم با امید به آینده روشن و بهتری باشد و سبک زندگی منتظرانه واجد چنین خصوصیتی است؛ زیرا ویژگی این شیوه زندگی که با اعتقاد قلبی به قطعی بودن وعده الهی و اراده پروردگار مبنی بر تشکیل حکومت حق مهدوی در جهان که ((وَ نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثین))، (5) شکل گرفته آن است که نیروی امید در کالبد فرد و جامعه منتظر دمیده می شود و همین امر پشتوانه محکمی برای فعالیتها است.

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در سخنی روشنگر در این باره می فرماید:

اعتقاد به قضیه مهدی و موضوع ظهور و فَرَج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملتها

1- روانشناسی کمال، ص 16.
2- همان، ص 20.
3- Frankle
4- روانشناسی کمال، ص 165-166.
5- قصص/ 5.

می توانند از آن بهره های فراوانی ببرند. شما کشتی ای را در یک دریای توفانی فرض کنید! اگر کسانی که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند که اطرافشان تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندکی داشته باشند، چه کار می کنند؟ آیا هیچ تصوّر می شود که این ها برای آنکه حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه؛ چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکند؟ امید و افقی وجود ندارد. یکی از کارهایی که می توانند انجام دهند این است که در این مجموعه ی کوچک، هرکس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام مردن است، بخوابد تا بمیرد و آنکه اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا آنکه چند ساعتی بیشتر زنده بماند. طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی شان ساحلی وجود دارد. اینکه آن ساحل دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن برسند، معلوم نیست؛ اما قطعاً ساحلی که در دسترس آن هاست، وجود دارد. این افراد چه کار می کنند؟ تلاش می کنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آن ها وقت داده شود، از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت جهت دار، استفاده خواهند برد و فکرشان را روی هم خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند. امید، چنین نقشی دارد. (1)

گفتار چهارم. هویت سازی و مقاوم سازی در برابر فرهنگ مادی غرب

اهمیت التزام به سبک زندگی منتظرانه را از منظر هویت آدمی نیز می توان مورد بررسی قرار داد. فرهنگ معین، واژه هویت را چنین تعریف کرده است: «آنچه که موجب شناسایی شخص باشد. یعنی آنچه که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد». (2)موضوع هویت که در واقع پاسخی است به پرسش «من کیستم» و «ما چه کسی هستیم»، چه از لحاظ فردی و اجتماعی و چه از منظر مکتبی و نظایر آن از اهمیت فراوانی برخوردار است و در حوزه

1- بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر 17/ 10/ 1374.

2- فرهنگ معین،ج 4، ص 5228.

علوم مختلف مورد توجه واقع شده است و پژوهش مستقلی را می طلبد؛ اما مطالعاتی که بر مقوله تهاجم فرهنگی صورت گرفته نشان می دهد که غرب برای وارد کردن تفکر و فرهنگ خویش با بهره گیری از رسانه ها و محصولات علمی و فرهنگی آکادمیک خویش، از شیوه های مختلفی استفاده می کند که یکی از این روشهای حیله گرانه، هویت سازی و تغییر دادن باورهای درونی از طریق تغییر دادن جلوه های بیرونی بر اساس مبانی خویش است. مبنای چنین رویکردی نیز اصل تربیتی تأثیر متقابل ظاهر و باطن است و وقتی غربیها حمله مستقیم بر عقاید و باورهای ما از طریق باطن را ناکارآمد بدانند از راهی غیر مستقیم برای تغییر نگرشها استفاده می کنند و آن تغییر ظواهر با متد و معیارهای فرهنگ مادی غرب بوده و روشن است که این روش به خاطر غیر مستقیم بودنش از یک طرف و جهالت و سستی مسلمانان در پایبندی به ظواهر فرهنگ اسلامی از طرفی دیگر که همانا با شعارهایی نظیر «مهم پاکی درون و دل است نه ظاهر» توجیه می شود، از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است. متأسفانه« ما در دوره و جامعه ای زندگی می کنیم که دچار نوعی آشفتگی و التقاط فرهنگی هستیم. ماها از یکسو تحت تأثیر تمدّن غرب و از سوی دیگر، تحت تأثیر زندگی اجتماعی خودمان در قبل از انقلاب هستیم. از سوی سوّم نگاهی داریم به منابع دینی و متأثّر از منابع دینی هستیم. عوامل دیگری هم در فضای فرهنگی ما مؤثّر است. خلاصه می توان گفت که با یک ملقمه فرهنگی مواجهیم. در حقیقت می شود گفت ما فاقد یک زندگی هستیم که سبک خاصّی داشته باشد. بلکه ترکیبی است از عوامل مختلف که یک فضای ناهمگون را در زندگی ما ایجاد کرده است. در حالی که شرط اوّل در داشتن سبک زندگی، این است که اجزاء و عناصر تشکیل دهنده زندگی فردی و اجتماعی ما، با هم همساز باشند. همین که همساز نیست، نشان دهنده این است که ما سبک خاصّی برای زندگی نداریم.... در آیات زیادی از ما خواسته شده که دینتان را خالص کنید. دینتان را خالص کنید، تنها به این معنا نیست که گزاره های اعتقادی تان را از شرک پاک کنید. دین به معنای راه و روش زندگی هم هست. اخلاص در دین، یعنی بیرون ریختن عناصر غیر دینی، غیر الهی، غیر مرتبط با اعتقاد و اندیشه مان از فضای

زندگی مان. این، به معنای ایجاد یک سبک زندگی خاص است. پس لزوم تخلیص دین هم ما را به بحث سبک زندگی می کشاند»؛ (1) بنابراین برای ساخت و حفظ هویت اسلامی خود باید سبکی در زندگی که بر پایه باورهای اصیل اسلامی است برگزینیم وگرنه چشم انداز آینده زندگی به سبک و روش غربیها، معتقد شدن به نگرش غیرمنطقی غرب و کنار گذاشتن آیین ناب اسلام است.

با این توضیح و نیز توجه جدی آموزه های دینی به اهمیت و ضرورت مقوله انتظار- که در قبل بیان شد- واضح است که مزین شدن سبک زندگی منتظرانه کمک به تثبیت هویت ایمانی و باورهای شیعی و مهدوی که رمز فلاح انسان است و عدم تقید به آن خوف از دست دادن این باورهای اصیل را به همراه خواهد داشت زیرا «امام همه چیز را در سبک زندگی ما تحت تأثیر قرار می دهد و به زندگی ما معنا می دهد؛...امام، هویت آدم را درست می کند و کسی که با اهل بیت علیه السلام نیست، بی هویت است و این اهل بیت علیه السلام هستند که سبک زندگی ما را با جزئیاتش برای ما مشخص می کنند و به آن معنا می دهند». (2)

گفتار پنجم. زمینه سازی برای ظهور

بایسته دیگری که این نوع از سبک زندگی را مهم می نمایاند، آماده نمودن زمینه های مردمی ظهور است. توضیح آنکه همه شیفتگان دستیابی به کمال انسانی، در انتظار موعود نجات بخشی هستند که جامعه بشریت را از غل و زنجیر ظلم و جور و جهل خلاصی بخشیده و راه رشد را برایشان هموار سازد؛ اما در جای خود ثابت شده است که ظهور منجی عالم بشریت علاوه بر تأییدات الهی، نیازمند بسترهای اجتماعی زمینه های مردمی می باشد. (3)

حال می گوییم دلایل فراوانی وجود دارد که سبک و روش غلط زندگی انسانها از

1- کارکرد فقه در سبک زندگی اسلامی(1)؛ امیر غنوی؛ http: //www.einsad.ir

2- مقاله امام، همه چیز را در سبک زندگی ما تحت تأثیر قرار می دهد؛ علیرضا پناهیان؛ نشریه امان، ش 45.
3- برای مطالعه بیشتر رک: جایگاه اختیار و تلاش انسان در پدیده ظهور، حسن ملایی، فصلنامه علمی- ترویجی انتظار موعود، ش36.

مهمترین عواملی است که مانع ظهور امام شده است. از حضرات معصومین و نیز شخص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخنان زیادی به دست ما رسیده است که اثبات گر همین مطلب است. امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کند که ایشان روزی بر بالای منبر فرمود:

أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهٍ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَکِنَّ اللَّهَ سَیُعْمِی خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَی أَنْفُسِهِمْ؛ (1)زمین هرگز خالی از حجت نخواهد ماند و لکن به زودی چشمان مردم به خاطر ظلم و جور و اسراف بر خودشان از دیدن وی نابینا خواهد گشت.

از خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز نقل شده که فرمود:

فَمَا یُحْبَسُ عَنْهُمْ مُشَاهَدَتُنَا إِلَّا لِمَا یَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَکْرَهُهُ؛ (2)چیزی جز اعمال ناپسندشان که به ما می رسد، ما را از آنها حبس ننموده است.

در داستان علی بن ابراهیم بن مهزیار که پس از بیست بار سفر به حج موفق به دیدار با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده بود، امام عصر ضمن دیدار با وی فرمود: «ای اباالحسن! ما شب و روز در انتظار تو بودیم! چه چیزی باعث تأخیر تو در تشرف به سوی ما شد؟» او می گوید: عرض کردم: آقای من! تاکنون کسی را نیافته ام که مرا به نزد شما راهنمایی کند؛ امام به وی فرمود: « کسی را نیافتی که تو را (به نزد من) راهنمایی کند؟! نه (این چنین نیست)!... لَکِنَّکُمْ کَثَّرْتُمُ الْأَمْوَالَ، وَ تَجَبَّرْتُمْ عَلَی ضُعَفَاءِ الْمُؤْمِنِینَ، وَ قَطَعْتُمُ الرَّحِمَ الَّذِی بَیْنَکُمْ، فَأَیُّ عُذْرٍ لَکُمْ الْآنَ؟؛ لیکن شما اموالی فراوان انباشتید و ضعفای مؤمنین را به زحمت افکندید و پیوند رحمی که در میان خود داشتید، قطع کردید، دیگر (و در این صورت)، چه عذری برای شما خواهد ماند؟» (3)

ملاحظه می کنید که تمام انتقاد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیوه نادرست در زندگی و تعامل با دیگر شیعیان است. لذا از همین روست که دائماً این چنین این سخن حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف را به ما گوشزد کرده اند که:

فَلیَعْمَل کُلّ امْرِئٍ مِنْکُمْ مَا یَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ یَتَجَنَّب مَا یُدْنِیهِ مِنْ کَرَاهِیَتِنَا وَ

1- غیبت نعمانی، ص141.
2- الخرائج و الجرائح، ج2، ص903.
3- دلائل الإمامه، ص542.

سَخَطِنَا؛ (1)هر یک از شما باید عملی که مایه نزدیکی به محبت ماست انجام داده و از هر آنچه که باعث ناخوشنودی و خشم ما می شود دوری گزیند.

و نیز امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در سخنی دیگر تصریح می فرماید که:

وَ اجْعَلُوا قَصْدَکُمْ إِلَیْنَا بِالْمَوَدَّهِ عَلَی السُّنَّهِ الْوَاضِحَهِ؛ (2) مقصد خود را با دوستی ما بر اساس سبک و روشی روشن به طرف ما قرار دهید.

به بیان دیگر التزام به سبک زندگی منتظرانه، مزین شدن به «عملوا الصالحات» و مفتخر شدن به مدال «عبادی الصالحون» است و از همین روست که در آیات مهدوی به این رمز ظهور اشاره رفته و بیان شده که: ((وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکُونَ بی شَیْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُون))؛ (3) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.

و نیز فرمود:

((وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ))؛ (4) و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

این صلاحی که در حوزه عمل و رفتار، این قدر مورد تأکید آیات قرار گرفته است قطعاً بخش قابل توجهی از آن به سبک زندگی ما بر می گردد و نشان گر آن است که اگر ما روش زندگی صالحان را در زندگی خود برگزینیم، صداقت خویش در پذیرش ولایت

1- الاحتجاج، ج 2، ص 498.
2- غیبت طوسی، ص286.
3- نور/ 55.
4- انبیاء/ 105.

مهدوی را به حضرت رب العالمین ثابت نموده و اذن الهی بر ظهور ولی الله الاعظم را دریافت خواهیم نمود، چرا که این شیوه از زندگی، خود به خود یاران مورد نیاز قیام قائم را نیز فراهم می کند و به همین دلیل است که امام صادق علیه السلام فرمود: « مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَکُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْیَنْتَظِرْ...؛ (1) کسی که دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد باید منتظر باشد...».

نهایتاً اینکه اگر بخواهیم تحلیل عمیق تری نسبت به اصلاح مقوله سبک زندگی در جامعه منتظران، داشته باشیم باید آن را به تقویت روحیه ولایت پذیری و اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سطح اجتماع، برگردانیم و این همان امری است که برای ظهور امام ضروری بوده و نبودش باعث غیبت بیش از هزار ساله وی شده است.

گفتار ششم. الگوسازی با تمدن سازی

همان گونه که بارها گفته شد، قیام جهانی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحقق حکومت جهانی مهدوی، امری الهی و مردمی است و باید زمینه های مردمی ظهور برای چنین قیام وسیعی فراهم باشد. نکته قابل توجه در اینجا آن است که یکی از این زمینه های مهم- علاوه بر یاران کارآمد- رغبت، پذیرش و شوق عمومی و حتی جهانی به حکومت مهدوی است کما اینکه در دعا می خوانیم: «انا نرغب الیک فی دوله کریمه...»؛ (2) معلوم است که تحقق این رغبت عمومی تا حد زیادی با ارائه نمونه و الگوی عینی هر چند کوچک از مدینه فاضله و جذاب مهدوی میسر خواهد بود، بنابراین تلاش برای تحقق و نهادینه کردن سبک زندگی منتظرانه، کوششی برای امر زمینه سازی برای فرج و ظهور است.

این نکته راهبردی در اهداف انقلاب اسلامی که به تصریح امام خمینی رحمه الله انقلابی برای زمینه سازی انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده نیز مورد نظر قرار گرفته و حضرت روح الله علاوه بر اینکه فرمود: «انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت- ارواحنا فداه- است» (3)به صراحت چنین تأکید نمود که:

1- غیبت نعمانی، ص200.
2- کافی، ج 3، ص 424.
3- صحیفه امام، ج 21، ص327.

ان شاء اللَّه، اسلام را به آن طور که هست، در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام باشد، و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و [این] مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر ارواحنا فداه. (1)

در سخنان مقام معظم رهبری نیز عبارات مختلفی با همین مضمون به چشم می خورد؛ ایشان علاوه بر آنکه انقلاب اسلامی ایران را مقدمه ظهور انقلاب جهانی مهدوی می دانند به نقش الگویی آن، چنین اشاره می کنند:

جمهوری اسلامی نتیجه برداشت صحیح از اعتقاد به امام زمان و الگوی کوچکی برای آن حکومت عظیم جهانی است. (2) همه خصوصیاتی که در ظهور مهدی علیه السلام هست در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملت ایران هم هست. در آنجا هم مخاطب حضرت بقیه الله همه مردم عالمند؛ یعنی در آن لحظه ای که به خانه کعبه پشت می دهد و تکیه می کند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد می کند، صدا می زند: «یا اهل العالم»؛ انقلاب اسلامی ما هم، از آغاز اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست، همچنانی که آن بزرگوار با همه قدرت های بزرگ جهان ستیزه می کند و در می افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه قدرت های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی هم حساب های مادی و معمولی را به هم می ریزد، انقلاب ما هم همه حساب ها را به هم ریخت. (3)

رهبر معظم انقلاب نه تنها بر پایه این آرمان بزرگ جمهوری اسلامی، از سالها قبل همواره سفارش می نمایند که: «ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را بسازیم» (4)و:

شما ملّت انقلابی مسلمان، باید با حرکت منظّم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیّت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و انقلاب نهایی اسلامی بشریّت - که سطح عالم را خواهد گرفت و همه این گره ها را

1- همان، ج 15، ص 262.
2- سخنرانی رهبر معظم انقلاب در 12/1/1367.
3- سخنرانی رهبر معظم انقلاب در 29/3/1360.
4- سخنرانی رهبر معظم انقلاب در 22/12/1368.

باز خواهد کرد - قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریّت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است. (1)

بلکه برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به ظهور دولت موعود، در اندیشه ایجاد تمدن بزرگ اسلامی و تحقق الگویی نیکو برای جهانیان هستند و فرمودند:

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی با کمک های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت های معنوی ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ باعظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماست. (2)

از همین رو تمام مسئولان و نخبگان کشور را موظف به طراحی و عملیاتی نمودن این ایده نمودند:

آنچه ما تصوّر می کنیم که وظیفه ما است، وظیفه مجموعه مسئولان کشور است، وظیفه دولت جمهوری اسلامی است، این است که سه مؤلّفه بزرگ را برای همه تصمیم گیری ها و همه اقدامها در نظر داشته باشد: مؤلّفه اوّل عبارت است از آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی که این اهداف و آرمانها مطلقاً نبایستی از نظر دور بشود؛ آرمان نظام جمهوری اسلامی را می شود در جمله کوتاهِ «ایجاد تمدّن اسلامی» خلاصه کرد. (3)

با این توضیح اگر بخواهیم در ایجاد تمدن بزرگ اسلامی در ایران موفق شده و آن را تبدیل به نمونه و الگویی کوچک از جامعه مهدوی نموده و جهانیان را به دولت کریمه امام زمان ترغیب نماییم باید به سبک زندگی خود اهمیت دهیم؛ از همین روست که مقام معظم رهبری فرمود:

هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است... بخش حقیقی، آن چیزهائی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد که همان سبک زندگی است... اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیبها در این زمینه باشد، می توان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری

1- سخنرانی رهبر معظم انقلاب در 29/3/1360.
2- سخنرانی رهبر معظم انقلاب در 29/5/1376.
3- سخنرانی رهبر معظم انقلاب در 14/06/1392.

اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفتهای خوبی خواهیم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه اسلامیِ ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسان تر خواهد شد. (1)

گفتار هفتم. اصلاح گری در فرد و اجتماع

همه ما مشکلات اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی زیادی را در اطراف خود مشاهده می کنیم. اگر به تحلیل این معضلات بپردازیم، متوجه می شویم که بسیاری از این گرفتاریها به منشها، سبکها و شیوه هایی بر می گردد که ریشه آنها به نوع جهان بینی مادی و ضد اسلامی غرب، رجوع می کند و حاصل پایبندی به آن و لو به طور ناخودآگاه، ظهور آسیب های سبک زندگی غیر اسلامی جاری در میان جامعه اسلامی ماست. بنابراین اگر بخواهیم از کمند این ناهنجاریها که حتی کشورهای غربی را در بر گرفته، رهایی یابیم، باید در سبک زندگی خود تجدید نظر کرده و آن را بر اساس مبانی درست که همانا دین و برنامه الهی است، تدوین نماییم. چرا که به فرموده امیر المؤمنین علی علیه السلام: «دین است که مصونیت می بخشد». (2) باید بدانیم سبکی می تواند ما را به سعادت دنیوی و اخروی برساند که بر پایه آن باشد، اما همان گونه که بارها گفته شد اساس دین بر امامت استوار است. این بدان جهت است که دین، تنها مجموعه قوانین سعادت بخش برای بشریت است، لکن تا زمانی که به آن عمل نشده و در جریان زندگی انسانها قرار نگیرد توانایی خویش را نمی تواند نشان دهد. امام همان کسی است که با تأسیس حکومت اسلامی و با کسب قدرت ضمان اجرایی دین را فراهم می کند و از همین روست که انتظار حکومت عدل مهدوی، انتظار حاکمیت و جریان دین در متن بشر است، اما همین حالت همان گونه که قبلاً در معنای انتظار گفته شد با خود لوازمی را به همراه دارد و از جمله آن سرلوحه قرار دادن تقوای الهی و تخلق به دستورات الهی فرد و جامعه است که این خود، باعث تغییر در سبک فعلی زندگی و بهبود مسائل زندگی خواهد شد. از همین روست که ائمه معصومین تقوای الهی و اخلاق را از وظایف منتظران امام زمان شمرده و فرموده اند:

1- سخنرانی رهبر معظم انقلاب در 23/7/1391.

2- «ألدّين يعصم»؛ (غرر الحكم و درر الكلم، ص17).

«باید به انتظار باشد و با حال انتظار به پرهیزگاری و خلق نیکو رفتار کند و اوست منتظر» (1) و فرمودند:

بر شماست رعایت کردن ورع، به درستی که ورع آن دینی است که ما ملتزم به آن هستیم و خدا را به وسیله آن بندگی می کنیم و همین را از اهل ولایت و محبت خود انتظار داریم. ما را به خاطر شفاعت کردن به سختی و زحمت نیندازید. (2)

حاصل مطلب اینکه گمان ما بر این است که فرج و گشایش شیعیان پس از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛ در حالی که این امر اشتباه بوده و ناشی از برداشت نادرست ما از فرج و تنزل دادن آن در حد رفاه و آسایش است. شناخت امام عصر و تن دادن به ولایت او و چشم به راه حکومت عدل او بودن خود بخشی از فرج ماست؛ کما این که وقتی حسن بن جهم از امام رضا درباره فرج می پرسد؛ ایشان می فرماید: « أَوَ لَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ انْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ؛ (3) آیا نمی دانی که در انتظار فرج بودن خود، جزئی از فرج و گشایش است؟» و امام صادق علیه السلام نیز تأکید فرمودند که: «مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ بِانْتِظَارِه» (4)؛ بنابراین سبک زندگی منتظرانه، آغازی بر فرج نهایی او و همه کسانی خواهد بود که شوق ظهور دولت حق و محو دولت باطل را در دل می پرورانند. همه منتظران موعود باید بدانند که این روش از زندگی اگرچه ممکن است با سختی هایی همراه باشد، اما جالب است که بدانید خود این امر نشانه ای از یک اتفاق خوب است و روانشناسی نظیر آلپورت معتقد است: «شخصیت سالم لزوماً شخصیت بی خیال شاد نیست...زندگی شخصیت سالم چه بسا سخت و تلخ و آکنده از درد و رنج باشد». (5)

آنقدر در نزد خداوند مورد احترام است که بالاخره راهی برای خلاصی از گرفتاریها فراهم خواهد شد؛ این فرمایش امام باقر است که وقتی عبدالحمید واسطی سختیها و محرومیتهای حاصل از انتظار ظهور دولت اهل بیت را به ایشان عرض می کند؛ حضرت

1- غیبت نعمانی، ص200.

2- وسائل الشیعه، ج 15، ص 247

3- غیبت طوسی، ص 459.
4- غیبت نعمانی، ص 330.
5- روانشناسی کمال، ص 18.

می فرماید:

یَا عَبْدِ الْحَمِیدِ أَ تَرَی مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَی اللَّهِ لَا یَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً؟ بَلَی؛ وَ اللَّهِ لَیَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً، رَحِمَ اللَّهُ عَبْداً أَحْیَا أَمْرَنَا؛ (1) ای عبد الحمید آیا تصور می کنی کسی که در راه خدا خود را بازداشته و در مضیقه قرار داده است خداوند در کارش گشایش قرار نمی دهد؟ حتماً! به خدا قسم که حتماً برای او گشایشی فراهم خواهد کرد، خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده کند.

بنابراین همه منتظران ظهور امام زمان باید درک کنند که ترس از سختیها نباید مانع از التزام به لوازم انتظار شود؛ چرا که در وجود آدمی، توانایی هایی وجود دارد که جز در موقعیتهایی نظیر برخورد با سختیها و مشکلات ظهور نمی کند و شکوفا نمی شود.

گفتار هشتم. انتقال عملی ارزشهای ناب مهدوی

از جمله مهمترین مسائل در حوزه معارف مهدوی با وجود همه کارآیی های آن، انتقال این مفاهیم ارزشی، نجات بخش و کاربردی به افراد و خانواده و جامعه است تا در پرتو ترویج این ارزشها بتوان تحولی در خور توجه در خانواده و جامعه شیعی ایجاد کرد. ممکن است برخی انتقال این معارف را از شیوه های مختلف آموزشی نظیر کلاسها، کنفرانسها و نوشتن کتب و مقالات راهکار ترویج اندیشه های مهدوی بدانند؛ اما باید گفت که بر طبق فرهنگ قرآن و اهل بیت نمی توان نشر این معارف ناب را در این روشها خلاصه کرد، بلکه می توان و باید از روش عملی ترویج علوم مهدوی غافل نشد. این امام صادق علیه السلام است که بر پایه هشدار قرآنی: « یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُون» (2) فرمود:

کونوا دعاه إلی أنفسکم بغیر ألسنتکم و کونوا زیناً و لا تکونوا شیناً؛ (3) مردم را با غیر از زبان به آیین خود دعوت کنید و زینت ما باشید و ننگ ما نباشید.

بنابراین اگر نگوییم بهترین، یکی از بهترین روشهایی که می تواند منتشر کننده فرهنگ مهدویت و به ویژه سبک زندگی منتظرانه در جامعه بوده و شیعیان را از برکات این شیوه

1- كافى، ج 8، ص 80.
2- صف / 2.
3- كافى، ج 2، ص 77.

زیستن بهره مند نماید آن است که خود باورمندان به حضرت مهدی و مشتاقان ظهور ایشان، همچون انبیا و امامان و اولیای الهی این سبک زندگی را عملاً در فضای زندگی خود جاری کنند.

باید بدانیم که ظلم و فساد فراگیری که اکنون مشاهده می شود تنها با گفتگو و نوشتن کتاب و برگزاری همایش از بین نخواهد رفت؛ بلکه باید آستین ها را بالا زد و با همت عملی وارد میدان زندگی شد و این سبک زندگی را که یکی از مصداقهای عینی «معروف» است در متن زندگی نمایان ساخت و این توبیخ حضرت علی علیه السلام را نصب العین خود کرد که:

ظهر الفساد فلا منکر مغیر و لا زاجر مزدجر. أ فبهذا تریدون أن تجاوروا الله فی دار قدسه و تکونوا أعز أولیائه عنده؟ هیهات! لا یخدع الله عن جنته و لا تنال مرضاته إلا بطاعته؛ لعن الله الآمرین بالمعروف التارکین له و الناهین عن المنکر العاملین به؛ (1) فساد آشکار شد، نه انکار کننده ای تغییر دهنده و نه باز دارنده ای که خود آلوده نباشد دیده می شود.آیا با این وضع نکبت بار می خواهید در جوار قدس حق قرار گیرید، و سر افرازترین دوستان خدا باشید؟ هیهات! خدا را نسبت به بهشتش نمی توان فریفت، و جز به طاعتش امکان رسیدن به خشنودیش نیست. لعنت خدا بر آمران به معروفی که خود تارک معروف اند، و ناهیان از منکری که خود آلوده به منکرند.

1- نهج البلاغه، خطبه 129.

فصل سوم. آثار و کارکردهای سبک زندگی منتظرانه

اشاره

از جمله دانستنیهایی که انگیزه ما را بر انتخاب این روش زندگی بر سایر سبکها افزایش می دهد، آگاهی از آثار و کارکردهای سبک زندگی منتظرانه است. در همین راستا علاوه بر مواردی که در مورد ضرورت انتخاب سبک در زندگی گفته شد، باید به کارکردهای آن نیز توجه نمود، زیرا آثار متعددی که سبک های مختلف بر زندگی انسانها دارد، باعث می شود تا در انتخاب خود، اندیشمندانه و محتاطانه و با معیار، عمل کنیم. برخی از این آثار در مقایسه ای تطبیقی با سبک زندگی منتظرانه عبارتند از:

گفتار اول. نمادسازی باورهای مهدوی

نماد از جمله مفاهیم مهمی است که امروزه در جامعه شناسی ارتباطات از آن سخن می رود و در روابط اجتماعی دارای کارکردهایی در زمینه ارتباطات و مشارکت عمومی است. وقتی پرچم یا سرود ملی یک کشور جزء نمادهای آن کشور محسوب می شود در زمینه مذهبی و عقیدتی نیز رفتار و پوشش ظاهری نماد و نمایانگر نوع بینشها و گرایشهای ما است که معادل آن را در عرف مذهب به شعائر دینی می توان توصیف کرد.

اهمیت پرداختن به نمادها به خاطر قدرت تداعی معانی است که یکی از وسایل مهم انتقال پیام به حساب می آید. همین تداعی معانی، کارکردهای فراوانی دارد از جمله آن که:

«1. نمادها با تبادل سریع پیام، روابط اجتماعی انسان را آسان می کند. رنگ نارنجی اتومبیل، راننده تاکسی را از تلاش برای اعلام شغل بی نیاز می کند.

2. علاوه بر این، نمادها بر ذهن و حال انسان اثر می گذارند. نماد با یادآوری معنا و احضار آن در ذهن، «توجه» ما را جهت می دهد و غفلت را می زداید. این «توجه» در

شکل دهی اراده ما بسیار مؤثر است. شرکت های بزرگ که برای تبلیغ فراورده های خود، مبالغ هنگفتی هزینه می کنند با جلب توجه و تداعی معانی مکرر، در ناخودآگاه وجود ما باورهای جدید ایجاد می کنند و اراده ما را برای خرید آن کالاها تحت فشار قرار می دهند.

3. فایده دیگر نماد این است که باطن و شخصیت فرد را می نمایاند. شیخ فضل الله نوری با امتناع از نصب پرچم بیگانه بر آستانه منزل، ایمان و باور خود را نمایانده است. حجاب دختران دانشجوی اروپایی که با مخالفت شدید دولتمردان روبرو شد، همین نقش را ایفاد کرده است.

4. نماد علاوه بر اینکه معنای خود را می نمایاند، درجه حضور و حیات آن معنی را در جامعه بیان می کند. التزام مسلمانان به احکام شرعی، اعلام حضور اسلام و حیات آن در جامعه است. صلیب و صدای ناقوس کلیسا ابراز موجودیت فکر مسیحی است. مظاهر جبهه و جنگ نشان دهنده آن است که اجتماع اسلامی پس از پایان جنگ نیز شهادت و جانبازی در راه خدا را ارزشمند می داند.

5. نماد، توسعه دهنده فکر و ایده و فرهنگ در اجتماع خصوصاً برای نسل های آینده است». (1)

همان گونه که پوشیدن پیراهن مشکی در ایام محرم، عشق ما به امام حسین علیه السلام و فرهنگ عاشورا را بیان می کند، استفاده از نمادهایی که متعلق به فرهنگ ضد دینی غرب است نشانه اعلام علاقه و وفاداری نسبت به آن اعلام بوده و نوعی آمادگی برای عضویت در جبهه آنهاست. به همین علت بوده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امت خود سفارش فرمود: «لَا تَتَشَبَّهُوا بِالْیَهُودِ وَ النَّصَارَی؛ ظاهر خود را شبیه یهود و نصارا نکنید». (2)

امام صادق نیز در کلامی حکمت آموز فرمود:

أَوْحَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَی نَبِیٍّ مِنْ أَنْبِیَائِهِ: قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ لَا یَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِی وَ لَا یَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِی وَ لَا یَسْلُکُوا مَسَالِکَ أَعْدَائِی فَیَکُونُوا أَعْدَائِی کَمَا هُمْ أَعْدَائِی؛ (3)خداوند عزوجل به یکی از انبیایش وحی فرمود که به مؤمنان بگو: لباس

1- محمد نوری، نماد و معنا در آیینه فرهنگ، مجله: پگاه حوزه، دهم آبان 1382، ش 107.
2- الخصال، ج2، ص498.
3- من لا یحضره الفقیه، ج1، ص252.

دشمنانم را نپوشند و غذای آنها را نخورند و به شیوه آنها رفتار نکنند که اگر چنین کنند همان گونه که آنها دشمنم هستند، ایشان هم دشمنم خواهند بود.

بنابراین باید گفت که« لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست، پرچمی است که او بر سر در خانه وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می کند که از کدام فرهنگ تبعیت می کند. همچنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می کند؛ هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها معتقد و دلبسته باشد لباس متناسب با آن ارزش ها و بینش ها را از تن به در نخواهد کرد». (1) البته این امر تنها منحصر به لباس نبوده و بی تردید همه جلوه ها و اعمال و رفتار ظاهری ما را در بر می گیرد.

با این توضیح می گوییم: سبک زندگی منتظرانه، نمادی از باور به مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حاصل دقت و انتخاب در رفتارهای عمومی با تمام گستردگیش و تنظیم آن بر محور باورداشت به امام زمان است که به صورت مجموعه رفتارهای خاص برخاسته از این عقیده مقدس، تجلی کرده و شعاع نورانی خود را در معرض تماشای دیگران قرار می دهد. بدیهی است که با توجه به کارکردهای عمومی نمادها، هم فرهنگ مهدویت که تجلی فرهنگ ناب اسلام شیعی است احیا می شود و هم پیامهای ویژه این شیوه از سبک زندگی به سرعت و سادگی به دیگران منتقل شده و به خودی خود تبلیغ عملی مهدویت در مجامع عمومی و بین المللی است.

گفتار دوم. همدلی، همبستگی و همیاری جامعه منتظر

از جمله کارکردهای مسلم سبک زندگی آن است که انسان با کسانی که هم رأی و باور او هستند بیشتر انس گرفته و در مقابل از کسانی که مخالف با باورهای اویند دوری می گزینند. حال اگر سبک زندگی را به وضعیت ظاهری معنا کرده و وضعیت ظاهری را نماد باورها و ارزشهای شخص محسوب کنیم به راحتی می توان دریافت که انس بین افرادی که ظواهر مشترکی دارند راحت تر از انس بین افرادی است که ظواهر متفاوت و

1- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 40.

بعضاَ متضادی دارند. پر واضح است که در بین دو طیف همسان، صمیمیت و همکاری و بین دو طیف متضاد، تنفر و دوری بیشتر خواهد بود. مثال روشن آن را به راحتی می توان در طرفداران دو تیم مختلف و نوع پوشش آنها و نقش آن در روابط صمیمانه یا خصمانه بین دو گروه ملاحظه کرد. حتی در میان زنان مسلمان بین با حجابها و بی حجابها و در میان عموم مردم بین غربی پوشان و اسلامی پوشان روابط مختلفی حاکم است و ناخودآگاه جوانی که لباس غربی می پوشد از یک جوان با پوشش اسلامی دوری می گزیند و با او نه تنها صمیمی نیست، بلکه حتی گاهی به صورت ناخودآگاه از آنها متنفر نیز هست که البته عین همین حالت از طرف اسلامی پوشها هم تا حدی صادق است. بنابراین می توان گفت که:

در سطح کلان اجتماعی، سبک زندگی همگرایی و واگرایی پدید می آورد. کسانی که سال ها مانند هم زیسته اند آرام آرام مانند هم فکر می کنند و حساسیت ها و علاقه هایی مشترک خواهند داشت. این همگرایی از پیش تعریف نشده، به موضع گیری ها و قضاوت های اجتماعی فرهنگی و اخلاقی یکسان خواهد رسید و یک قطب هم نوا یا قدرت اجتماعی پنهان تشکیل خواهد داد. (1)

اگر بخواهیم علت این امر را به صورت دقیق تری جویا شویم باید آن را در یکی شدن اهداف افراد چنین جامعه ای جستجو کرد، زیرا سبک زندگی روشی برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده است و همسان بودن یک نوع سبک زندگی در جامعه از مشترک بودن اهداف زندگی در بین افراد آن جامعه است و همین اشتراک در هدف موجب پیوند در بین معتقدان به آن می شود. حال در جامعه ای که از بزرگ ترین آرمانهایش، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت جهانی توسط وی است، نوعی همدلی و هم اندیشی پدید می آید. در این صورت هرگاه در جامعه اسلامی و امام زمانی، سبکی از زندگی که با محور رضایت امام زمان و چشم انتظاری او در عصر غیبت شکل گرفته و فراگیر شود، نوعی هم گرایی و آنگاه همیاری را در بین افراد جامعه اسلامی به وجود خواهد آورد که به پشتوانه آن بسیاری از کارهای بزرگ و نشدنی انجام خواهد شد.

1- همیشه بهار(اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، ص 32.

گفتار سوم. تأثیرگذاری تربیتی از جهت روشی

بدون تردید موضوع تربیت و پرورش انسان از این جهت که فرایند شکوفایی استعدادهای آدمی و شرط لازم رسیدن به کمالات وی است همواره و برای همه مردم، مهم و به تبع آن روشهای تربیت نیز مورد توجه بوده است. اگر به مبانی سبک زندگی توجه کرده و آنگاه در میان منابع اسلامی با نگاهی تربیتی کنکاشی صورت گیرد متوجه خواهیم شد که تغییر دادن ظاهر به گونه ای که مطلوب و در جهت اهداف عالی زندگی باشد در تربیت ما تأثیر زیادی دارد و این طور نیست که همیشه باید باطن و درون را اصلاح کرد تا ظاهر هم اصلاح شود. در سخنی دقیق از امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شده است که:

إِنْ لَمْ تَکُنْ حَلِیماً فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَکَ أَنْ یَکُونَ مِنْهُم؛ اگر بردبار نیستید خویشتن را به حلم و بردباری بزنید، چرا که هر کس خود را به گروهی شبیه گرداند، نزدیک است که یکی از آنان شود. (1)

این بیان حضرت علی علیه السلام یک روش تربیتی را گوشزد می کند و آن تغییر درون با تغییر بیرون است که توضیح آن در فصل تأثیر و تغییر باورها و ارزشها از سبک زندگی، بیان شد. بنابراین هر گونه تغییر سبک زندگی به عنوان تابلوی ظاهری زندگی ما، در کیفیت تربیت ما تأثیر داشته و انتخاب سبک مناسب با جهان بینی اسلامی می تواند ما را در رسیدن به اهداف تربیتی مورد نظر اسلام یاری کند. ما مدعی هستیم که مصداق عینی اهداف تربیتی اسلام را در مهدویت باید جست و یکی از ابزارهایی که در وصول اهداف اسلامی و مهدوی به ما کمک می کند سبک زندگی منتظرانه است که این مدعا البته باید در جای خود تبیین شود.

گفتار چهارم. افزایش بهره وری در زندگی

یکی دیگر از اموری که ضرورت آگاهی و تعیین سبک درست در نحوه زندگی را بدیهی می کند، میل آدمها به کسب بهره فراوان تر و دستیابی به آرزوهای بیشتر در زندگیشان است و قطعاً کسب سود بیشتر نیازمند استفاده روشمند از سرمایه هاست. از مقداری پارچه، کسی که خیاط نیست به زحمت یک پیراهن به دست می آورد، ولی یک خیاط ممکن

1- نهج البلاغه، حکمت 207.

است از همان مقدار، چند پیراهن تولید کند. یک انسان ناآشنا به مسیر و مسائل فنی اتومبیل، ممکن است با یک باک بنزین، یکبار مسیری را طی کند؛ اما یک انسان آگاه به آنها، چندین بار. از این مسأله در سخنان پیشوایان دین به تفقه و شناخت عمیق در دین یاد شده است؛ چرا که اگر دین را به معنای: «شیوه سلوک و حرکت در زندگی دنیوی به نحوی که متضمن مصالح دنیوی و مطابق با کمال اخروی و حیات دائمی و حقیقی انسان» (1) معنا کنیم، فهم شایسته آن، سهم فراوانی در رسیدن به هدف آفرینش و آرمانهای انسانی و تعیین سبک زندگی دارد؛ از همین روست که امام باقر علیه السلام یکی از ارکان کمال را فهم عمیق دین بیان نموده و می فرماید: «الْكَمَالُ كُلُ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِی الدِّينِ و...؛ تمام کمال آدمی عبارت است از فهم عمیق دین و...». (2)

حال که جایگاه دین و بهره دهی دنیوی و اخروی فراوان آن روشن شد؛ آنگاه می توان منزلت امامت و قدر امام را طبق آیه اکمال به عنوان عامل اکمال دین و اتمام نعمت در هندسه دین فهمید و این جمله امام رضا را دریافت که:

همانا امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است؛ همانا امامت ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است؛ کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و بسیار شدن غنیمت و صدقات و اجراء حدود و احکام و نگهداری مرزها و اطراف بوسیله امام است؛ امام است که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام کند و حدود خدا را به پا دارد و از دین خدا دفاع کند و با حکمت و اندرز و حجت رسا مردم را به طریق پروردگارش دعوت نماید. (3)

در مواردی نیز ائمه معصومین به صراحت از عنصر انتظار در بهره وری بیشتر در زندگی سخن رانده اند. امام کاظم علیه السلام در همین زمینه فرمود:

1- المیزان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 130.
2- کافی، ج 1، ص32.
3- «إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ أُسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِی وَ فَرْعُهُ السَّامِی بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ

وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرُ الْفَيْ ءِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِمْضَاءُ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنْعُ الثُّغُورِ وَ الْأَطْرَافِ الْإِمَامُ يُحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَذُبُّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ الْحُجَّهِ الْبَالِغَه»؛ (كافى، ج 1، ص 200).

مَنِ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعاً بِهِ أَمْرَنَا وَ يَغِيظُ بِهِ عَدُوَّنَا وَ هُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدَرَّ اللَّهُ رِزْقَهُ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَّغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْناً عَلَى حَوَائِجِهِ؛ (1) هر کسی از پیروان و وابستگان ما چهارپایی را در انتظار امر فرج ما مهیا کند و دشمن ما را خشمناک نماید، خداوند متعال روزیش را افزوده و شرح صدر به او داده و او را به آرزویش رساند و در کارهایش به او کمک فرماید.

گفتار پنجم. تلاش و پویایی هدفمند

همان طور که در بحث زندگی اشاره کردیم زندگی انسان جز با هدف و حرکت و تلاش برای رسیدن به آن معنا نمی یابد که به اصطلاح برخی اندیشمندان می توان آن را «پویایی معطوف به هدف» نامید. این اندیشمند پس از ملاحظه این نکته و تطبیق انتظار با آن تحلیلی در خور تقدیر ارائه می کند و می گوید:

انتظار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در منتظرانش، شامل هر دو مؤلفه «پویایی» و «معطوف به هدف بودن» است، زیرا منتظر به جامعه ای می اندیشد که تمامی وعده های انبیا و اولیا در آن به وقوع خواهد پیوست و از این روی تلاش می کند تا به میزان توانایی و درک مسئولیت خویش، در ساختن چنین جامعه ای سهیم باشد. از سوی دیگر، او می داند که برای چه تلاش می کند؛ انگیزه ای آشکار، منطقی، معقول و قابل دفاع دارد؛ بنابراین تمامی تلاشهای او، معطوف به هدفی والا به نام انتظار ظهور می شود و این هدفی معنادار و ارزشمند است... آثار تربیتی انتظار پویا و معطوف به هدف، عبارتند از:

الف. به جریان افتادن نیروهای نهفته و سرمایه های راکد انسان در پرتو دوران سخت انتظار؛

ب. پالایش درون و به مرحله خلوص رسیدن به جهت طولانی شدن دوران غیبت؛

ج. معنا یافتن زندگی در پرتو پویایی معطوف به هدف، با نگاه تطبیقی به زندگی بدون هدف و فرجام آن که تهی شدن از درون و روزمرگی است؛

د. رشد قدرت تحمل در برابر ناملایمات و تنگناها به جهت قداست و عظمت هدف که در انتظار حضرت معنا می یابد؛

ه. فراتر رفتن از مرز انسان متعادل و رسیدن به مرحله انسان متعالی؛

1- کافی، ج 6، ص 535.

و. رها شدن از سطح و مرحله رنجهای حقیر مادی و گام نهادن در وادی رنجهای تحمل عظیم معنوی و دغدغه های بزرگ انسانی، همچون رنج انتظاری راستین و طولانی و چشم دوختن به دروازه های روشن ظهور. (1)

گفتار ششم. نشاط بخشی

زندگی در عصر غیبت امام زمان پر از بلا و گرفتاری است و این نکته مهم در آیات و روایات مهدوی گوشزد شده است؛ محمد بن مسلم گوید:

شنیدم که امام صادق علیه السلام - در برداشتی از آیه 155 سوره مبارکه بقره- فرمود: «پیش از ظهور قائم نشانه هایی از جانب خدای تعالی برای مؤمنان خواهد بود. گفتم: فدای شما شوم؛ آنها کدام است؟ فرمود: آن سخن خدای متعال است که فرمود: «و لنبلونکم؛ قطعاً می آزمائیم شما را» یعنی مؤمنان را پیش از خروج و قیام حضرت قائم با «بشی ء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات؛ به چیزی از [قبیلِ] ترس و گرسنگی، و کاهشی در اموال و جانها و محصولات». (2)

با این حال چه باید کرد در حالی که زندگی آمیخته با دردها و رنجها مطلوب هیچ کسی نیست؟

پاسخ آن است که آموزه های شیعی راهبرد انتظار را به ما معرفی می کند، زیرا به تعبیر مقام معظم رهبری:

وقتی به شما می گویند انتظار بکشید؛ یعنی، این وضعیتی که امروز شما را رنج می دهد و دلتان را به درد می آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان، حیات و نشاط پیدا می کند. این، نقش اعتقاد به امام زمان - صلوات اللّه علیه و ارواحنا فداه - است. این نقش اعتقاد به مهدی موعود می باشد. (3)

کسی که زندگی خود را به رنگ انتظار موعود درآورده و با سبکی متناسب با آن زندگی

1- گفتمان مهدویت (گفتمان سوم)؛تهیه مؤسسه فرهنگی انتظار نور، قم، بوستان کتاب، 1381ش، مقاله مقدمه ای بر آثار تربیتی و روان شناختی

انتظار؛ دکتر محمدرضا شرفی،ص 132-134با تلخیص.
2- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 649.
3- بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر(عج) 17 /10/ 1374.

می کند روحیه بانشاط تری نسبت به دیگران دارد، البته مادامی که تمام زندگی او به رنگ انتظار باشد؛ کما اینکه از ویژگیهای سبک زندگی منتظرانه که در قبل بیان شد همین خصوصیت بود؛ بدیهی است که با این توضیح کسی که فقط بخشی از امور عبادی زندگی خویش را به رنگ انتظار درآورده لزوماً نمی تواند از این موهبت بهره ببرد.

گفتار هفتم. وحدت شخصیت و نظام مند شدن فعالیتها

یکی از عوامل ناکامی در فعالیتها و به هدر رفتن تلاشها بی برنامگی و نظام مند نبودن آنهاست که محصول به هم ریختگی شخصیت است. باید به دنبال عاملی بود تا به وسیله آن، فعالیتهایی که هر کدامشان در نگاه جزء نگرانه خوب هستند در نگاهی کلی نیز همچون نخی که دانه های از هم جدای تسبیح را در کنار هم می گذارد سامان بخشد و انتظار ظهور امام عصر همان عامل است. چرا که منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور و تشکیل حکومت وی را به مثابه هدف اصلی زندگی خود در نظر می گیرند و همین امر «موجب تمرکز افکار و نیروهای آدمی می شود؛ زیرا همه آنها، ناظر به یک هدف یعنی انتظار ظهور هستند و این امر به نوبه خود، موجب وحدت شخصیت او می گردد؛... وحدت شخصیت، از هرز رفتن توانایی ها و قابلیتها، جلوگیری می کند و زمینه رشد و ظهور قدرتی شگرف و فوق العاده را فراهم می کند؛ زیرا چنین وحدتی در درون آدمی، تضادهای درونی را از میان بر می دارد؛ همان تضادهایی که برخی انسانها را پیوسته رنج داده، توانشان را به شدت می کاهد». (1) همین وحدت شخصیت در کسی که زندگی به سبک منتظرانه را برگزیده است موجب نظام مند شدن فعالیتهای شخص شده و چنین شخصی با نگاه به قله ظهور، اولویتهای رفتاری خویش را تعیین و سپس با تمام قدرت انجام می دهد.

گفتار هشتم. تعهد آفرینی و قانون مداری

زندگی به سبک انتظار موعود، زندگی توأم با مسئولیت شناسی و انجام تکالیفی است که بر عهده یک منتظر گذاشته می شود. علت این امر هم آن است که چنین شخصی به

1- گفتمان مهدویت (گفتمان سوم)؛ مقاله مقدمه ای بر آثار تربیتی و روان شناختی انتظار؛ دکتر محمدرضا شرفی، ص135.

خاطر معرفت بالا به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف او را عین الله الناظره و چشمان ناظر خداوند می بیند و کسب رضایتش را یگانه راه فلاح و رستگاری می شمرد. واضح است که وقتی احساس حضور امام زمان در لحظه لحظه زندگی یک نفر سایه بیفکند و وی همواره خود را در محضر امامش ببیند چنین حسی در شخص موجب وظیفه شناسی و تعهد آفرینی و قانون مداری می شود. چگونه چنین نباشد در حالی که حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف در بخشی از توقیع مبارکشان به جناب شیخ مفید رحمه الله فرمودند:

إِنَّا نُحِيطُ عِلْماً بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْ ءٌ مِنْ أَخْبَارِكُم؛... إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُم؛ (1)ما بر آنچه بر شما می گذرد، احاطه علمی داریم و هیچ یک از خبرهای شما از ما پوشیده نیست؛...نسبت به رعایت حال شما کوتاهی نورزیده و یاد کردن شما را فراموش نمی کنیم.

زمانی که ما سبک زندگی منتظرانه را رویکرد حاکم بر زندگی خویش قرار دهیم حتماً در این شیوه زندگی بخشی را به دعا و زیارت و انس با امام زمان اختصاص قرار خواهیم داد و آنگاه که امام عصر را در روز جمعه چنین عاشقانه و عارفانه زیارت می کنیم که: «السلام علیک یا عین الله فی خلقه؛ (2)سلام بر تو ای چشم خدا در میان آفریدگانش»، در واقع به نظارت دائمی حضرت نسبت به خود و دیگران اعتراف می کنیم و معلوم است که چنین نظارت دائمی از طرف امام، موجب مراقبت دائمی از طرف ما خواهد شد. این مراقبت که در اخلاق، جزء ارکان سلوک اخلاقی شمرده شده است سبب می شود تا رفتار و گفتاری را از روی هوای نفس و خودخواهی و خلاف رضایت امام عصر که همان رضایت خدی متعال است انجام ندهیم و به انجام واجبات الهی و پرهیز از محرمات و گناهان ملتزم باشیم؛ در صورتی که این امر مستمر باشد به تدریج به پالایش درونی و روحی منجر شده و مسئولیت پذیری جایگزین مسئولیت گریزی در همه عرصه های فردی، خانوادگی و اجتماعی خواهد شد. بدیهی است که این عامل درونی بسیار قدرتمندتر از عوامل بیرونی می تواند در کنترل و انضباط فرد و جامعه مؤثر باشد و این خود یکی دیگر از برکات سبک زندگی منتظرانه است.

1- الإحتجاج، ج 2، ص 497.

2- جمال الأسبوع، ص 37.

گفتار نهم. پیش بینی و کنترل رفتارها

از جمله اموری که در موفقیت و دستیابی به مقاصد کمک فراوانی به ما می کند پیش بینی اموری است که در آینده رخ خواهد داد، چرا که در سایه آن قادر به موضع گیری درست خواهیم بود. از همین منظر یکی از کارکردهای سبک منتظرانه را می توان در پیش بینی و در نتیجه، کنترل رفتارها در حوادث دانست، زیرا این سبک، همچون طرح و نقشه ای است که به ما چنین توانی را می دهد؛ «گرچه از دیدگاه وجودی، هیچ کس نمی تواند زندگی را کنترل کند اما در سطح کارکردگرایی، تا حدی می توانیم کنترل هایی داشته باشیم. می توانیم به آنچه که می خواهیم برسیم؛ از آنچه که ممکن است برای ما اتفاق بیفتد جلوگیری کنیم؛موقعیت را فراهم سازیم که به مسیر مورد نظر خودمان برسیم». (1) اهمیت این مطلب موقعی روشن تر می شود که بدانیم عصر غیبت مهدی موعود، به پیش بینی اهل بیت پیامبر اسلام عصری است که در آن حوادث و اتفاقهای عجیب و ناگوار رخ خواهد داد. معلوم است که حکمت این همه پیش بینی که ائمه ما برای شیعیان در دوره غیبت امام زمان کرده اند حکمتی دارد و آن آمادگی برای مقابله با این رویدادهاست و سبک زندگی منتظرانه امکان چنین آمادگی و رفتار کنترل شده ای را به ما می دهد.

گفتار دهم. ظلم ستیزی در قالبهای مختلف

انسان منتظر امام زمان نیک می داند که یکی از موانع اصلی عدم تربیت و رشد افراد، جامعه آلوده به ظلم و ستم است و بهترین بستر برای رسیدن به کمال، فضای آکنده از عدالت و معنویت است؛ از این رو همواره در آرزوی زمانی است که قائم آل محمد با ظهور مبارک خود وعده الهی را محقق و زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده است از آنها پاک و جهان را مملو از قسط و عدل نماید؛ اگر این موضوع در زندگی وی نهادینه شود و چنین شخصی وجه غالب زندگی خود را به رنگ و بوی انتظار مهدی موعود در آورد، ظلم ستیزی و مبارزه با ظالمان و زورگویان قطعاً یکی از شاخصه های قابل رؤیت وی در زندگی خواهد بود. حضرت آیت الله خامنه ای در یکی از سخنان مهدوی خود در

1- سبک زندگی اسلامی و ازار سنجش آن، ص 67.

این باره می فرماید:

امام زمان به صورت یک الگوست برای مؤمنینِ به امام زمان. آن حضرت با کفر می جنگد. ما هم دنباله رو و شیعه او هستیم؛ باید با کفر بجنگیم. آن حضرت برای عدالت زحمت می کشد و مجاهدت می کند، ما هم که مأموم او هستیم و دنباله رو او هستیم باید برای گسترش عدالت مجاهدت کنیم. ما هم که دنباله رو او و معتقد به او هستیم باید تا حدی که قدرت ما اجازه می دهد و در توان ماست درگوشه ای از دنیا یا هر چه بشود پرچم اسلام را برافراشته کنیم. فاصله میان ما و امام زمان به معنای فاصله یک امام و مأموم است، یک پیشرو و دنباله رو است. حرکت امام زمان علیه الصلاهوالسلام به هرسمتی هست حرکت شیعیان او و علاقه مندان او و دنباله روان او هم به همان سمت خواهد بود. (1)

البته این ظلم ستیزی می تواند مصادیق مختلفی داشته باشد و مبارزه با ظلم به نفس تا امر به معروف و نهی از منکر برخی از بارزترین جلوه های آن است؛ به عبارت دیگر یکی از آثار زندگی به سبک انتظار، اقدام عملی فرد و جامعه منتظر در امر به نیکی ها و نهی از بدیهاست کما اینکه در روش زندگی همه انبیا و ائمه و صالحان و خود امام عصر نیز این خصلت یکی از ویژگیهای ایشان بوده است.

گفتار یازدهم. تقویت نظام اسلامی

یکی دیگر از کارکردهای سبک زندگی منتظرانه در صحنه اجتماع کمک به تقویت حکومت اسلامی است. این مسأله را از جنبه های مختلفی می توان مورد بررسی قرار داد. یکی از این جنبه ها تأثیری است که سبک زندگی منتظرانه برای رسیدن به اهداف حکومت اسلامی می تواند ایفا نماید. حکومت اسلامی ممکن است به فراخور نیازهای مختلف جامعه چشم اندازهایی را تعریف و سیاستهایی را برای رسیدن به آن اهداف اتخاذ کند، اما قطعاً بدون پشتوانه مردمی یا اصلاً توان رسیدن به آن مقاصد را نخواهد داشت و یا اینکه در مدت زمان طولانی و با صرف هزینه های زیاد موفق خواهد شد در حالی که اگر سبک زندگی مردم جامعه اسلامی سبکی صحیح و منطقی باشد وصول به آن اهداف

1- بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه های نماز جمعه 12 / 1/ 1367.

بسیار آسان تر خواهد بود و آن سبک، همان سبک زندگی منتظرانه است. اگر این نوع از شیوه زندگی در میان مردم تبدیل به فرهنگ عمومی شود بسیاری از طرح های اقتصادی، بهداشتی، امنیتی و مواردی از این قبیل به راحتی اجرا خواهد شد، زیرا در چنین سبکی همه افراد برای رسیدن جامعه به حدی که زمینه ساز ظهور باشد با همدلی و همکاری تمام تلاش خود را به صورت دسته جمعی صرف خواهند نمود و بدیهی است که چنین قدرت مضافی توان انجام بزرگترین پروژه ها را خواهد داشت.

از جنبه دومی هم می توان نقش سبک زندگی منتظرانه را در تقویت نظام اسلامی تبیین کرد و آن متخلق شدن مسئولان نظام اسلامی به این سبک از زندگی اسلامی است؛ چرا که نحوه زندگی کارگزاران حکومت در دلگرمی و یا دلسردی مردم فوق العاده مؤثر است به گونه ای که حتی زندگی افراد جامعه را به فرموده حضرت علی تحت تأثیر قرار خواهد داد که: «النَّاسُ بِأُمَرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِم؛ (1) مردم به حاکمان خود شبیه ترند تا به پدران خویش». شاید به همین علت است که وقتی حضرت مهدی ظهور فرموده و یارانش را برای قیام فرا می خواند آنها را ملزم به رعایت بیعت نامه ای می کند که بسیاری از بندهای آن مصادیقی از سبک زندگی محسوب می شود؛ مثل آنکه حضرت می فرماید:

...هرگز فعل حرام انجام ندهید. هرگز به فحشا و فساد گرایش نداشته باشید. به ناحق هیچ کس را نزنید. به زراندوزی و جمع کردن طلا مبادرت نکنید... هرگز از مؤمنین بدگویی نکنید...هرگز شراب نخورید. هرگز لباس زربافت (بافته شده از تار و پود طلا) نپوشید. هرگز پارچه ابریشمی را به روی خود نیندازند. لباسی که از دیباج دوخته شده است را نپوشید...هرگز لباس دوخته شده از ابریشم بر تن نکنید. در زندگی ساده زیست باشید و خاک، فرش زندگی شما باشد... . (2)

همان طور که ملاحظه می کنید این فرازها کاملاً به موضوع ما ارتباط داشته و پیمان گرفتن امام عصر از کارگزاران خود از جایگاه ویژه سبک زندگی اسلامی و مهدوی در حکومت اسلامی خبر می دهد.

1- تحف العقول، ص 208.
2- إلزام الناصب، ج 2، ص 168.

بخش سوم: نگرشها و ارزشهای عمومی حاکم بر سبک زندگی منتظرانه

اشاره

شاید برای بعضی این سؤال پیش آمده باشد که چه چیزی باعث شده است تا سبکهای مختلف زندگی با وجود مشترکات در برخی جزئیات، تفاوت های کلی از هم در نتایج داشته باشند؟ از نگاهی دیگر، چگونه می توان برداشت درستی از یک سبک زندگی داشت، مؤلفه هایش را شناخت، به درستی یا نادرستی آن پی برد و در نهایت آن را انتخاب و یا رد کرد؟چه نوع نگرشی تولید ارزشهایی خاص و گرایش به طرف آن ارزشها ایجاد می کند؟

همه این پرسشها که در سبک زندگی منتظرانه نیز عیناً جاری است ما را وادار می کند تا به پایه ها و مبانی سبک زندگی منتظرانه توجه و در آنها درنگ نماییم. منظور از مبانی هم آن دسته از گزاره هایی است که در علوم دیگر ثابت شده و همان پیش فرضهایی است که لایه معنایی رفتارهایی به نام سبک زندگی را تشکیل می دهد که عبارتند از اولاً نگرشهای حاکم بر سبک زندگی و ثانیاً ارزشهایی که در نهایت باعث گرایش، رغبت و انتخاب آن گردیده و منتهی به رفتارهایی خاص می شود، چرا که «سبک زندگی را نمی توان از باورها و ارزشها بریده دانست. ظواهر زندگی حاصل آن باورها و پسندها است». (1) بنابراین لازم است که ما در سبک زندگی منتظرانه نیز ابتدا به همین دو مبنا پرداخته و سپس رفتارها و کنشهای خاص این شیوه زندگی را برپایه آن بیان نماییم. از همین رو این بخش را به نگرشها و ارزشهای حاکم بر سبک زندگی منتظرانه خواهیم پرداخت و البته برای جلوگیری از طولانی شدن مباحث به تذکر نکات به صورت اجمالی بسنده کرده و توضیح تفصیلی و ارتباط رفتارهای موجود در سبک زندگی منتظرانه با نگرشها و ارزشهایی که این سبک زندگی حامل آن است را در بخشی جداگانه تحلیل و بررسی می کنیم.

1- همیشه بهار(اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، ص 29.

فصل اول. نگرشهای حاکم بر سبک زندگی منتظرانه

اشاره

به عنوان مدخل باید گفت که مقصود از نگرشهای حاکم بر سبک زندگی انتظار محور، اعتقادات و باورها و بینشهایی است که اساس و بنیان این نوع از شیوه زندگی را تشکیل می دهد. البته همان گونه که در قبل نیز اشاره شد اساس این نگرشها بر پایه جهان بینی اسلامی و با تفسیر اهل بیت علیه السلام خواهد بود و از قرآن کریم، سخنان معصومین و ادعیه و زیارات مهدوی قابل استخراج است. در این فصل این نگرشها که به سه قسم هستی شناختی، الاهیاتی و انسان شناختی تقسیم می شود به صورت اجمال بیان می شود.

گفتار اول. نگرش های هستی شناختی

نوع نگاه به هستی از تأثیر گذارترین عوامل بر انتخاب نوع سبک زندگی انسانهاست، چرا که «هر کس به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه مجموعه هستی را به گونه ای می بیند و بر اساس آن اهداف، بزرگراه ها و مسیرهای درازمدت زندگی خود را ترسیم می کند» (1)و به قواعد برخاسته از آن التزام و پایبندی بیشتری دارد. ذکر این نکته نیز ضروری است که مراد از هستی در اینجا تمام امور کلی مربوط به پدیده های جهان و مسائل مربوط به آنهاست و نگرشهای مربوط به پدیدآورنده هستی، یعنی خداوند متعال و نیز انسان به عنوان یک پدیده خاص را به عنوان موضوع اصلی این نوشتار در دو فصل جداگانه طرح خواهیم نمود.

از منظر فرهنگ اسلامی که بنیان سبک زندگی منتظرانه را تشکیل می دهد هستی

1- سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص 151.

دارای خصوصیات ذیل است: (1)

1. نیازمندی و معلول بودن موجودات هستی؛ (2)

2. قانون مندی هستی و وجود نظام بین موجودات؛ (3)

3. هدفمند بودن هستی و موجودات آن؛ (4)

4. هدایت یافتگی موجودات به سوی اهداف آفرینش؛ (5)

5. شعور عمومی برای موجودات هستی؛ (6)

6. مراتب داشتن موجودات(جمادات، گیاهان، حیوانات،فرشتگان،انسانهاو...)؛ (7)

7. وجود عوالم و مرحله های مختلف برای هستی (دنیا یا طبیعت؛ ملکوت و...)؛ (8)

1- برای مطالعه تفصیلی این موارد می توانید به بخش مبانی هستی شناختی کتابهای تربیتی نظیر: فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی زیر نظر آیت الله مصباح، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن نوشته محمد بهشتی و کتابهای فلسفی نظیر: اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه شهید مطهری و نظایر آن مراجعه کنید.

2- « یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ؛ هر که در آسمانها و زمین است از او درخواست می کند»؛ (الرحمن/29).

3- «إِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ الْفُلْکِ الَّتی تَجْری فِی الْبَحْرِ بِما یَنْفَعُ النَّاسَ وَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ بَثَّ فیها مِنْ کُلِّ دابَّهٍ وَ تَصْریفِ الرِّیاحِ وَ السَّحابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ؛راستی که در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، و کشتیهایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می رساند، و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن، زمین را پس از مردنش زنده گردانیده، و در آن هر گونه جنبنده ای پراکنده کرده، و [نیز در] گردانیدن بادها، و ابری که میان

آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می اندیشند، واقعاً نشانه هایی [گویا] وجود دارد.»؛(بقره/164).
4- .« ما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما إِلاَّ بِالْحَقِّ؛آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حقّ و [تا] زمانی معیّن نیافریدیم»؛ (احقاف/3).
5- «قالَ رَبُّنَا الَّذی أَعْطی کُلَّ شَیْ ءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی؛ گفت: «پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است»؛ (طه/50).
6- «تُسَبِّحُ لَهُ السَّماواتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فیهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَیْ ءٍ إِلاَّ یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لکِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبیحَهُمْ؛آسمانهای هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می گوید، ولی شما تسبیح آنها را درنمی یابید»؛ (اسراء/44).
7- آیات مختلف در هر یک از این موارد در قرآن کریم وجود دارد.
8- دنیا: « زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَواتِ مِنَ النِّساءِ وَ الْبَنینَ وَ الْقَناطیرِ الْمُقَنْطَرَهِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّهِ وَ الْخَیْلِ الْمُسَوَّمَهِ وَ الْأَنْعامِ وَ الْحَرْثِ ذلِکَ مَتاعُ الْحَیاهِ الدُّنْیا؛ وستیِ خواستنیها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب های نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله، مایه تمتّع زندگی دنیاست»؛ (آل عمران/14). ملکوت: «فَسُبْحانَ الَّذی بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ؛پس [شکوهمند و] پاک است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست، و به سوی اوست که بازگردانیده می شوید»؛ (یس/83).

8. محسوس و نامحسوس بودن موجودات هستی(مادی و غیر مادی)؛ (1)

9. آیه خدا بودن همه موجودات. (2)

گفتار دوم. نگرش های الاهیاتی و توحیدی

دسته دیگری از باورهای اسلامی که زیر ساخت سبک زندگی منتظرانه را تشکیل می دهد نگرشهایی است که مربوط به خالق هستی است، چرا که می دانیم محور تمام فعالیتهای امام زمان در مسائل فردی و اجتماعی و حکومتی توحید است. وی کسی است که آن قدر جهاد خواهد نمود تا «وَ یَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُ لِلّهِ» (3) و دین خدا در جهان بر سراسر جهان غالب شود و امام صادق علیه السلام در بیان چشم انداز حکومت مهدوی می فرماید:

إذا قام القائم لایبقی أرض إلّا نودی فیها شهادة أنْ لا إله إلّا الله و أنّ محمّداً رسول الله؛ (4)زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، هیچ سرزمینی نمی ماند، مگر این که ندای شهادتین (لا إله إلّا الله و محمّد رسول الله) در آن طنین اندازد.

بنابراین کسانی که در انتظار چنان موعود موحدی هستند نگرشهایی مطابق با ایشان خواهند داشت و همین باور توحیدی تأثیر مخصوصی در شیوه زندگی ایشان به وجود خواهد آورد. برخی از عناوینی جزئی تر در این باره – که در جای خویش نیازمند بیان تفصیلی است- به طور اجمال از این قرار است:

1. خداوند خالق، مالک و مربی همه موجودات است؛ (5)

1- .« قُلِ اللَّهُمَّ فاطِرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ عالِمَ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ؛ بگو: «بار الها، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، [ای] دانای نهان و آشکار»؛ (زمر/46).
2- .« سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فی أَنْفُسِهِمْ حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَق؛به زودی نشانه های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دلهایشان بدیشان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حقّ است»؛ (فصلت/53).
3- انفال/ 39.
4- بحار الأنوار، ج 52، ص 340.

5- .« ذَالِکُمُ اللّهُ رَبُّکُمْ لَا إِلَهَ إِلّا هُوَ خَلِقُ کُلّ شیَ ءٍ؛ این است خدا، پروردگار شما: هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید»؛ انعام/102. « لِلَّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما فیهِنَّ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیر؛ فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از آنِ خداست، و او بر هر چیزی تواناست»؛ (مائده/120).

2. خداوند کمال مطلق است؛ (1)

3. تنها خداوند سزاوار پرستش و اطاعت است؛ (2)

4. افعال خداوند حکیمانه و دارای هدف است؛ (3)

5. عدالت بر تمام افعال خداوند جاری است؛ (4)

6. رحمت خدا بر همه گسترده است؛ (5)

7. خداوند تدبیر عالم را با اسباب انجام می دهد؛ (6)

8. مجموعه هستی نظام احسن را تشکیل می دهد؛ (7)

9. خداوند همه موجودات را هدایت می کند؛ (8)

10. هدایت تشریعی خداوند برای موجودات مختار از طریق ولی خدا (پیامبر و سپس امام) است؛ (9)

11. آخرین دین خدا، اسلام است که جامع و جهانی است؛ (10)

1- « اللَّهُ الصَّمَدُ»؛ (اخلاص/2). برای فهم بهتر معنای صمد رک: تفسیر نمونه، ج 27، ص 438-440.

2- .« تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللَّهَ وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً؛ بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم»؛ (آل عمران/ 64).

3- .« وَ هُوَ الَّذی فِی السَّماءِ إِلهٌ وَ فِی الْأَرْضِ إِلهٌ وَ هُوَ الْحَکیمُ الْعَلیمُ؛ و اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست، و هموست سنجیده کار دانا»؛ (زخرف/84).

4- « یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُونُوا قَوَّامینَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلی أَلاَّ تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البتّه نباید دشمنیِ گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است»؛ (مائده/8).

5- .« وَ رَحْمَتی وَسِعَتْ کُلّ شَیْ ءٍ، و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است»؛ (اعراف/ 156).
6- «وَ النَّازِعَاتِ غَرْقًا وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطاً وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا»؛ (نازعات/1-5).
7- « الَّذی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ خَلَقَهُ؛ همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده»؛ (سجده/7).
8- « الَ رَبُّنَا الَّذی أَعْطی کُلَّ شَیْ ءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی؛ گفت: «پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است»؛ (طه/50).
9- « وَ قالَ الَّذی آمَنَ یا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِکُمْ سَبیلَ الرَّشادِ؛ و آن کس که ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من، مرا پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم»؛ (غافر/38).
10- « ما کانَ مُحَمَّدٌ أَبا أَحَدٍ مِنْ رِجالِکُمْ وَ لکِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خاتَمَ النَّبِیِّینَ؛ محمّد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است»؛ (احزاب/40).

12. هدف اصلی از خلقت هستی، انسان کامل است؛ (1)

13. معرفت و اطاعت از پیامبر و امامت و ولایت همه امامان، واجب و ضروری است؛ (2)

14. دوازدهمین امام و جانشین پیامبر خاتم، هم اکنون از نظر غایب و انتظار حکومت عدل جهانی وی در عصر غیبت لازم و ضروری است؛ (3)

15. کسب رضایت امام دوازدهم در عصر غیبت از طریق علمای ربانی و در صورت تشکیل حکومت با محوریت عالم حاکم یا همان ولی فقیه در مسائل اجتماعی و حکومتی ممکن است. (4)

گفتار سوم. نگرش های انسان شناختی

اشاره

موضوع سبک زندگی، انسان است و به همین علت سخن از سبک زندگی منتظرانه

1- « وَ هُوَ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فی سِتَّهِ أَیَّامٍ وَ کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً؛ و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید»؛(هود/7).
2- .« یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللَّهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید»؛ (نساء/59).
3- «...هدی للمتقین الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ؛ آنان که به غیب ایمان می آورند»؛(بقره/2-3). امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: مقصود از متّقین، شیعه علیّ علیه السلام است، و مراد از غیب، حجّت غائب است و شاهد آن نیز این قول خدای تعالی است: «إِنَّمَا الْغَیْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرین؛(یونس/20) می گویند چرا بر او آیه ای از جانب پروردگارش نازل نمی شود؟ بگو که غیب از آن خداست و در انتظار باشید که من نیز با شما از منتظرانم»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 18).

4- « إِنَّا أنْزَلْنَا التَّوْراهَ فيها هُدىً وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الّذينَ أسْلَمُوا لِلّذينَ هادُوا وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتابِ اللَّهِ وَ كانُوا عَلَيْهِ شُهَداء؛ ما تورات را كه در آن رهنمود و روشنايى بود نازل كرديم. پيامبرانى كه تسليم [فرمان خدا] بودند، به موجب آن براى يهود داورى مى كردند و [همچنين] الهيّون و علما به سبب آنچه از كتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند»؛ (مائده/44). براى توضيح بيشتر رك: پرتوى از آيه هاى مهدوى(استاد قرائتى)، ص 100-105. همچنين امام زمان فرمود: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَهُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاهِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِى عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّهُ اللَّهِ عَلَيْهِم؛ امّا حوادث واقعه، در باره آن مسائل به راويان حديث ما(علماى شيعه) رجوع كنيد كه آنان حجّت من بر شما هستند من نيز حجّت خدا بر آنها هستم»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص484).

بدون شناخت از انسان در فرهنگ مهدویت و انتظار که برگرفته از آموزه های ناب اسلام شیعی است، ناقص و ناکارآمد خواهد بود؛ مضافاً بر اینکه یکی از تفاوتهای اصلی در سبکهای مختلف زندگی به تفاوت در نگرش به انسان بر می گردد. البته مراد از شناخت انسان در اینجا تنها به شناخت مادی که در غرب بررسی و یا شناخت ذهنی و مفهومی که در فلسفه از آن بحث می شود بسنده نخواهد شد، زیرا به مقتضای بحث سبک زندگی که از جنبه های ظاهری زندگی انسان صحبت می شود باید در کنار لحاظ نمودن این شناختها به واقعیت خارجی آدمی نیز توجه کرده و به اصلاح، نگاه جامعی را ارائه نمود.

«در بحث سبک زندگی با قرائت اسلام شیعی، اهمیت این بحث انسان شناسی آنجا بیشتر می شود که بدانیم اصولاً زندگی شیعی به عنوان مدعی پویاترین و جامعترین دین، در پیوند کامل با امام معصوم است. امام معصومی که تعریف عرفانی اش، انسان کامل است. پس در نگاه قرائت شیعی بحث انسان شناسی دو رویکرد می یابد: یکی بحث شناخت انسان کمال جو و دیگر بحث انسان کامل. از این منظر بدون انجام این مطالعه دو سویه و رابط و نسبت مستمر و پیوندی که در اندیشه شیعه به واسطه استمرار اصل امانت، بین زندگی انسان کمال جو با زندگی زمان مند انسان کامل است اصولاً سبک زندگی اسلامی - شیعی ماهیتی متفاوت حتی از تمامی سبک های زندگی اسلامی می یابد؛ و از همین منظر، اصل امامت و جایگاه بنیادین آن در مکتب تشیع که امروز در بحث مهدویت تجلی یافته است حتی بحث سبک زندگی شیعی را می توان با عنوان بحث سبک زندگی مهدوی و یا سبک زندگی منتظرانه به مطالعه و پژوهش و گفتمان گذاشت». (1)

انسان در فرهنگ اسلامی انتظار که از جامعیت برخوردار است دارای خصوصیات ذیل است که یکی از جنبه انسانی و بدون در نظر گرفتن جنسیت او و دیگری، با در نظر گرفتن جنسیت قابل شمارش است.

1. در بعد انسانی و فراجنسیتی

1. مخلوق و نیازمند و ضعیف است؛ (2)

1- مقاله انسان شناسی پیش نیاز سبک زندگی پژوهی، محمد رضایی،نشریه امان، ش 44.

2- « خُلِقَ الْإِنْسانُ ضَعیفاً؛ انسان، ناتوان آفریده شده است»؛ (نساء/28) و «یا أَیُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَی اللَّهِ؛ ای مردم، شما به خدا نیازمندید»؛ (فاطر/15).

2. دارای دو جنبه اصلی روحی و تبعی جسمی است؛ (1)

3. روح و جسم انسان متأثر از یکدیگر هستند؛ (2)

4. روح انسان جاودانه است؛ (3)

5. اشرف مخلوقات و دارای کرامت تکوینی (4) و اکتسابی (5) است که در این صورت برتر از فرشتگان می تواند باشد؛ (6)

6. دارای اراده، اختیار (7) و تکلیف بوده و بنابراین مسئول است (8) و تعیین سرنوشتش با خود است؛

7. انسان، جاهل است و ابزارهایی همچون گوش و چشم و قلب (9) وعقل (10) برای شناخت

1- « فَإِذا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فيهِ مِنْ رُوحى فَقَعُوا لَهُ ساجِدين؛ پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید»؛ (حجر/29).

2- .« وَ إِذا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظيمٌ؛ و هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره اش سیاه می گردد، در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می خورد»؛ (نحل/58).

3- .« حَتیَّ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبّ ارْجِعُونِ عَلىّ أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كلاَّ إِنَّهَا كلَمَةٌ هُوَ قَائلُهَا وَ مِن وَرَائهم بَرْزَخٌ إِلَىَ يَوْمِ يُبْعَثُون؛ تا آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد، می گوید: «پروردگارا، مرا بازگردانید، شاید من در آنچه وانهاده ام کار نیکی انجام دهم. نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد»؛(مؤمنون/100).

4- «وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَنى آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلى كَثيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضيلاً؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشاندیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم»؛ (اسراء/70).

5- .«إِنَّ أكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّهِ أتْقاكُمْ؛ گرامی ترین شما با تقوی ترین شما است»؛(حجرات/13).
6- «ثمُ دَنَا فَتَدَلی فَکانَ قابَ قَوْسَیْنِ أَوْ أَدْنی؛ سپس نزدیک آمد و نزدیکتر شد،تا [فاصله اش] به قدرِ [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد»؛ (نجم/8-9).
7- « إِنَّا هَدَیْناهُ السَّبیلَ إِمَّا شاکِراً وَ إِمَّا کَفُوراً؛ ما راه را بدو نمودیم یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار»؛ (انسان/3).
8- .« فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذینَ أُرْسِلَ إِلَیْهِمْ وَ لَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلینَ؛ پس، قطعاً از کسانی که [پیامبران] به سوی آنان فرستاده شده اند خواهیم پرسید، و قطعاً از [خود] فرستادگان [نیز] خواهیم پرسید»؛ (اعراف/6).
9- « وَ اللَّهُ أَخْرَجَکُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِکُمْ لا تَعْلَمُونَ شَیْئاً وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُون؛و خدا شما را از شکم مادرانتان- در حالی که چیزی نمی دانستید- بیرون آورد، و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید»؛ (نحل/78).
10- « وَ قالُوا لَوْ کُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ ما کُنَّا فی أَصْحابِ السَّعیر؛ و گویند: «اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقّل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم»؛ (ملک/10).

دارد؛

8. استعداد بیان، تعلم، کتابت و دریافت الهام و وحی دارد؛ (1)

9. کارآیی ابزار شناخت آدمی محدود است و وی نیازمند وحی و پیامبر است؛ (2)

10. از عاطفه (3) و روحیه هنری و زیبایی دوستی برخوردار است؛

11. کمال طلب (4) و بی نهایت خواه است؛ (5)

12. میل به جاودانگی دارد؛ (6)

13. منفعت طلب است و میل به مال، همسر و فرزند دارد؛ (7)

1- . « خَلَقَ الْانسَنَ عَلَّمَهُ الْبَیَان؛ انسان را آفرید، به او بیان آموخت»؛ (الرحمن/3-4) و « فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها؛ سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد»؛ (شمس/7-8).
2- «کَما أَرْسَلْنا فیکُمْ رَسُولاً مِنْکُمْ یَتْلُوا عَلَیْکُمْ آیاتِنا وَ یُزَکِّیکُمْ وَ یُعَلِّمُکُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ یُعَلِّمُکُمْ ما لَمْ تَکُونُوا تَعْلَمُون؛ همان طور که در میان شما، فرستاده ای از خودتان روانه کردیم، [که] آیات ما را بر شما می خواند، و شما را پاک می گرداند، و به شما کتاب و حکمت می آموزد، و آنچه را که نمی دانستید و نمی توانستید بدانید به شما یاد می دهد»؛ (بقره/151).
3- « فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ کُنْتَ فَظًّا غَلیظَ الْقَلْبِ لاَنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ؛ پس به [برکتِ] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مِهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند»؛ (آل عمران/159).
4- «یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقیهِ؛ای انسان، حقّاً که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد.»؛ (انشقاق/6).
5- « لَهُمْ ما یَشاؤُنَ عِنْدَ رَبِّهِم؛ برای آنان، هر چه بخواهند پیش پروردگارشان خواهد بود»؛ (زمر/34).

6- « فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطانُ قالَ يا آدَمُ هَلْ أدُلّکَ عَلی شَجَرَهِ الْخُلْدِ وَ مُلْکٍ لا یَبْلی؛ پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: «ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی شود، راه نمایم؟»؛ (طه/120).

7- « زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَواتِ مِنَ النِّساءِ وَ الْبَنینَ وَ الْقَناطیرِ الْمُقَنْطَرَهِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّهِ وَ الْخَیْلِ الْمُسَوَّمَهِ وَ الْأَنْعامِ وَ الْحَرْثِ ذلِکَ مَتاعُ الْحَیاهِ الدُّنْیا؛ دوستیِ خواستنیها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب های نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله، مایه تمتّع زندگی دنیاست»؛ (آل عمران/14).

14. خوشحالی، ناراحتی (1) و تعجب از صفات اوست؛ (2)

15. قابلیت مزین بودن به صفات نیک و بد اخلاقی را دارد؛ (3)

16. هوای نفس، شیطان، طاغوت (4) و برخی انسانها و جنیان، موانع و دشمنان درونی و بیرونی سعادت او هستند؛ (5)

17. بنده خالق و رب خویش است؛ (6)

18. انسان عبد خدا، انسانی کامل و جانشین خدا بر روی زمین است؛ (7)

19. زندگی او دارای مراحل مختلف قبل از دنیا، در دنیا و پس از دنیاست؛ (8)

20. زندگی در دنیا محل ابتلا و امتحان و به وسیله نعمتها و محرومیتها که اثر آن رشد یا سقوط است؛ (9)

1- «وَ أَنَّهُ هُوَ أَضْحَکَ وَ أَبْکی؛ و هم اوست که می خنداند و می گریاند»؛ (نجم/43).
2- « أَ فَمِنْ هذَا الْحَدیثِ تَعْجَبُونَ؛ آیا از این سخن عجب دارید؟»؛ (نجم/59).
3- «فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها قَدْ أَفْلَحَ مَن زَکَّئهَا وَ قَدْ خَابَ مَن دَسَّئهَا؛ سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد، که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، و هر که آلوده اش ساخت، قطعاً درباخت.»؛ (شمس/8-10).
4- «وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوت؛و از طاغوت بپرهیزید»؛ (نحل/36).
5- هوای نفس: « وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَهٌ بِالسُّوءِ ؛ و من نفس خود را تبرئه نمی کنم، چرا که نفس قطعاً به بدی امر می کند»؛ (یوسف/53). شیطان: « وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبین؛از پی گامهای شیطان مروید که او برای شما دشمنی آشکار است»؛ (انعام/142). برخی انسانها: « وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ؛ و فرمودیم: فرود آیید، شما دشمن همدیگرید»؛ (بقره/36). جنیان: « مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاس؛چه از جنّ و [چه از] انس»؛ (ناس/6).

6- «یا أَیُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّکُمُ الّذی خَلَقَکُمْ وَ الّذینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلّکُمْ تَتَّقُونَ؛ ای مردم، پروردگارتان را که شما، و کسانی را که پیش از شما بوده اند آفریده است، پرستش کنید باشد که به تقوا گرایید»؛ (بقره/21).
7- «یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناکَ خَلیفَةً فِی الْأَرْض؛ ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم»؛ (ص/26).
8- قبل از دنیا: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنَّا کُنَّا عَنْ هذا غافِلین؛ و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریّه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم»؛ (اعراف/172). در دنیا و پس از دنیا: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَیَوهَ الدُّنْیَ وَ الاَخِرَهُ خَیرْ وَ أَبْقَی؛ لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می گزینید با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است»؛ (اعلی/16-17).
9- « وَ نَبْلُوکُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَیْرِ فِتْنَةً وَ إِلَیْنا تُرْجَعُون؛ و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود، و به سوی ما بازگردانیده می شوید»؛ (انبیاء/35).

21. زندگی اصلی انسان در آخرت است (1) و بهشت محل برآورده شدن همه خواسته های آدمی است؛ (2)

22. سرنوشت پس از دنیا(آخرت) به عملکرد انسان در دنیا بستگی دارد؛ (3)

23. عدم پایان زندگی انسان در دنیا باعث امید و زمینه ساز تلاش است؛ (4)

24. انسان کمال جو برای رسیدن به کمال(قرب الهی) نیازمند پیروی از انسان کامل(پیامبر و امام) است. (5)

2. در بعد جنسیتی

1. انسان از دو جنس مرد و زن می باشد؛ (6)

2. زن و مرد در ارزشهای انسانی برابر هستند؛ (7)

1- «وَ ما هذِهِ الْحَیاةُ الدُّنْیا إِلاَّ لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَیَوانُ لَوْ کانُوا یَعْلَمُون؛ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست، و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ای کاش می دانستند»؛ (عنکبوت/64).
2- «قُلْ أَ ذَالِکَ خَیرْ أَمْ جَنَّهُ الْخُلْدِ الَّتیِ وُعِدَ الْمُتَّقُونَ کاَنَتْ لهُمْ جَزَاءً وَ مَصِیرًا لهَّمْ فِیهَا مَا یَشَاءُونَ خَلِدِینَ کاَنَ عَلیَ رَبِّکَ وَعْدًا مَّسْولا؛ بگو: «آیا این [عقوبت] بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیزگاران وعده داده شده است که پاداش و سرانجام آنان است؟ جاودانه هر چه بخواهند در آنجا دارند. پروردگار تو مسئول [تحقق] این وعده است»؛ (فرقان/16-15).
3- «وَ جِاْی ءَ یَوْمَئذِ بجِهَنَّمَ یَوْمَئذٍ یَتَذَکَّرُ الْانسَانُ وَ أَنیَ لَهُ الذِّکْرَی یَقُولُ یَالَیْتَنیِ قَدَّمْتُ لحِیَاتی؛ و جهنّم را در آن روز [حاضر] آورند، آن روز است که انسان پند گیرد و [لی] کجا او را جای پندگرفتن باشد؟ گوید: «کاش برای زندگانی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم»؛ (فجر/24-23).
4- «فَلَمَّا جاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذینَ آمَنُوا مَعَهُ قالُوا لا طاقَةَ لَنَا الْیَوْمَ بِجالُوتَ وَ جُنُودِهِ قالَ الَّذینَ یَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ کَمْ مِنْ فِئَهٍ قَلیلَهٍ غَلَبَتْ فِئَهً کَثیرَهً

بِإِذْنِ اللّهِ وَ اللّهُ مَعَ الصَّابِرينَ؛ و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [نهر] گذشتند، گفتند: «امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیانش نیست.» کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است»؛ (بقره/249).

5- « قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونی؛ بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید»؛ (آل عمران/31).

6- «یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثی؛ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم»؛ (حجرات/13).

7- «وَ مَنْ یَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لا یُظْلَمُونَ نَقیراً؛ و کسانی که کارهای شایسته کنند- چه مرد باشند یا آن- در حالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می شوند، و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند»؛ (نساء/124).

3. زن و مرد دو بخش از یک حقیقت هستند؛ (1)

4. به خاطر تشابه مرد و زن، برخی از وظایف آنها مشترک است؛ (2)

5. به خاطر وجود تفاوتها در زن و مرد، هر کدام وظایف اختصاصی دارند؛ (3)

6. خانواده نهادی است که جنبه جنسیتی زن و مرد را در مسیر کمال مدیریت می کند؛ (4)

7. زن و شوهر مکمل هم هستند. (5)

3. از جنبه فردی و اجتماعی

علاوه بر تقسیم مباحث انسان شناختی از بعد جنسیتی و فراجنسیتی، می توان و باید از جنبه سوم، یعنی فردی و اجتماعی نیز شناخت کافی نسبت به او داشت؛ برخی از این

1- «وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَهٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْواجاً؛و خداست که شما را از خاک و سپس از نطفه خلق کرد و آن گاه شما را نر و ماده کرد»؛ (فاطر/11).
2- «وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ وَ لا يُظْلَمُونَ نَقيراً؛ و کسانی که کارهای شایسته کنند- چه مرد باشند یا آن- در حالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می شوند، و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند»؛ (نساء/124).
3- برای مردان: «الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ؛ مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند»؛ (نساء/34). برای زنان: « وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لا يُبْدينَ زينَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلى جُيُوبِهِنَّ وَ لا يُبْدينَ زينَتَهُنَّ إِلاَّ لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبائِهِنَّ أَوْ آباءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنائِهِنَّ أَوْ أَبْناءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوانِهِنَّ أَوْ بَنى إِخْوانِهِنَّ أَوْ بَنى أَخَواتِهِنَّ أَوْ نِسائِهِنَّ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُنَّ أَوِ التَّابِعينَ غَيْرِ أُولِى الْإِرْبَهِ مِنَ

الرِّجالِ أوِ الطِّفْلِ الّذينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلى عَوْراتِ النِّساءِ وَ لا يَضْرِبْنَ بِأرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ ما يُخْفينَ مِنْ زينَتِهِن؛ و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردنِ خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد»؛ (نور/31).

4- «وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها؛ و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید»؛(روم/21).

5- «هُنَّ لِباسٌ لَکُمْ وَ أَنْتُمْ لِباسٌ لَهُن؛ایشان پوشش شما و شما پوششی هستید برای آنان»؛ (بقره/187).

معارف در نظرگاه اسلام عبارتند از:

1. دارای دو بعد فردی و اجتماعی(به خاطر تنوع نیازهایش) است؛ (1)

2. اساس قانون گذاری در مسائل انسانی، جامعه است؛ (2)

3. انسانها در قبال یکدیگر مسئولند (3) و روابط بین آنها براساس ایمان است؛ (4)

4. فرد و جامعه از همدیگر تأثیر پذیرند (5) و البته تأثیر جامعه بر فرد بیشتر است؛ (6)

1- «یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ؛ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم»؛ (حجرات/13). «رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِیَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِیًّا؛و برخی از آنان را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند»؛ (زخرف/32).

2- « إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ إِیَّاکَ نَسْتَعینُ؛ تو را می پرستیم تنها و بس، بجز تو نجوییم یاری ز کس»؛ (حمد/5) و «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید»؛ (آل عمران/200). علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه بحث مفصل زیبایی را ارئه داده است که : « اسلام تنها دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده وین معنا را به صراحت اعلام کرده و در هیچ شانی از شؤون بشری مساله اجتماع را مهمل نگذاشته،- و تو خواننده عزیز اگر بخواهی بیش از پیش نسبت به این معنا آگاه شوی،- می توانی از این راه وارد شوی که نخست اعمال انسانها را دسته بندی کنی و بفهمی که دامنه اعمال انسان چقدر وسیع است و اعتراف کنی که چگونه فکر آدمی از شمردن آنها و تقسیماتی که به خود می گیرد به اجناس و انواع و اصنافی که منشعب می شود عاجز است و از سوی دیگر در این معنا بیندیشی که چگونه شریعت الهیه اسلام آنها را شمرده و به همه آنها احاطه یافته و چگونه احکام خود را بطور شگفت آوری بر آن اعمال، بسط و

گسترش داده (بطوری که هیچ عمل کوچک و بزرگ آدمی را بدون حکم نگذاشته) آن گاه در این بیندیشی که چگونه همه این احکام را در قالب های اجتماعی ریخته، آن وقت خواهی دید که اسلام روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده....»؛ برای مطالعه بیشتر رک: ترجمه تفسیر المیزان، ج4، ص 144 به بعد.
3- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِی الْقُرْبی وَ يَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که پند گیرید.»؛ (نحل/90).
4- «لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكافِرِينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فی شَيْ ءٍ إِلاَّ أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقاةً؛ مؤمنان نباید کافران را- به جای مؤمنان- به دوستی بگیرند و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستیِ] خدا [بهره ای] نیست، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیّه کنید»؛ (آل عمران/28).
5- تأثیر فرد بر جمع: « يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيامَهِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ؛ روز قیامت پیشاپیش قومش می رود و آنان را به آتش درمی آورد»؛ (هود/98). تأثیر جمع بر فرد: « وَ اصْبرِعَلیَ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلا؛ و بر آنچه می گویند شکیبا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر»؛ (مزمل/10). معلوم است که حرف مردم بر پیامبر تأثیر داشته که امر به صبر شده است.
6- «وَ كَذَالِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فيِ قَرْيَهٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُترْفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا عَلىَ أُمَّهٍ وَ إِنَّا عَلىَ ءَاثَارِهِم مُّقْتَدُونَ قَالَ أَ وَ لَوْ جِئْتُكمُ بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدتمُ عَلَيْهِ ءَابَاءَكمُ قَالُواْ إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُون؛و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته ایم و ما از پی ایشان راهسپریم.» گفت «هر چند هدایت کننده تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته اید برای شما بیاورم؟» گفتند: «ما [نسبت] به آنچه بدان فرستاده شده اید کافریم»؛ (زخرف/23-24).

5. در تزاحم بین مصالح فرد و جامعه در صورتی که حق با یکی باشد همو (1) و در صورتی که هر دو حق باشد، جامعه مقدم است؛ (2)

6. جامعه، نیازمند حکومت و حاکم است و البته برای رشد، نیازمند حاکمیت صالح؛ (3)

7. حاکم بر مردم خود تأثیر دارد؛ (4)

8. آینده حکومت جهان از آن صالحان است؛ (5) پس آینده بشریت، روشن است.

1- .« یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ إِلَی اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ جَمیعاً فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُون؛ای کسانی که ایمان آورده اید، به خودتان بپردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست. پس شما را از آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد کرد»؛ (مائده/105).
2- «الَّذینَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فی سَبیلِ اللَّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْفائِزُون؛کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگاران»؛ (توبه/20). جهاد که مصرف جان و مال شخصی در راه خدا برای مرم و جامعه اسلامی و حفظ دین خداست حکایت از تقدم منافع جامعه دینی بر فرد دارد.
3- «یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناکَ خَلیفَةً فِی الْأَرْضِ فَاحْکُمْ بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لا تَتَّبِعِ الْهَوی؛ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم پس میان مردم به حقّ داوری کن، و زنهار از هوس پیروی مکن»؛ (ص/26).
4- « إِلیَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِیْهِ فَاتَّبَعُواْ أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِید یَقْدُمُ قَوْمَهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ؛ به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم، ولی [سران] از فرمان فرعون پیروی کردند، و فرمان فرعون صواب نبود. روز قیامت پیشاپیش قومش می رود و آنان را به آتش درمی آورد»؛ (هود97-98).
5- « وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد»؛ (انبیاء/105).

فصل دوم. ارزش ها و گرایشهای عمومی حاکم بر سبک زندگی منتظرانه

اشاره

قبلاً گفته شد که یکی از فرقهای سبک زندگی با عناوین مشابه، انتخاب گری آن توسط افراد است؛ بدیهی است که چیزی برای انسان می تواند مورد گرایش و آنگاه گزینش قرار گیرد که مطلوب و مورد علاقه وی باشد؛ ما به این امر، ارزش می گوییم که معمولاً متصف به وصف «خوب» می شوند بر خلاف ضد ارزشها که با صفت«بد» از آنها یاد می شود.

در بحث ارزش شناسی گفته می شود که «برخی ارزشها ذاتی، ناوابسته و غایی اند و برخی غیری، وابسته و ابزاری؛.... مثلاً کارهایی که ما با اختیار خود انجام می دهیم برای رسیدن به هدفی است و در واقع مطلوب بودن کارها به جهت مطلوب بودن اهداف است. اما آنچه هدف نهایی ما از انجام دادن کار است خود به خود مطلوب است، نه به جهت مطلوب بودن چیزی دیگر». (1) دانستن این نکته از آن جهت مهم است که ارزشهای وابسته بر خلاف ارزشهای ذاتی، ممکن است در شرایطی بار ارزشی خود را از دست داده و دیگر مطلوبیتی نداشته باشند.

در سبک زندگی منتظرانه نیز هر آنچه که جزء آرمان یا اهداف کوچکتر و یا صفات و راه های رسیدن به اهداف مربوط به این سبک زندگی باشد، ارزشهای آن محسوب شود که البته برطبق تقسیم بالا، این ارزشها ممکن است ذاتی و ثابت و یا وابسته و متغیر باشند که فهم آنها در دادن اولویتها در زمانی که تعارضی بین ارزشها پیش می آید بسیار مهم است.

1- فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 195.

آنچه در این بخش می آید شمارش اجمالی مهمترین ارزشهای عمومی و اسلامی حاکم بر سبک زندگی منتظرانه و در سه عرصه توحیدی، انسانی و غیر انسانی است که دانستن آنها در تعیین کنشها و رفتارهای متناسب با این سبک در عرصه های مختلف بسیار مؤثر است:

گفتار اول. ارزشهای توحیدی (در ارتباط با خدا و اولیای خدا)

مهمترین بخش از ارزشهایی که بر سبک زندگی منتظران امام زمان حاکم است مربوط به عالی ترین ارزشهایی است که سایر ارزشها به آن وابسته است. از آنجا که بر طبق بینش اسلامی محور تدبیر هستی و سعادت دنیا و آخرت انسانها به حضرت رب العالمین وابسته است؛ بنابراین اساسی ترین ارزش را باید در خداوند متعال جستجو نمود. در این گفتار به مهمترین محورهای ارزش توحیدی که شالوده سبک زندگی بر مبنای آن سامان می گیرد اشاره می کنیم و بررسی دقیق و تفصیلی آن را به کتابهای مربوطه ارجاع می دهیم. مهمترین این ارزشها عبارتند از:

1. محبت به خدا (1) و اولیای خدا؛ (2)

2. امید به خدای غفور و رحیم؛ (3)

3. ترس و خشیت در برابر خدا؛ (4)

4. تسلیم در برابر پروردگار؛ (5)

1- «وَ الَّذینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ کسانی که ایمان آورده اند، به خدا محبت بیشتری دارند»؛ (بقره/165).

2- « قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی؛ بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان»؛ (شوری/23).

3- «قُلْ یا عِبادِیَ الَّذینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ؛ بگو: «ای بندگان من- که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید- از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است»؛ (زمر/53).

4- « ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ رَبَّهُ؛...برای کسی است که از پروردگارش بترسد»؛ (بینه/8).

5- «فَلا وَ رَبِّکَ لا یُؤْمِنُونَ حَتَّی یُحَکِّمُوکَ فیما شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لا یَجِدُوا فی أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَیْتَ وَ یُسَلِّمُوا تَسْلیماً؛ ولی چنین نیست، به پروردگارت قَسَم که ایمان نمی آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده ای در دلهایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سرِ تسلیم فرود آورند»؛ (نساء/67).

5. رضایت از خداوند؛ (1)

6. بازگشت و توبه به سوی خدا؛ (2)

7. علاقه به مفاهیم حق محور اسلامی؛ (3)

8. گرایش به ارزشهای الهی؛ (4)

9. گرایش به عبادت خدا؛ (5)

10. نیت اخلاص در عمل؛ (6)

11. میل به آموختن معارف دینی؛ (7)

12. نیت خیر به ائمه معصومین. (8)

1- «رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ؛ خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود»؛ (بینه/8).
2- «وَ مَنْ تابَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَإِنَّهُ یَتُوبُ إِلَی اللَّهِ مَتاباً؛ و هر کس توبه کند و کار شایسته انجام دهد، در حقیقت به سوی خدا بازمی گردد»؛ (فرقان/71).
3- .« وَ إِذا سَمِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَی الرَّسُولِ تَری أَعْیُنَهُمْ تَفیضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ یَقُولُونَ رَبَّنا آمَنَّا فَاکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدینَ؛و چون آنچه را که به فرستاده ما نازل شده بشنوند دیدگانشان را بینی که به خاطر آنکه حق را شناخته اند اشک می بارد، می گویند: پروردگارا، ایمان آوردیم، پس ما را با شاهدان (دائم در حضورت، و گواهان عالم آخرت) مقرر دار»؛ (مائده/83).
4- «أَ فَحُکْمَ الْجاهِلِیَّهِ یَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُکْماً لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ؛ پس آیا داوری دوران جاهلیت را می خواهند؟! و داوری چه کسی از داوری خدا بهتر است برای آنان که یقین (به مبدأ و معاد) دارند؟»؛ (مائده/50).
5- «ُ تَراهُمْ رُکَّعاً سُجَّداً یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ رِضْواناً سیماهُمْ فی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُود؛ آنها را همواره در حال رکوع و سجود می بینی که پیوسته فضل و بخشش خداوند و خشنودی او را می طلبند، نشانه (عبادت و خشوع) آنها در اثر سجده در رخسارشان پیداست»؛ (فتح/29).

6- «ثَلَاثٌ لَا یُغِلّ عَلَیْهِنَّ قَلّبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الّعَمَلِ لِلّهِ؛ سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت [کینه توزی، بدخواهی] نکند: خالص نمودن عمل برای خدا »؛ (کافی، ج 1، ص403).
7- امام باقر علیه السلام: « الْکَمَالُ کُلُّ الْکَمَالِ التَّفَقُّهُ فِی الدِّینِ وَ الصَّبْرُ عَلَی النَّائِبَهِ وَ تَقْدِیرُ الْمَعِیشَهِ؛ کمال انسان و نهایت کمالش دانشمند شدن در دین و صبر در بلا و اقتصاد در زندگی است»؛ (کافی، ج 1، ص32).
8- «ثَلَاثٌ لَا یُغِلُّ عَلَیْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ... وَ النَّصِیحَهُ لِأَئِمَّهِ الْمُسْلِمِینَ ؛ سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت [کینه توزی، بدخواهی] نکند: ... خیرخواهی پیشوایان مسلمین (باطاعت و فرمانبری از آنها»؛ (کافی، ج 1، ص403).

بخش دیگر از ارزشهای حاکم در شکل گیری سبک زندگی منتظرانه مربوط به روابط انسانی مبتنی بر جهان بینی اسلامی است. با توجه به اینکه نوع رابطه انسانی را به سه قسم رابطه انسان با خود، انسان دیگر و جامعه انسانی می توان تقسیم نمود برخی از مهمترین ارزشهایی که در این روابط سهم قابل توجهی دارند از قرار ذیل است:

1. گرایش به کمالات برتر؛ (1)

2. میل به عزت نفس؛ (2)

3. حس زیبایی خواهی؛ (3)

4. روحیه قناعت (4) و عدم طمع؛ (5)

5. صبر و استقامت در امور؛ (6)

6. میل به کار و تولید؛ (7)

1- «أَ رَضيتُمْ بِالْحَياهِ الدُّنْيا مِنَ الْآخِرَهِ فَما مَتاعُ الْحَياهِ الدُّنْيا فِی الْآخِرَهِ إِلاَّ قَليلٌ؛ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست»؛ (توبه/38).

2- «مَنْ كانَ يُريدُ الْعِزَّهَ فَلِلَّهِ الْعِزَّهُ جَميعاً؛ هر کس سربلندی می خواهد، سربلندی یکسره از آنِ خداست»؛ (فاطر/10).

3- «يا بَنی آدَمَ خُذُوا زينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ ی فرزندان آدم، در وقت هر نماز و در هر مسجدی آرایش و زینتتان را (به تناسب آن عمل و محل) برگیرید»؛ (اعراف/31).

4- امام باقر یا امام صادق علیه السلام: « مَنْ قَنِعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ؛ هر که بآنچه خدا روزیش کند قانع باشد، بی نیازترین مردم است»؛ (کافی، ج 2، ص 139).

5- «لا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلى ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ وَ لا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَناحَكَ لِلْمُؤْمِنينَ؛و به آنچه ما دسته هایی از آنان [کافران] را بدان

برخوردار ساخته ایم چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر»؛ (طه/131).

6- امام باقر علیه السلام: « الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ... الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ ؛ كمال انسان و نهایت کمالش... صبر در بلا است»؛ (کافی، ج 1، ص32).

7- امام صادق علیه السلام: « كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلامإِذَا أَصْبَحَ خَرَجَ غَادِياً فِی طَلَبِ الرِّزْقِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ! أَيْنَ تَذْهَبُ؟ فَقَالَ: أَتَصَدَّقُ لِعِيَالِی. قِيلَ لَهُ: أَ تَتَصَدَّقُ؟ قَالَ: مَنْ طَلَبَ الْحَلَالَ فَهُوَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقَةٌ عَلَيْهِ؛ علی بن الحسين علیه السلام سحرگاه در طلب روزی خارج میشد،عرض کردند: آقاکجامی روید؟ فرمود: صدقه می دهم به خانواده ام. عرض کردند : به خانواده ات صدقه می دهی ! فرمود: هر کس از راه حلال جستجوی روزی نماید آنچه به دست آورد (و برای خانواده خود خرج نماید) از طرف خدا صدقه حساب می شود برای او»؛ (کافی، ج 4، ص 12).

7. گرایش به تعاون و یاری دیگران؛ (1)

8. احساس اخوت و رحمت نسبت به مؤمنان و شدت به کافران؛ (2)

9. عدم گرایش به نمادهای جنس مخالف؛ (3)

10. گرایش به وسعت مالی خانواده؛ (4)

11. میل همراهی با جماعت مسلمین؛ (5)

12. تنظیم حب و بغضها بر اساس اهل بیت؛ (6)

1- .« تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی؛ در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید»؛ (مائده/2).
2- .« إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَهٌ؛جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند»؛ (حجرات/10)؛«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ؛محمّد فرستاده خداست، و کسانی که همراه اویند در برابر کفّار نیرومند و سرسخت و در میان خودشان مهربانند»؛ (فتح/29).
3- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: « لیس منا من تَشَبَّهَ بالرِّجَالُ و لا من تَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ؛ نیست از ما زنی که خود را شبیه مردان و مردی که خود را شبیه زنان کند »؛ (کنزالعمال، ح 41237).
4- امام سجاد: « أَرْضَاکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُکُمْ عَلَی عِیَالِه؛ پسندیده ترین شما در پیشگاه خدا نعمت بخش ترین شما بر خانواده خویش است»؛(تحف العقول، ص 279).
5- «ثَلَاثٌ لَا یُغِلُّ عَلَیْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ... وَ اللُّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ؛ سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت [کینه توزی، بدخواهی] نکند: ...همراه بودن با جماعت مسلمین (و جدا نشدن و اختلاف و پراکندگی ایجاد نکردن)»؛ (کافی، ج 1، ص 403).
6- «حکم بن عتیبه می گوید: در حالی که در خدمت امام باقر علیه السلام بودم و اطاق آکنده از جمعیّت بود ناگاه پیرمردی که بر عصای پیکانداری تکیه داشت، پیش آمد تا به در اطاق ایستاد و گفت: سلام بر تو ای فرزند رسول اللّه و رحمت و برکات الهی بر تو باد، و سپس خاموش شد. امام باقر علیه السلام فرمود: و سلام بر تو و رحمت و برکات الهی نثارت.

سپس پیرمرد به چهره رو به اهل بیت کرد و گفت: سلام بر شما، و سپس خاموش شد، و همگی سلامش را پاسخ گفتند.او سپس به چهره رو به امام باقر علیه السلام کرد و گفت: ای فرزند رسول اللّٰه ! مرا به خود نزدیک کن خداوند مرا قربان تو گرداند. بخدا سوگند من شما را و کسانی را که شما را دوست دارند دوست دارم، و بخدا سوگند من شما و هر که شما را دوست دارد به خاطر دنیا دوست ندارم. همانا من دشمن شما را دشمن می دارم و از او کناره می گیرم، و بخدا سوگند به خاطر خونی که میان ما ریخته شده، او را دشمن نمی دارم و از او کناره نمی گیرم. بخدا سوگند، همانا من حلال، شما را حلال و حرام شما را حرام می دانم و چشم براه امر شمایم، پس آیا برای من امیدی داری، خداوند مرا قربان تو گرداند؟ امام باقر علیه السلام فرمود: نزد من بیا نزد من بیا، تا او را در کنارش نشاند و فرمود: ای پیرمرد ! مردی نزد پدرم امام زین العابدین علیه السلام آمد و به او همان را گفت که تو به من، و پدرم به او فرمود: اگر بمیری بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین علیهما السلام وارد می شوی و دلت خنک می شود و درونت آرامش می پذیرد و چشمت روشن می شود و با کرام الکاتبین با روح و ریحان مورد استقبال قرار می گیری، اگر جانت به این جا برسد- و با دست خود اشاره به گلویش کرد- و اگر هم زنده بمانی آن بینی که چشمت را روشن کند و در والاترین مراتب بهشت با ما باشی. پیرمرد گفت: چه گفتی یا امام؟ حضرت علیه السلام همان سخن را برایش باز گفت، و پیرمرد گفت: «اللّٰه اکبر» اگر بمیرم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین علیهم السلام وارد می شوم و چشمم روشن می شود و دلم خنک تر می گردد و درونم آرامش می پذیرد و فرشته های کرام الکاتبین مرا با روح و ریحان استقبال می کنند، اگر جانم بدین جا [گلو] رسد، و اگر هم زنده بمانم به چشم خویش آن بینم که خدا بدان چشم مرا روشن کند و در والاترین مراتب بهشت با شما باشیم؟ ! سپس آن پیرمرد فریاد به گریه گشود و های های همی گریست تا به زمین افتاد و اهل آن خانه از حالی که بر آن پیرمرد رفت فریاد گریه سر دادند؛ امام باقر علیه السلام رو به او کرد و با انگشت خود اشکهای مرد را از مژه هایش می زدود و آنها را پاک می کرد، سپس پیرمرد سر خود را بلند کرد و به امام علیه السلام گفت: یا ابن رسول اللّٰه ! خدا مرا قربانت گرداند دستت را به من بده، امام علیه السلام دست خود را به او داد و او دست امام علیه السلام را بوسید و بر دو دیده و گونه خود نهاد و سپس شکم و سینه خود را گشود و دست حضرت علیه السلام را بر روی شکم و سینه خود گذاشت و سپس بپا خاست و گفت: السلام علیکم، و امام باقر علیه السلام به دنبال او می نگریست در حالی که او در حال رفتن بود،

سپس امام علیه السلام رو به حاضران کرد و فرمود: هر که دوست دارد به مردی از اهل بهشت بنگرد به این پیرمرد بنگرد. عتیبه می گوید: من مجلس سوگواری را همانند این مجلس هرگز ندیدم»؛ (کافی، ج 8، ص 76).

13. گرایش به تشکیل حکومت الهی. (1)

گفتار سوم. ارزشهای غیر انسانی(در ارتباط با جماد، گیاه، حیوان و...)

تعاملات انسان فقط به خدای متعال، اولیای او، خود و سایر انسانها محدود نمی شود، بلکه قسم دیگری را نیز می توان در نظر گرفت و آن نو ع تامل و ارتباط با طبیعت است. کسی که مشتاق سبک زندگی منتظرانه است باید روابط خود با جمادات،گیاهان و حیوانات را نیز به گونه ای تنظیم کند که با جهان بینی اسلامی هماهنگ باشد. برخی از مهمترین ارزشهای برخاسته از بینش اسلامی در رابطه با طبیعت را در موارد ذیل می توان شمارش نمود:

1. نگاهی الهی به موجودات؛ (2)

1- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَه؛ بار خدایا مشتاقانه مسألت داریم که دولتی با شکوه برانگیزی که اسلام و اسلامیان را عزت بخشی و نفاق و منافقین را به خاک ذلت کشی»؛ (کافی، ج 3، ص 424).

2- .« وَ تَرَی الشَّمْسَ إِذا طَلَعَتْ تَتَزاوَرُ عَنْ کَهْفِهِمْ ذاتَ الْیَمِینِ وَ إِذا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذاتَ الشِّمالِ وَ هُمْ فی فَجْوَهٍ مِنْهُ ذلِکَ مِنْ آیاتِ اللَّهِ ؛ و آفتاب را می بینی که چون برمی آید، از غارشان به سمت راست مایل است، و چون فرو می شود از سمت چپ دامن برمی چیند، در حالی که آنان در جایی فراخ از آن [غار قرار گرفته]اند. این از نشانه های [قدرت] خداست»؛ (کهف/17).

2. احترام حیوانات؛ (1)

3. شکرگزاری نعمتهای الهی و بهره مند کردن دیگران؛ (2)

4. عدم اسراف نعمتها؛ (3)

5. احساس مسئولیت درباره حیوانات؛ (4)

6. روحیه پاکیزه نگه داشتن طبیعت (5) و حفظ آن. (6)

1- قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام فِی الدَّوَابِّ: لَا تَضْرِبُوا الْوُجُوهَ وَ لَا تَلْعَنُوهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَعَنَ لَاعِنَهَا وَ فِی خَبَرٍ آخَرَ لَا تُقَبِّحُوا الْوُجُوه؛ علیّ علیه السلامدر باره اسبها فرمود: بصورت آنها ضربت مزنید، و آنها را نفرین نکنید، زیرا خدای عزّ و جل نفرین کننده به آنها را نفرین کرده است. و در خبر دیگر آمده است که صورتهاشان را زشت مسازید»؛ (من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 287).
2- .« وَ الْبُدْنَ جَعَلْناها لَکُمْ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ لَکُمْ فیها خَیْرٌ فَاذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَیْها صَوافَّ فَإِذا وَجَبَتْ جُنُوبُها فَکُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ کَذلِکَ سَخَّرْناها لَکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُون؛ و شتران فربه را برای شما از [جمله] شعایر خدا قرار دادیم: در آنها برای شما خیر است. پس نام خدا را بر آنها- در حالی که برپای ایستاده اند- ببرید و چون به پهلو درغلتیدند از آنها بخورید و به تنگدست [سائل] و به بینوا [ی غیر سائل] بخورانید. این گونه آنها را برای شما رام کردیم، امید که شکرگزار باشید»؛ (حج/36).
3- « إِنَّ الْمُبَذِّرینَ کانُوا إِخْوانَ الشَّیاطینِ وَ کانَ الشَّیْطانُ لِرَبِّهِ کَفُوراً؛ چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است»؛ (اسراء/27).
4- .حضرت علی علیه السلام : « جز خیرخواه و مهربان و امین و حافظ چوپانی بر حیوانات مگمار، که با حیوانات درشتی نکند و آنها را به جبر و مشقّت نراند، و نرنجانده و خسته ننماید. هر آنچه نزد تو جمع شد به سرعت به سوی ما فرست تا آن را در محلی که خدا دستور داده مصرف کنیم. وقتی آن اموال را به امین سپردی به او سفارش کن بین شتر و بچه شیر خواره اش فاصله نیندازد، و آن قدر شیرش را ندوشد که به بچّه او زیان رسد، شتر را با سواری گرفتن خسته و درمانده نکند، و در دوشیدن

شیر و سواری گرفتن بین آن شتر و شترهای دیگر مساوات را رعایت نماید، باید زمینه استراحت حیوان خسته را فراهم کند، و آن شتری را که به پایش آسیب رسیده و از حرکت ناتوان شده آرام و آهسته براند، و آنها را به آبگاههایی که شتران بر آن عبور می کنند وارد سازد، و از کناره راههای علف دار به به جاده های بی گیاه نبرد، و ساعاتی به آنان استراحت دهد، و باید آنها را کنار آبهای کم و گیاهان بیابان واگذارد، تا به اذن حق چاق و استخوان دار و پر مغز نزد ما آیند، نه رنجیده و خسته»؛ (نهج البلاغه، نامه 25).
5- امام صادق علیه السلام : « قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ إِنَّهُ نُهِیَ أَنْ یَبُولَ الرَّجُلُ فِی الْمَاءِ الْجَارِی إِلَّا مِنْ ضَرُورَهٍ وَ قَالَ إِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا؛ حضرت علی فرمود که از ادرار کردن در آب جاری مگر در حال ضرورت نهی شده و فرمود: برای آب اهلی است»؛ تهذیب الأحکام، ج 1، ص 34
6- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : « مَنْ سَقَی طَلْحَهً أَوْ سِدْرَهً فَکَأَنَّمَا سَقَی مُؤْمِناً مِنْ ظَمَإٍ؛ کسی که درخت طلحه و سدر(نیازمند به آب) را سیراب کند گویا انسان مؤمن تشنه را سیراب کرده است»؛ (وسائل الشیعه، ج 17، ص 42).

بخش چهارم: مؤلفه های رفتاری در سبک زندگی منتظرانه

اشاره

پس از بررسی بینشها و نیز ارزشهای برخاسته از فرهنگ اسلامی و حاکمیت آنها بر زندگی مسلمان منتظر باید تأثیر عملی و عینی این نگرشها و گرایشها را در رفتار وی مشاهده نمود. نکته مهمی که در همین راستا باید مورد توجه قرار گیرد رویکردی جهادی ناظر بر رفتارها در عین پایبندی به باورها و ارزشهای اسلامی است که در بخش مفهوم شناسی انتظار توضیح نسبتاً مفصلی از آن ارائه و بیان گردید که: انتظار، چشم به راهی قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف توأم با جهاد و تلاش برای آمادگی فردی و زمینه سازی اجتماعی جهت پذیرش و شرکت در بزرگترین حماسه تاریخی نبرد حق و باطل به رهبری اوست و منتظر همان مجاهد و مبارز و زندگی او، زندگی جهادی معنا خواهد شد. و چگونه چنین نباشد در حالی که از منظر فردی یک انسان مؤمن در هر روز در میدان جهاد با نفس و دو راهی انتخاب حق یا باطل آزموده می شود و در بعد اجتماعی نیز: «پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت امیرالمؤمنین و سیدالشهدا علیهما السلام تا امروز، ریشه تمام حرکات و نهضتهای شیعه و مسلمین، علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است». (1) با این بیان تمام جلوه های رفتاری در سبک زندگی یک فرد و جامعه منتظر به رنگ جهاد خواهد بود که در این بخش به مصادیقی از آن در ضمن فصلهایی پرداخته خواهد شد.

1- انتظار عامل مقاومت؛ مقدمه کتاب.

فصل اول. سبک زندگی منتظرانه در حوزه عبادی (رابطه با خدا)

اشاره

بخشی از روش زندگی یک انسان منتظر موعود در بعد ارتباط او با خداوند عالم خود را آشکار می کند، زیرا که عبودیت و بندگی اساس و محور زندگی وی بوده و بدیهی است که این بندگی نمودهای خارجی خواهد داشت. این نمودها و تجلیات را می توان تحت گفتارهایی برشمرد.

گفتار اول. در عبادت و مناجات

از بارزترین جلوه های سبک زندگی یک منتظر مناجات و راز و نیاز او به درگاه حضرت حق است. انسان منتظر می داند که در عصر غیبت امام زمان، شیطان با تمام اعوان و انصار خود تمام نیروی خود را برای در هم شکستن جبهه حق و نابودی مؤمنان، جمع می کند، لذا قدر این سخن امام عصر را همواره نصب العین خود قرار می دهد که:

ما أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاهِ فَصَلِّهَا وَ أَرْغِمْ أَنْفَ الشَّيْطَان؛ هیچ چیز بینی شیطان را به مانند نماز به خاک نمی مالد پس نماز بخوان و بینی شیطان رابه خاک بمال. (1)

بنابراین همواره بر نماز خویش محافظت می ورزد. او این ارتباط معنوی را منحصر به نماز نمی کند، بلکه اهل تلاوت و تدبر در قرآن کریم نیز هست؛ زیرا در بحبوحه تاریکی های آخرالزمان این سفارش رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم به آنها رسیده است که:

1- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 520.

إِذَا الْتَبَسَتْ عَلَیْكُمْ الْأُمُورُ كَقِطَعِ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَیْكُمْ بِالْقُرْآن؛ (1) هر گاه آشوبها چون شب تار شما را فرا گرفت بقرآن رو آورید (و بدان چنگ زنید).

در همین زمینه برخی از سوره های قرآن مورد عنایت بیشتری است که برخی از آنها عبارتند از:

الف. خواندن سوره اسراء در شب جمعه که امام صادق فرمود:

کسی که سوره بنی اسرائیل(اسراء) را در شب جمعه بخواند نمی میرد تا اینکه قائم آل محمد را درک کرده و از یاوران وی باشد. (2)

ب. خواندن سوره های مسبحات (حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن که ابتدای آنها با تسبیح خداوند شروع می شود) که امام باقر درباره آن فرمود:

مَنْ قَرَأَ الْمُسَبِّحَاتِ كُلَّهَا قَبْلَ أَنْ یَنَامَ لَمْ یَمُتْ حَتَّی یُدْرِكَ الْقَائِمَ وَ إِنْ مَاتَ كَانَ فِی جِوَارِ مُحَمَّدٍ النَّبِی؛ (3) هر کس سوره های مسبحات را پیش از آنکه بخوابد بخواند، نمی میرد تا حضرت قائم علیه السلام را درک کند و اگر بمیرد در جوار نبی اکرم محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود.

یک منتظر امام زمان اهل مناجات و دعا نیز هست، زیرا زمانه سخت عصر غیبت را به خوبی از پیشگویی های ائمه شناخته است. عبد اللَّه بن سنان گوید:

من با پدرم بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم، پس آن حضرت فرمود: «كَیْفَ أَنْتُمْ إِذَا صِرْتُمْ فِی حَالٍ لَا تَرَوْنَ فِیهَا إِمَامَ هُدًی وَ لَا عَلَماً یُرَی فَلَا یَنْجُوا مِنْ تِلْكَ الْحَیْرَهِ إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِیق؛ (4) چگونه به سر خواهید برد اگر در جایی قرار بگیرید که در آن امامی راهنما و نشانه ای چشمگیر نبینید، پس هیچ کس از آن سرگردانی رهائی نمی یابد مگر آن کس که به دعائی همچون دعای غریق، دست نیایش بردارد».

با این حساب علاوه بر آنکه او اهل راز و نیاز با خدا نیز هست؛ اما فقط به خویش فکر نمی کند، بلکه همواره به یاد و دعاگوی امام غایب غریب خود

نیز هست و برای فرج او

1- کافی، ج 2، ص 599.
2- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص 107.
3- کافی (ط - الإسلامیه)، ج 2، ص 620.
4- غیبت نعمانی، ص 159.

فراوان دعا می کند؛ چرا که حضرت مهدی فرمود: «وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِکَ فَرَجُكُم؛ برای تعجیل در فرج فراوان دعا کنید که گشایش شما نیز در آن است». (1)

الگوی او در این مسیر نه تنها شخص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بارها در روایات و مکاشفات اولیای الهی به مناجاتهای وی تصریح شده است، بلکه یاران او نیز همانند وی با قرآن و مناجات مأنوس هستند کما اینکه در وصفشان آمده است:

رِجَالٌ لَا یَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِی صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبِيتُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خُيُولِهِمْ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثٌ بِالنَّهَار؛ (2)مردانی در میان آنهاست که شبها نمی خوابند؛ زمزمه آنها در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند، و روزها سواره به دشمن حمله می کنند. آنها در وقت شب مناجات گر و هنگام روز شیرند.

از ناحیه معصومین دعاهای بسیاری به ما رسیده که سفارش شده است در عصر غیبت امام زمان خوانده شود؛ بدیهی است که آوردن همه این ادعیه در این مجال نمی گنجد و لکن به برخی از دعاهای مختصر اشاره و به ذکر نام و یا فرازهای ابتدایی دعاهای مهم دیگر بسنده می شود که می توان با مراجعه به کتب ادعیه و نیز کتابهایی که در زمینه ادعیه مهدوی- نظیر صحیفه مهدیه- نوشته شده است متن کامل آنها را مطالعه کرده و با آنها انس گرفت:

الف. دعای غریق: عبد اللّه بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: به زودی شبهه ای به شما می رسد و در آن بی نشانه هویدا و امام هدایت بمانید و کسی از آن شبهه نجات نمی یابد مگر آنکه دعای غریق را بخواند، گفتم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می گویی: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلَى دِينِک» و من هم گفتم: «یا اللّه یا رحمان یا رحیم یا مقلّب القلوب و الأبصار ثبّت قلبی علی دینک»، امام فرمود: خدای تعالی مقلّب القلوب و الأبصار است و لیکن همچنان که من گفتم بگو: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلَى دِينِک». (3)

1- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 485.

2- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج 52، ص 308.
3- كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص 352.

ب. دعای معرفت: هارون بن موسی تلعکبری از ابن همام نقل می کند که جناب ابی عمرو عمری- از وکلای حضرت مهدی- برای او این دعا را نوشته و این دعا را که در عصر غیبت امام قائم است به او امر نمود که بخواند؛ فرازهای ابتدایی این دعا که گاهی فقط به جملات اولیه آن بسنده می شود چنین است: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَکَ اللَّهُمَ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی. اللَّهُمَّ لَا تُمِتْنِی مَیْتَةً جَاهِلِیَّةً وَ لَا تُزِغْ قَلْبِی بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنِی. اللَّهُمَّ فَکَمَا هَدَیْتَنِی لِوَلَایَهِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَیَّ طَاعَتَهُ مِنْ وَلَایَهِ وُلَاهِ أَمْرِکَ بَعْدَ رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ...». (1)

ج. دعا برای فرج امام عصر: به قدری این مطلب مهم است که امام حسن عسکری فرمود:

وَ اللَّهِ لَیَغِیبَنَّ غَیْبَهً لَا یَنْجُوا فِیهَا مِنَ الْهَلَکَهِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ فِیهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِیلِ فَرَجِهِ؛ به خدا قسم او(حضرت مهدی) غیبتی خواهد داشت که کسی از هلاکت نجات پیدا نخواهد کرد مگر آنکه خدای عزوجل او را بر باور به امامتش ثابت بگرداند و توفیق دعا برای تجیل فرجش را عنایت فرماید. (2)

همچنین امام صادق فرمود:

هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم؛ نمی میرد مگر آنکه قائم آل محمد را درک می کند. (3)

د. دعا برای صاحب الامر که امام رضا علیه السلام همواره به خواندن آن امر فرمودند:

«اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِیِّکَ وَ خَلِیفَتِکَ وَ حُجَّتِکَ عَلَی خَلْقِکَ وَ لِسَانِکَ الْمُعَبِّرِ عَنْکَ النَّاطِقِ بِحُکْمِکَ وَ عَیْنِکَ النَّاظِرَهِ بِإِذْنِک...». (4)

ه-. دعای ندبه که در اعیاد چهارگانه خوانده می شود:

1- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج 1، ص 411.

2- كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص384.
3- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج 1، ص 368.
4- جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، ص.507

« الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ وَ آلِهِ، وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً. اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا جَرَی بِهِ قَضَاؤُکَ فِی أَوْلِیَائِکَ...». (1)

و. دعای عهد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود: هر کس چهل بامداد این عهد را بخواند از یاوران قائم خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (هنگام ظهور) او را از قبر بیرون آورد؛ و با هر کلمه این دعا؛ هزار ثواب به او عطا فرماید و هزار گناه از نامه عمل او محو کند: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ، وَ رَبَّ الْکُرْسِیِّ الرَّفِیعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُور...». (2)

گفتار دوم. در توسل و زیارت

اشاره

وجه بارز دیگری از زندگی منتظران حضرت ولی عصر را در ارتباط معنوی و توسل به ایشان و سایر معصومین می توان تشریح نمود، زیرا این بزرگوار همانند سایر ائمه محل تجلی اسمای حسنای الهی است و به همین جهت ذکر و یاد ایشان ذکر و یاد خدا و عبادت اوست و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در همین باره فرمود: « ذِکْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَهٌ وَ ذِکْرِی عِبَادَهٌ وَ ذِکْرُ عَلِیٍّ عِبَادَهٌ وَ ذِکْرُ الْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَهٌ». (3)بنابراین بر منتظران امام زمان لازم است که به موجب آیه شریفه: « یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَهَ؛ (4)ای کسانی که ایمان آوردید تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله تقربی بجویید» دست به دامان این اولیای الهی شده و با توسل به ایشان از عصر خطرناک و فتنه خیز غیبت به سلامت عبور کنند. قطعاً بخشی از این توسل در عمل به دستورات ایشان و بخشی دیگر مربوط به زیاراتی است که یا به صورت حضور در مشاهد مشرفه ایشان و یا با خواندن زیارت نامه های ایشان در زندگی یک منتظر تجلی پیدا می کند. برخی از زیاراتی که خوب است هر منتظری با آنها انس داشته باشد از این قرار است:

1- المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص 574.
2- همان، ص 663.
3- الإختصاص، ص 224.

4- مائده/35.

1. زیارت آل یاسین

از امام زمان روایت شده است که ایشان فرمود:

هرگاه اراده نمودید که به وسیله ما به خداوند متعال و اهل بیت توجه پیدا کنید همان طور که خدای متعال فرمود؛ بگویید: «سَلَامٌ عَلَی آلِ یس؛ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا دَاعِیَ اللَّهِ وَ رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَابَ اللَّهِ وَ دَیَّانَ دِینِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خَلِیفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِیلَ إِرَادَتِه...». (1)

2. زیارت امین الله

امام باقر درباره این زیارت فرمود:

هیچ یک از شیعیان ما نیست که این زیارت را کنار قبر یکی از ائمه نمی خواند الا اینکه این زیارت در نوری قرار می گیرد و به امضای حضرت محمد می رسد تا اینکه به حضرت قائم تسلیم می شود پس به اذن الهی صاحب آن را با مژده و تحیت و کرامت و بزرگواری دیدار می کند. (2)

3. زیارت جامعه کبیره

از طرف امام هادی علیه السلام به ما رسیده است و یک دوره امام شناسی است که بسیاری از عالمان دینی بر خواندن آن تاکید داشته اند.

4. زیارت امام حسین

با خواندن زیاراتی نظیر عاشورا و ناحیه مقدسه که آن نیز مورد توجه بسیاری از علمای شیعه بوده و در برخی از مکاشفات ایشان در تشرف به خدمت امام عصر به آن تاکید نموده اند کما اینکه در تشرف آیت الله مرعشی نجفی، امام زمان به ایشان فرمود: «زیارت حضرت سیدالشهدا را فراموش مکن». (3)

1- الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج 2، ص 493.

2- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 739.
3- تشرفات مرعشيه، ص 32.

فصل دوم. سبک زندگی منتظرانه در حوزه شخصی (رابطه با خود)

اشاره

پس از تصویر بخشی از روش زندگی منتظرانه در ارتباط با خدا، اکنون جلوه های فردی این سبک از زندگی را در مسائل فردی بررسی می کنیم. در همین جا این نکته را هم بگوییم که جلوه های عبادی شخص را که در فصل قبل بیان شد از زاویه رفتار فرد نیز می توان در اینجا لحاظ نمود، اما همان طور که در گذشته بیان کردیم تقسیم بندی عرضه شده با توجه به آن دسته از رفتارهایی است که طرف دوم داشته و از همین رو جلوه های عبادی رفتار فرد منتظر را در قسم قبل آوردیم و در اینجا نمودهایی از رفتار شخصی فرد را به شرح ذیل عرضه می کنیم:

گفتار اول. در خودسازی

از مهمترین جلوه های رفتار فردی که در هر منتظر امام عصر می توان مشاهده کرد، تلاش وی در تهذیب نفس و کسب صفات پسندیده و زدودن عیبهایی است که در روند زمینه سازی برای ظهور امام زمان تأثیر بسزایی دارد. موضوع اصلاح نفس از آن جهت مهم است که در مقام واقع تا شخص خود را اصلاح نکند قادر به اصلاح دیگران-چه رسد به اصلاح جهان- نخواهد بود کما اینکه امیرالمؤمنین فرمود: «کَیْفَ یُصْلِحُ غَیْرَهُ مَنْ لَا یُصْلِحُ نَفْسَهُ». (1)یک انسان منتظر ظهور حاکمیت حق و عدالت که شوق برچیده شدن بساط ظلم و جور را از دنیای انسانها دارد ابتدا باید در میدان دل خود با جنود جهل به مبارزه برخیزد و با جهاد با نفس، جبهه ظلم و بی عدالتی را در هم کوبد و این همان معنای

1- غرر الحکم و درر الکلم، ص 517.

جهادی از انتظار فرج است که در قبل توضیح آن داده شد. با توجه به اهمیت این نکته حال سؤال این است که ساز و کار این اصلاح چیست؟

جالب این است که وقتی به نصایح معصومین مراجعه می کنیم راهکار محاسبه نفس را در این سخن نورانی امام صادق می یابیم که خطاب به عبدالله بن جندب می فرماید:

یا ابنَ جندب، حَقٌّ علی کُلِّ مُسْلِمٍ یَعْرِفُنا أنْ یَعرِضَ عَمَلَهُ فی کلِّ یوم و لَیْلَه علی نَفْسِهِ فَیَکُونُ محاسِبَ نَفْسِهِ، فَإنْ رَأی حَسَنةً إِسْتَزادَ مِنْها و إنْ رَأی سَیِّئَةً اسْتَغْفَرَ مِنْها لِئَلاّ یُخْزی یَومَ القیمهِ؛ ای پسر جندب، بر هر مسلمانی که ما را می شناسد، لازم است که در هر روز و شب، اعمالش را بر خود عرضه بدارد و از نفس خود حساب بکشد؛ اگر کار خوبی در آنها یافت، بر آن بیفزاید و اگر کار زشتی یافت، طلب بخشایش نماید تا در قیامت دچار رسوایی نگردد. و نیز امام کاظم فرمود: «لَیْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِی کُلِّ یَوْم». (1)

علت اهمیت دادن به این نکته کاربردی در حدیث امام علی تفسیر خود را می یابد که می فرماید: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَ عَلَی عُیُوبِهِ وَ أَحَاطَ بِذُنُوبِهِ وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَ أَصْلَحَ الْعُیُوبَ». (2)بنابراین در این مسیر، بدون محاسبه نفس نمی توان به کشف عیوب و رفع آن پرداخته و در نتیجه به زمره یاوران و اهل امام زمان وارد شد و همین اصل قطعی باعث می شود که در رفتار منتظران ظهور، نوعی مراقبه و محاسبه در اعمالش مشاهده شود که وی همواره ناظر بودن حضرت صاحب الامر و چشمان بینای خدا را در زندگی خود مد نظر دارد.

گفتار دوم. در علم آموزی

اشاره

بدون تردید، فراگیری علوم و معارف دینی به صورت عام و کسب معرفت به امام عصر یکی از بایسته های حتمی در زندگی جهادی منتظران ظهور است، زیرا تا زمانی که یک منتظر، امام زمان خود و عوامل جلب رضایت و نیز اسباب ظهور وی را نشناسد، از انتظار حقیقی دم زدن تنها یک ادعا و شعار بی فایده خواهد بود. این در حالی است که امام

1- كافى (ط - الإسلاميه)، ج 2، ص 453.
2- تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص 236.

حسن عسکری فرمود: « مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً». (1) بنابراین یکی از صحنه ها و جلوه های عبادی و مبارزاتی انسان منتظر، جهاد علمی و معرفتی او در همه عرصه های مربوط به زمینه سازی ظهور محسوب می شود؛ این سفارش امیرالمؤمنین را نباید فراموش کرد که فرمود: «تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسَنَةٌ وَ مُدَارَسَتَهُ تَسْبِیحٌ وَ الْبَحْثَ عَنْهُ جِهَادٌ وَ تَعْلِیمَهُ مَنْ لَا یَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَ بَذْلَهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ... وَ سِلَاحٌ عَلَی الْأَعْدَاء». (2)

علاوه بر آن، زیست مهدی پسندانه در عصر غیبت نیازمند رفتارهای عقلانی است که متاسفانه نبود آن در برخی شیعیان وی باعث رنجش حضرت بقیه الله شده است به گونه ای که ایشان در توقیعی به محمد بن علی هلال کرخی فرمود: «قَدْ آذَانَا جُهَلَاءُ الشِّیعَهِ وَ حُمَقَاؤُهُم». (3) اما سؤال این جاست که زندگی عقلانی چه ربطی به علم آموزی دارد؟ پاسخ این پرسش را خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است که: «وَ ما یَعْقِلُها إِلاَّ الْعالِمُون؛ و به جز دانشمندان درباره آن تعقل و اندیشه نمی کنند»؛ (4) این آیه شریفه در حقیقت عقل و قوه سنجش آدمی را همچون معده او در نظر گرفته است که بدون دریافت غذا، کاری از دستش برنمی آید و علم و دانش نقش همان غذا را برای عقل دارد.

از جنبه دیگری نیز می توان اهمیت علم آموزی را مورد توجه قرار داد و آن این است که اگر کسی می خواهد شایستگی یاوری حضرت مهدی را به دست آورد و از بازوان و فرماندهان او در حکومتش باشد باید به یکی از شرایط آن که مجهز بودن به علم و دانایی است مجهز شود؛ کما اینکه قرآن کریم آنگاه که از حضرت طالوت سخن می گوید در شایستگی او می فرماید: «و زادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ». (5)

حاصل آنکه شوق به علم آموزی در مسیر زمینه سازی، حتماً یکی از نمودهای ظاهری انسان و جامعه منتظر ظهور امام عصر محسوب می شود، اما همین علم آموزی در اسلام،

1- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 409.
2- تحف العقول، النص، ص 28.
3- الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج 2، ص 474.

4- عنکبوت/ 43.
5- بقره/ 247.

آداب و رسومی دارد که منتظران ظهور در مسیر طلب علم باید به آن مزین باشند. برخی از این آداب عبارتند از:

1. اخلاص در علم آموزی

از ضروری ترین اموری که منتظر متعلم باید در نظر داشته باشد این است که برای تحقق جهاد علمی خود- همان طور که در قبل نیز گفته شد- باید تقرب به خدا را مد نظر قرار دهد و در این صورت است که مصداق این سخن رسول اعظم قرار خواهد گرفت که:

طالب العلم للّٰه أفضل عند اللّٰه من المجاهد فی سبیل اللّٰه؛ هر که علم برای رضای خدا جوید نزد خدا از مجاهد فی سبیل اللّٰه بهتر است. (1)

البته خود ایشان نیز نشانه اخلاص در علم آموزی را در سخن نورانی دیگری این طور ذکر فرمودند:

هر کس علم و دانش را برای رضای خدا طلب کند به هر بابی که از علم میرسد و یاد می گیرد ذلتش در درون و تواضعش در برابر مردم و ترسش از خدا بیشتر و تلاش وی در امر دین بیشتر می شود، پس این مرد کسی است که از علم و دانش بهره می برد. (2)

2. همنشینی با عالمان دین

در زندگی یک منتظر امام زمان، مصاحبت با دانشمندان دین یک رویه جاری است و ائمه معصومین نیز ما را بدان تشویق نموده اند. این موضوع موقعی مهم می شود که با توجه به رخدادها و فتنه های عصر غیبت، حضرت بقیه الله نیز ما را به این بزرگواران ارجاع داده و فرمودند: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَهُ فَارْجِعُوا فِیهَا إِلَی رُوَاهِ حَدِیثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِی عَلَیْکُمْ وَ أَنَا حُجَّهُ اللَّهِ عَلَیْهِم». (3)البته این موضوع همواره مورد سفارش معصومین بوده است؛ از امام علی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: «در مسجد النبی نشسته بودیم که ابوذر داخل شد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد: ای رسول خدا، شرکت در تشییع جنازه عابد بهتر

1- نهج الفصاحه، ص 555.
2- إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمى)، ج 1، ص 188.
3- كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص 484.

است یا نشستن در جلسه درس عالم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای اباذر! لحظه ای نشستن در جلسه مباحث علمی، در پیش گاه خداوند از شرکت در هزار تشییع جنازه، آن هم جنازه شهدا برتر و بالاتر است. و نشستن ساعتی در مجلس علم نزد خدا از قیام هزار شب که کسی در هر شب هزار رکعت نماز بخواند محبوب تر است و نشستن ساعتی در مجلس علم محبوب تر است نزد خدا از هزار جهاد و خواندن کل قرآن.

ابوذر عرض کرد: «یا رسول اللَّه مذاکره علم بهتر است از خواندن همه قرآن؟!» رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای ابوذر! نشستن ساعتی در مجلس علم به خدا از خواندن دوازده هزار بار کلّ قرآن بهتر است.

ملازم باشید به حضور در مجلس علم برای آن که به وسیله علم حلال را از حرام می شناسید و هر که از خانه خود بیرون آید که بابی از علم را طلب کند؛ بنویسد خدای تعالی برای او، به هر قدمی ثواب پیغمبری از پیغمبران و بدهد او را به هر حرفی که می شنود یا می نویسد شهری در بهشت. و خدای تعالی طالب علم را دوست دارد و دوست دارند او را فرشتگان و دوست دارند او را پیغمبران. و دوست ندارد علم را مگر نیکبخت و خوشا به حال طالب علم در روز قیامت.

ای اباذر! نشستن ساعتی در مجلس علم بهتر است از عبادت یک سال که روزه باشی روزهای آن را و قیام نمائی شب های آن را و نظر کردن بر روی عالم بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و هر که از خانه خود بیرون رود تا بابی از علم را طلب کند؛ خدا برای او بنویسد به هر قدمی ثواب شهیدی از شهدای بدر. و طالب علم حبیب و دوست خدا است.

و هر که دوست دارد علم را، بهشت برای او واجب شود و صبح کند و شب کند در رضای خدا و بیرون نرود از دنیا تا آن که بیاشامد از آب کوثر و بخورد از میوه بهشت و نخورد کرم بدن او را و در بهشت رفیق حضرت خضر علیه السلام باشد و جمیع این مطالب در تحت این آیه است: «یَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجات». (1)

بنابراین یکی از برنامه های حتمی و دائمی منتظران امام زمان در زمانه غیبت حضور در مجلس عالمان ربانی و بهره گیری از علوم و معنویت آنهاست.

1- جامع الأخبار(للشعیری)، ص 37-38.

3. داشتن ابزار نوشتن و ثبت علوم

پس از لزوم تعلم، یکی دیگر از آداب علم آموزی، ثبت دانش و معارف است که پیشوایان ما بارها به آن توصیه فرمودند؛ امام صادق در خطابی عتاب گونه فرمود:

فَمَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْكِتَابِ؟ أَمَا إِنَّكُمْ لَنْ تَحْفَظُوا حَتَّى تَكْتُبُوا؛ چه چیز شما را از نوشتن منع می کند؟ بدانید که علم را مادامی که ننویسید حفظ ننموده و یاد نخواهید گرفت. (1)

هم ایشان در روایت قابل تأمل دیگری که به عصر آخرالزمانی ما نیز گریزی می زند فرمود:

اكْتُبْ وَ بُثَّ عِلْمَكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَأَوْرِثْ كُتُبَكَ بَنِيكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانُ هَرْجٍ لَا يَأْنَسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِم؛ بنویس و علمت را در میان دوستانت منتشر ساز و چون مرگت رسید آنها را به پسرانت میراث ده، زیرا برای مردم زمان فتنه و آشوب میرسد که آن هنگام جز با کتاب انس نگیرند. (2)

همین امر موجب می شود تا همه ما برای ثبت علوم، کاغذ و قلم و هر آنچه در ضبط و نگهداری علم لازم است را همیشه با خود نگه داریم و به موقع از آنها استفاده کنیم.

4. رعایت اهم و مهم در علم آموزی

از جمله مواردی که منتظران ظهور حضرت ولی عصر در مسیر معرفت اندوزی باید بدان توجه داشته باشند این است که در فراگیری علوم دینی و معارف مهدوی نباید به صرف اینکه موضوعی در حوزه مباحث دینی و مهدوی است به تعلیم و تعلم آن بپردازند، بلکه باید در انتخاب موضوع اولویتها را بر اساس زمانه شناسی و وظایف خود مشخص کنیم، زیرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: « العمر أقصر من أن تعلم كل ما يحسن بک علمه فتعلم الأهم فالأهم». (3) و آنگاه فرمود: « سَلْ عَمَّا لَا بُدَّ لَكَ مِنْ عِلْمِهِ وَ لَا تُعْذِرُ فِي جَهْلِه؛ بپرس از آنچه که باید آن را بدانی و عذرت در جهل به آن پذیرفته نمی شود». (4)

حال بیایید مروری بر تلاشهای علمی در آموختن معارف مهدوی داشته باشیم. آیا

1- الأصول السته عشر (ط - دار الحدیث)، ص 171.
2- کافی (ط - الإسلامیه)، ج 1، ص 52.
3- شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، ج 20، ص 262.
4- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 60.

دانستن ازدواج امام زمان مهمتر است یا شناخت و معرفت به خود امام که درباره آن فرمودند:

نَحْنُ الَّذِینَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَا یَسَعُ النَّاسَ إِلَّا مَعْرِفَتُنَا وَ لَا یُعْذَرُ النَّاسُ بِجَهَالَتِنَا مَنْ عَرَفَنَا کَانَ مُؤْمِناً- وَ مَنْ أَنْکَرَنَا کَانَ کَافِراً وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْنَا وَ لَمْ یُنْکِرْنَا کَانَ ضَالًّا حَتَّی یَرْجِعَ إِلَی الْهُدَی الَّذِی افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَیْهِ مِنْ طَاعَتِنَا الْوَاجِبَهِ؛ مائیم که خدا اطاعت ما را واجب ساخته، مردم راهی جز معرفت ما ندارند و بر نشناختن ما معذور نباشند. هر که ما را شناسد مؤمن است و هر که انکار کند کافر است و کسی که نشناسد و انکار هم نکند گمراه است تا زمانی که به سوی هدایتی که خدا بر او واجب ساخته و آن اطاعت حتمی ماست برگردد. (1)

آیا دانستن مکان حضور حضرت مهم است یا شناخت حقوقی که بر گردن ما دارد و ما حتی آنها را نمی شناسیم تا چه رسد به اینکه آنها را بجا آوریم؟! آیا تطبیق ظنی و گمان آور علائم ظهور که بسیار کلی و مبهم هستند و چیزی به دست ما نمی دهند مهمتر هستند یا شناخت و آمادگی برای کسب و تهیه مقدماتی که در زمینه سازی ظهور امام زمان لازم هستند و خودسازی و جامعه سازی از مهمترین آنهاست؟! از همین روست که حضرت بقیه الله در یکی از توقیعات شریف خود فرمود:

اَغْلِقُوا بَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا یَعْنِیکُمْ وَ لَا تَتَکَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ کُفِیتُم؛ (2) از اموری که سودی برایتان ندارد پرسش نکنید و خود را در آموختن آنچه از شما نخواسته اند به زحمت نیفکنید.

آداب علم آموزی در متون دینی بسیار است و آنچه بیان شد تنها موارد اندکی است که البته پایبندی به آنها به طور محسوس سبک زندگی ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

گفتار سوم. در اوقات فراغت و تفریح

اشاره

هم زمان با فرا رسیدن روزهای تعطیلی چون عید نوروز و ایام تابستان بحثی به نام اوقات فراغت و برنامه ریزی برای آن مورد توجه قرار می

گیرد تا با بررسی آن، هم در

1- کافی (ط - الإسلامیه)، ج 1، ص 187.
2- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 485.

استفاده از روزهای به اصطلاح بیکاری از کارها و فعالیت های رسمی، بهره برداری بیشتری صورت گیرد، و هم از آسیب ها و آفات این موضوع (پس از شناخت آن ها) جلوگیری شود. اما متأسفانه به دلیل شتابزدگی در این امر و کمبود پژوهش های مبنایی، و بویژه با رویکرد اسلامی ازیک سو، و عدم پایبندی برخی از متولیان فرهنگی از سوی دیگر، عملاً در دستیابی به افق مطلوب در ارائه برنامه جامع برای اوقات فراغت مؤثر نبوده است.

برای دستیابی به یک برنامه جامع در موضوع اوقات فراغت و نیز ارائه سبک صحیحی در گذران اوقات فراغت معتقدیم که آموزه های اسلامی، اطمینان بخش ترین منابعی هستند که می توانند در این جهت به ما کمک کنند، لکن در بین تمام آموزه های اسلامی، بر اساس روایاتی که پیشاپیش بیان گردید مقوله امامت و نیز باور داشتن به مهدویت و در انتظار مهدی موعود بودن از جایگاه ویژه ای برخوردار است. بر همین پایه، با تبیینی که قبلاً در سبک زندگی منتظرانه صورت گرفت اگر ما انتظار را به تلاش و جهاد در جهت زمینه سازی برای ظهور تفسیر کنیم، آن گاه اوقات فراغت به معنای خالی نمودن وقتی برای انجام فعالیت های آگاهانه و لذت بخش و فرح زا در جهت فراهم نمودن بخشی از شرایط و زمینه های مردمی ظهور است.

اما برای تبیین سبک زندگی منتظرانه در اوقات فراغت و تفریح که شاخصه مهم آن است باید دیدگاه اسلام را درباره آن جویا شویم.

جایگاه اوقات فراغت از دیدگاه اسلام

تمام تلاش انسان مؤمن به قوانین الهی این است که عمر و زندگی خود را درجهت کمال و رسیدن به قرب الهی - که سرچشمه همه برکات است- استفاده نماید. در چنین نگرشی اوقات فراغت تعریفی کمال گرایانه و خداجویانه می یابد که انسان موحد با بهره-مندی هر چه بیشتر از زمان، آمادگی بیشتری از لحاظ روحی و جسمی برای انجام طاعات الهی و عمل به وظیفه بندگی که نهایتاً سعادت و رستگاری را در پی خواهد داشت پیدا می کند. خداوند تعالی اینچنین می فرماید: «فاذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب؛ [(1)] پس

1- انشراح/7و8.

هروقت فراغت یافتید به طاعت بکوش و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور». اگرچه در آیه، خداوند به پیامبر اکرم دستور می دهد، ولی همگان باید آ ن را مدنظر قرار دهند و هنگامی که از کار مهمی فارغ می شوند به مهم دیگری بپردازند. روایات اسلامی هم درباره ارزش عمر و وقت، بسیار است. پیامبر اکرم به ابوذر چنین می فرمایند:

پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت شمار؛ جوانی خود را قبل از کهنسالی، سلامتی خود را قبل از بیماری، ثروت و دارایی خود را قبل از نیازمندی، فرصت و اوقات خالی خود را قبل از مشغول شدن به کارها و زندگی خود را قبل از فرارسیدن مرگ. (1)

همچنین امام علی می فرمایند: «بدترین مشغولیت ها پرداختن به امور زاید و بی ارزش است». (2)

اوقات فراغت اگر در مجاری صحیح به کار گرفته شود موجب نشاط و مایه نیرومندی در سایر فعالیت هاست؛ چرا که امام رضا علیه السلام می فرمایند:

کوشش کنید که زمان شما چهار بخش باشد، بخشی برای بندگی خدا، بخشی برای کار و کوشش و تامین معاش، بخشی برای همنشینی با برادران دینی مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیوبتان متوجه کند و با خلوص به شما تذکر دهند و بخش پایانی را به تفریح و لذایذ سالم اختصاص دهید. چه اینکه ساعات تفریح و نشاط به شما نیرو می دهد و به قدرتی مجهزتان می نماید که بتوانید سه بخش دیگر را هرچه بهتر و نیکوتر انجام دهید. (3)

اما اگر در کارهای نادرست و گناهان صرف شود، می تواند خطرات بزرگ و مفاسد غیرقابل جبرانی به بار آورد. از این رو پیامبر برای آگاه سازی پیروان خود این مهم را تذکر داده، تا در ساعات فراغت راه انحرافی در پیش نگیرند و خویشتن را گرفتار فتنه و بلا ننمایند.

«نعمتان مفتون کثیر من الناس: الفراغ و الصحه؛ (4) دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن به گمراهی و فساد افتادند: فراغت و سلامت».

1- جوانان واوقات فراغت درمبانی اسلامی، ص14.
2- میزان الحکمه، ج6، ص540.
3- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا، ص 337.
4- الخصال، ص35.

همچنین امام علی می فرمایند:

کارهای خوب را برای آخرت و آینده خویش فرا بگیر و از امروزت برای فردای خود توشه بگیر و بخشش روزگار (فرصت ایام) را غنیمت بشمار و از فرصت های ممکن حداکثر استفاده را بکن. (1)

و در سخنی دیگر می فرمایند: «المومن مشغول وقته؛ (2) همه وقت مؤمن پر است».

این به این معنی است که یک مؤمن هیچ گاه بیکار نیست و عمر گران بهای خود را به بطالت نمی گذراند و همان طور که برای وقت علم و عبادت خود باید برنامه ریزی کرده و طبق هدفی که دارد پیش رود، در اوقات فراغت خود نیز اینچنین کند و طبق هدف برنامه ریزی کند. چرا که تفریح مناسب در زمان فراغت باعث سلامت جسمی، روحی و روانی می شود، بنابراین اگر به این بخش از زندگی توجه نشود بخش های دیگر زندگی تحت الشعاع قرار گرفته و فرد به خوبی از عهده امور مهم دیگرش بر نمی آید.

مفهوم اسلامی اوقات فراغت

اگر چه اوقات فراغت در اصطلاح متعارف عبارت است از فرصت و زمانی که پس از به اتمام رساندن کار و شغل روزانه باقی می ماند و یا به تعبیر دیگر سرگرمی ها، تفریحات و فعالیت هایی که به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به آنها پرداخته می شود و چه بسا افرادی آن را به زمان بی مسئولیتی و رهایی از تکالیف تلقی می کنند، اما با توجه به مطالبی که در قبل گذشت روشن است که «اوقات فراغت از نظر اسلام هرگز به معنای اوقات بی مسئولیتی یا اوقات بیکاری نیست زیرا در هر جایی و تا زمانی که انسان عقل و اختیار و آگاهی و قدرت داشته باشد مسئولیت نیز دارد». (3) علاوه بر آن اوقات فراغت زمانی جدا از برنامه روزانه نیست، بلکه به عنوان جزئی از برنامه روزانه یک مسلمان باید مورد توجه قرار گیرد تا هم دنیای خود و هم آخرت خویش را در مسیر کمال آباد نماید؛ کما اینکه حضرت علی در تفسیر آیه شریفه: «و لا تنس نصیبک من الدنیا» فرمود:

1- غرر الحکم، ترجمۀ علی انصاری، ج2، ص394.
2- نهج البلاغه، حکمت325.
3- همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، ص 72.

لا تنس صحتک و قوتک و فراغک و شبابک و نشاطک أن تطلب بها الآخره؛ (1) سلامتی و قدرت و اوقات فراغت و جوانی و نشاطت را فراموش نکن تا به وسیله آنها برای آخرت خویش را طلب نمایی.

در این میان منتظران با پرداختن به اموری که موجب نشاط روحی در کسب آمادگی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود، از زمان فراغت خود بهره می برند تا آخرت خویش را آباد کنند.

بایسته های تفریح در انسان مؤمن منتظر

اشاره

اوقات فراغت منتظران حضرت مهدی باید دارای شاخصه هایی باشد که با به کار بستن آنها هرچه بیشتر از پیش، زمینه را برای ظهور فراهم کند، زیرا منتظر حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در برنامه ریزی اوقات فراغت خود به هدف اصلی یعنی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می اندیشد. او می داند که یکی از راه های رسیدن به ظهور و حکومت حضرت بالا بردن رغبت جهانی برای حکومت و همچنین بالا بردن مقبولیت عمومی برای ظهور حضرت می باشد. بنابراین اگر قرار است برای خود برنامه تفریحی بچیند با این نگاه آن را برنامه ریزی می کند؛ اگر قرار است به کار هنری بپردازد، هنر خود را در قالب نشان دادن زیبایی های ظهور به نمایش می گذارد و اگر قرار است به کار تفریحی و ورزشی بپردازد توجه به این نکته می کند که یاران حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف باید از قوای بدنی و آمادگی جسمانی برخوردار باشند. به همین جهت به پرورش جسمی خود می پردازد. به طور خلاصه این شاخصه ها را می توان اینگونه بیان کرد:

اول. برنامه ریزی

برنامه ریزی یک منتظر باید به گونه ای باشد که زمان اوقات فراغتش در ساعاتی تنظیم نشود که سه وقت مذکور در حدیث (وقت عبادت، علم و کار) را تحت الشعاع قرار دهد و حق آن امور ادا نشود، و از طرفی باید به

این نکته توجه شود که زمان را باید صید کرد و از آن بهترین استفاده را برد. امام علی فرمودند: «اگر فرصتی برایت پیش آمد به سرعت از

1- معانی الاخبار، ص 325.

آن بهره بگیر، چراکه از دست دادن فرصت ها اندوه در پی خواهد داشت». (1)

دوم. رعایت اخلاق

در این جا فراغتی مدنظر ما می باشد که به اخلاق اهمیت فراوانی داده شود. اوقات فراغتی که اخلاق در آن موضوعیت نداشته باشد، مورد رضایت امام زمان نیست و نمی-تواند فراغتی باشد که مدنظر یک منتظر است. امام صادق فرمودند:

هرکس شادمان می شود به اینکه از یاوران حضرت قائم باشد؛ پس انتظار بورزد و براساس تقوا و خوش خلقی رفتار نماید، درحالیکه منتظر است. (2)

براساس این حدیث، خوش خلقی برای یک منتظر بسیار مهم است و حسن خلق را در همه ابعاد زندگی حتی در اوقات فراغت باید داشته باشد.

سوم. محوریت خانواده

گذران اوقات فراغت با خانواده در رأس دیگر افراد قرار می گیرد و در هنگام تعارض بین گذراندن فراغت با خانواده و گذراندن آن با غیر خانواده، خانواده اولویت دارد، زیرا در اسلام خانواده از جایگاهی ویژه برخوردار است و پیامبر اکرم فرمودند: «براستی بهترین شما کسی است که برای خانواده اش بهتر باشد». (3) اگر خانواده ها به این نکته بسیار مهم توجه کنند و برنامه ریزی دقیقی برای گذران اوقات فراغت داشته باشند، به گونه ای که فرزندان از کنار خانواده بودن احساس لذت بکنند به راحتی می توان فرهنگ انتظار را در این خانواده ها نهادینه کرد.

چهارم. رعایت حلال و حرام

برای گذران اوقات فراغت باید ابزارها و مکانها به گونه ای باشد که از دیدگاه اسلام دارای ارزش بوده، رضایت خداوند و امام زمان در آن باشد؛ بنابراین نه تنها باید از مکانی که در آن معصیت صورت می گیرد دوری کند، بلکه باید از هرگونه ابزاری که در نزد شرع حلال نیست دوری کند. با این حساب باید در استفاده از محصولات رسانه ای و فیلمها و

1- غررالحکم، ح4124.
2- بحارالانوار، ج5، ص140.
3- میزان الحکمه، ج5، ح8080، ص100.

موسیقی و امثال آن دقت بیشتری به خرج دهد.

پنجم. توجه به سلامت و بهداشت

فراغت باید سالم باشد، یعنی وصف به سلامت شده باشد و اساس آن برمبنای سلامت باشد. شیعه منتظر هم از لحاظ فردی و هم از لحاظ اجتماعی، اهل نظافت و رعایت بهداشت است و به محیط زیست خود اهمیت می دهد، چرا که می داند رعایت بهداشت در سلامت انسان ضروری است. پیامبر اکرم فرمود: «انّ الاسلام نظیف فتنظفوا؛ اسلام پاکیزه است، پس شما هم پاکیزه باشید». (1) امام سجاد در دعایی خصوصیات فراغت سالم را در دعای خویش اینگونه ذکر کرده اند: «بارالها! اگر برای ما ساعت فراغتی از شغل را مقدور فرموده ای آن را فراغتی سالم قرار ده، که نه گرفتار پیامدها و تبعات رنج آور آن باشیم و نه به خستگی و کوفتگی آن مبتلا شویم». (2)

گونه ها و مصادیق اوقات فراغت

اشاره

همان گونه که در تعریف اوقات فراغت روشن شد از شاخصه های اصلی اوقات فراغت، تفریح و لذت بردن محسوب می شود؛ از همین رو سخن خود را بر همین موضوع متمرکز کرده و شیوه تفریح مطلوب برای منتظران ظهور را در ایام فراغت مورد دقت قرار می دهیم.

1. مسافرت و گردش هدفمند

به تجربه ثابت شده است که انس با طبیعت روحیه ای شاد و مفرح را برای انسان به ارمغان می آورد، علاوه برآن پیامبر اکرم می فرمایند: «سافِروا تصحّوا و ترزقوا؛ مسافرت کنید تا تندرست بمانید و روزی کسب کنید». (3)بنابراین یکی از موارد تفریحی که در مسیر آمادگی جسمی و

روحی انسان منتظر ظهور تأثیر بسزایی دارد سیر و سفر با رعایت چارچوبهایی است که در قبل برای منتظران بیان گردید.

1- میزان الحکمه، ج7، ص76.
2- صحیفه سجادیه، دعای11.
3- میزان الحکمه، ج9، ص344.

2. کار بدنی مناسب

شیعه منتظر برای کار و تلاش در زندگی خود جایگاه خاصی قائل است، چراکه بدون کار انسان بی مسئولیت و ضعیف تربیت می شود و همچین انسان نمی تواند در موقع خود، یار خوبی برای امام خویش باشد. تا جایی که امیر المومنین بهترین تفرح را کار معرفی می کند و در جای دیگری می فرماید: «العمل شعارالمومن؛ کار شعار مومن است». (1)

به دور از تنبلی و کسالت: اهل تلاش بودن از خصلت خوب انسان است که یک منتظر با توجه به آن، می تواند نگاه خاص امام را به خود جلب کند. همان طور که امام جواد در وصف یاران امام زمان فرموده اند: «کدّادون مجدّون فی طاعته؛آن ها اهل تلاش و جدیت در اطاعت از امام زمان خود هستند». (2)

3. مطالعه و تألیف

عرصه مطالعه، مادر خلاقیت ها و عامل تعالی روح و فکر انسان منتظر است. مطالعه کتاب های مفید، مجلات و روزنامه ها در زمینه های مختلف دینی و به ویژه معارف مهدوی، از بهترین روش های پر کردن اوقات فراغت است. این مطالعه که می تواند با استفاده از آثار علمی و ادبی باشد نه تنها گزینه مناسبی در زمینه اوقات فراغت است، بلکه می تواند زمینه و سرمایه مناسبی برای خلق آثار علمی و ادبی درحوزه مهدویت باشد.

4. فعالیتهای هنری

عرصه هنر از مهم ترین و قدیمی ترین عرصه هایی است که در اوقات فراغت متولد شده و رشد یافته است و از دیرباز مورد توجه همه به خصوص مسلمانان بوده است. مسلمانان علاقه وافری به هنر نشان دادند و در این زمینه موفقیت هایی هم داشته اند و در سطح جهانی مطرح شده اند. با توجه به علاقه ای که مسلمانان به هنر نشان دادند می توانند در

نهادینه کردن فرهنگ انتظار و آماده سازی مردم برای ظهورموثر واقع شوند. از دیدگاه منابع دینی هم، هنر متعهد آن است که انسان را به سمت ارزشهای والای انسانی سوق دهد. بر این اساس می توان بخشی از اوقات فراغت را به سرودن شعر و مدح، خوشنویسی،

1- همان، ج3، ص234.
2- بحارالانوار، ج52، ص309.

نقاشی و طراحی به صورت دستی و یا با استفاده از نرم افزارهای جدید کامپیوتری، ساخت فیلم، انیمیشن و اموری نظیر آن پرداخت و فرهنگ انتظار را با استفاده از ابزار قدرتمند هنر در شهر و کشورو جهان منتشر نمود و ذهن ها رابه سمت امام زمان متوجه ساخت. بدیهی است با این توضیح این سخن امام صادق که فرمودند: «هر که در مورد ما یک بیت شعر بگوید خداوند متعال در بهشت یک خانه برایش بسازد». (1) را نمی توان به موضوع شعر منحصر کرد.

5. فعالیتهای ورزشی

منتظران ظهور حضرت صاحب الزمان چشم اندازی وسیع و جهانی دارند. منتظر در اندیشه این است که چگونه می تواند آرمان خود را جهانی کند و پیوسته درصدد این است که برای ظهور حضرت رغبت جهانی و مقبولیت عمومی ایجاد کند. طبیعی است که جامه عمل پوشاندن به یک چنین آرمانی، مستلزم این است که منتظر از قوای بدنی قوی و ورزیدگی جسمی نیرومند خاصی برخوردار باشد. بنابراین منتظران در اوقات فراغت خود به امور ورزشی نیز می پردازند تا با جهت دهی ورزش به سمت وسوی ظهور حضرت صاحب-الزمان آرمان خود را جهانی کنند و بدین ترتیب موجبات رضایت امام عصررا به دست آورند. امام خمینی هم در راستای اهمیت دادن ورزش به جوانان می فرمایند:

مملکت ما همین طور که به علما احتیاج دارد، به قدرت شما هم احتیاج دارد. این قدرت حرکتی با ایمان باشد، وقتی زورخانه با قرآن باشد، با ایمان باشد، پشتوانه یک ملت است، آنچه که پشتوانه یک ملت است آن افراد با ایمان هستند، ورزشکاران با ایمان هستند. (2)

البته در اینکه چه نوع ورزشهایی با توجه به هدف زمینه سازی ظهور مناسب هستند در جای خود نیازبه تحقیق بیشتری دارد.

گفتار چهارم. در مصرف و تغذیه

اشاره

یکی دیگر از جلوه های سبک زندگی منتظرانه را باید در کیفیت و کمیت تغذیه جستجو

1- همان، ج 5، ص569.
2- صحیفه نور، ج7،ص 48.

کرد، زیرا از یک سو منتظران حضرت با خطاب قرآنی «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ إِلی طَعامِهِ» (1) روبرو هستند که مؤمنان را به دقت در مصرف مواد غذایی فرا می خواند و از سویی دیگر بخشی از آمادگی ایشان برای جهاد و یاری حضرت معطوف به سلامتی و تقویت قوای جسمانی است، چرا که درباره خصوصیات یاران امام زمان آمده است که: «كَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ فِی نَجَفِ الْكُوفَهِ... يُعْطَی الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّهَ أَرْبَعِينَ رَجُلا». (2)پس منتظران وظیفه دارند در تقویت قوای جسمانی به تغذیه نیز توجه داشته و برنامه غذایی خود را مطابق با دستورات اسلامی بچینند، تا با سلامت جسمی که بالتبع در سلامت روان نیز تاثیر دارد، در جهت بسترسازی ظهور تلاش و نیروی خود را در این راه هزینه کنند. در همین راستا دستورات غذایی فراوانی در متون دینی یافت می شود که جای طرح تفصیلی آنها در این مجال نیست، اما به صورت مختصر به برخی از نکاتی که مؤمنان و منتظران ظهور باید به آنها توجه کنند و در آیات و روایات ما آمده است اشاره می شود:

1. حلال خوری

مهمترین مطلبی که همگان و به ویژه منتظران حضرت مهدی باید به آن عنایت کنند توجه به حلال بودن غذای مورد مصرف است. در همین راستا خاستگاه کسب طعام و غذا حتماً باید از راههای مشروع و از همان طریقی باشد که پروردگار هستی خواسته است. بارها خداوند متعال در قرآن کریم خوردن غذای حلال را از نشانه های صدق در عبودیت خود معرفی کرده و فرموده است: ((فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طَيِّباً وَ اشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ)) (3) و در جایی دیگر انگار که تغذیه حلال را مقدمه تقوای الهی- به عنوان مهمترین سفارش و راهبرد زندگی دینی و مهدوی در همه دورانها و به خصوص در آخرالزمان- معرفی نموده و می فرماید: ((وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طَيِّباً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذی أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ)). (4)
انبوهی از سخنان اهل بیت نیز بر این امر تأکید دارند و همین امر دقت

1- عبس/ 24.
2- منتخب الأنوار المضیئه فی ذکر القائم الحجه، ص195.
3- نحل/ 14.
4- مائده/ 88.

و توجه منتظران را بر مقوله کسب و کار دو چندان می کند و وی نمی تواند از هر طریقی به کسب اموال و مصرف آن بپردازد.

علاوه بر آن بایددر احکام اسلامی کیفیت استفاده از غذای به دست آمده نیز مورد توجه قرار گیرد. به عنوان نمونه اگر کسی گوسفندی را از راه حلال به دست آورده است برای استفاده حلال نیز باید آن را به همان صورتی که در شرع گفته شده است ذبح نماید. موارد دیگری همچون آغاز مصرف با بسم الله و نظایر آن وجود دارد که باید به کتابها و رساله های مربوط مراجعه کرد.

2. طیب خوری

در آیات پیشینی که مربوط به بحث غذای حلال بود به خصوصیت دیگری به نام طیب بودن طعام بر می خوریم که آن نیز به جهت در کنار حلال قرار گرفتن، فوق العاده حائز اهمیت است. یکی از مطالبی که در فهم این آیات مؤثر است درک دقیق واژه طیب است که متأسفانه به خاطر دشواری ترجمه دقیق آن معمولاً در ترجمه های موجود گاهی آن را به حلال بودن و زمانی آن را به پاک بودن معنا می کنند در حالی که این ترجمه دقیق و گویا نیست. در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم که به صورت عالمانه و دقیقی به بررسی واژگان قرآنی پرداخته است در تبیین واژه طیب می گوید: «هو ما یکون مطلوبا لیس فیه قذاره ظاهرا و لا باطناً؛ (1)طیب به امر خواستنی و مطلوبی گفته می شود که آلودگی ظاهری و باطنی ندارد». بر پایه چنین تعریفی ترجمه «طیب» به «پاک» که معمولاً به آنچه که آلودگی ظاهری و مورد مشاهده ندارد اطلاق می شود ترجمه ناقصی است، زیرا چه بسا موادی که اگرچه از نظر ظاهری آلوده نیستند، اما از نظر باطنی آلوده هستند. درست مثل سیگار یا نوشابه های کنونی که در عین گوارایی ظاهری، ضررهای فراوانی برای آنها اثبات شده است. بدیهی است که منتظران ظهور حکومت مهدوی و استقرار حاکمیت قرآن و دین در جهان از این گونه مواد دوری می کنند.

1- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج 7، ص 151.

گفتار پنجم. لباس و پوشش

اشاره

لباس و پوشش امروزه از موضوعات مهمی است که مورد توجه جهانیان قرار گرفته و اتفاقاً به عنوان بخشی از سبک زندگی از کارکردهای ویژه ای نیز برخوردار است. بدون تردید منتظران مهدی موعود نیز باید در این زمینه برآگاهی های خود افزوده و لباسی را انتخاب کنند که مناسب با فرهنگ انتظار باشد. بر همین اساس برخی از مهمترین معیارهای انتخاب پوشش منتظران را به این شرح می توان برشمرد:

1. تقوای الهی در پوشش

از مهمترین ویژگیهای منتظران ظهور که در اعمال و رفتار آنها کاملاً نمایان است تقواپیشگی و خدامحوری ایشان است، زیرا ایشان همواره این سفارش راهبردی معصومین را مد نظر داشته و این کلام امام صادق را نصب العین خود نموده اند که: « من سره أن یکون من أصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع». (1) چنین تقوایی حتی در زمینه لباس و پوشش نیز خود را نشان می دهد، زیرا آنهایی که در مکتب قرآن تربیت شده اند وقتی به این آموزه قرآنی می رسند که: «یا بَنی آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَیْکُمْ لِباساً یُوارِی سَوْآتِکُمْ وَ ریشاً وَ لِباسُ التَّقْوی ذلِکَ خَیْرٌ ذلِکَ مِنْ آیاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ» (2) اگرچه باید به لباس ظاهر اهمیت داد و لکن بهترین لباسی که هم حافظ ما از خطرات و هم عامل عیب پوشی و هم سبب زیبایی معنوی است همانا تقوای الهی می باشد. همین امر سبب می شود تا مؤمنان منتظر بیش از هر چیز به کسب لباس تقوا و مزین شدن به آن مبادرت ورزند.

2. در نظر گرفتن شرایط زمانی و عدم شهرت لباس

یکی از آموزه های اسلام درباره لباس مؤمنان، در نظر گرفتن شرایط زمانه از لحاظ اقتصاد عموم مردم برای انتخاب نوع پوشش است. شخصی به نام حماد بن عثمان می گوید:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مردی به وی عرض کرد: شما فرمودی که علی بن

1- غیبت نعمانی، ص 200.
2- اعراف/ 26.

ابی طالب علیه السلام لباس زبر و خشن در بر می کرد و پیراهن چهار درهمی می پوشید و سخنانی همانند آنها، در حالی که بر تن شما لباس نو می بینیم. امام صادق به او فرمود: «إن علی بن أبی طالب كان یلبس ذلک فی زمان لا ینكر علیه و لو لبس مثل ذلک الیوم شهر به فخیر لباس كل زمان لباس أهله غیر أن قائمنا أهل البیت إذا قام لبس ثیاب علی و سار بسیره علی؛ (1) علی ابن ابی طالب علیه السلام آن لباسها را در زمانی می پوشید که مورد تنفر و انکار نبود، اما اگر آن لباس را این زمان می پوشید به بدی مشهور و انگشت نما می شد، پس بهترین لباس هر زمان، لباس مردم همان زمان است، ولی قائم ما اهل بیت علیهم السلام زمانی که قیام کند،(به دلیل آنکه زمامدار است و باید خود را در ردیف ضعیف ترین مردم قرار دهد) همان جامه علی علیه السلام را پوشیده و به روش علی علیه السلامرفتار می کند».

این خود نکته بسیار مهمی است که شخص منتظر نباید به تصور جلب رضایت امام زمان، خود را به گونه ای بیاراید که مردم تصور فقر و بیچارگی در مورد او کنند، بلکه باید همسان با عموم پوشش جامعه لباس خود را برگزیند. علاوه بر آن وی باید حد وسط را رعایت کند و از پوشیدن لباسی که زیبایی یا زشتی خیره کننده ای دارد بپرهیزد چرا که رسول خدا فرمود: «لباسی را که در زیبایی یا زشتی شهرت دارد نپوشید». (2)

3. در نظر گرفتن جنسیت و عدم شباهت لباس به جنس مخالف

معیار دیگری که متون دینی درباره لباس نسبت به آن حساسیت نشان داده اند در نظر گرفتن مختصات جنسیتی و عدم شباهت زن و مرد به یکدیگر است؛ کما اینکه حضرت امام صادق این امر را یکی از بلاها و آفات جامعه آخرالزمان معرفی کرده و در پاسخ به کسی که از او زمان قیام قائم آل محمد را پرسیده بود فرمود: «إِذَا تَشَبَّهَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ؛ (3)هنگامی که مردان خود را شبیه به زنان و زنان خود را به مردان شبیه می کنند». دوستداران حضرت ولیعصر نیز باید به این معیار مهم که آثار اجتماعی فراوانی دارد در انتخاب لباس و آراستگی خویش توجه زیادی داشته باشند.

1- کافی (ط - الإسلامیه)، ج 1، ص 411.

2- مفاتيح الحيات، ص 164.
3- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 335.

4. در نظر گرفتن توانایی مالی و عدم اسراف

یکی دیگر از موازینی که منتظران مؤمن باید در موضوع لباس در نظر بگیرند توانایی مالی و تهیه مالی است و همین امر باعث می شود تا به آسانی درباره دیگران قضاوت نادرست نکنند. در سخنان معصومین در این مورد نکات قابل توجهی وجود دارد. اسحاق بن عمار از امام صادق در باره مردی که صاحب اموال و اهل تجمل بوده و خود را به وسلیه لباسهای متعدد و زیبا آراسته می نموده پرسید که آیا این مرد اسراف گر است؟ و امام جواب فرمود که نه؛ زیرا خداوند متعال فرمود: « لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ؛ هر کس که زندگیش وسعت دارد بقدر توانایی خرج کند». (1) جالب اینجاست که در مورد دیگری که کاملاً برعکس و شخصی در مضیقه مالی بوده باز هم امام صادق با همین معیار جواب فرمودند. معاویه بن وهب می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گاهی انسان در قسمتی از عمرش ثروتمند است و لباس و سر و وضع او اعیانی است؛ بعدا ثروتش از دست می رود و وضعش عوض می گردد و از شماتت دشمن رنج می برد، برای خرید لباس که خود را بیاراید خویشتن را به سختی می افکند آیا جایز است ؟ ایشان این آیه را تلاوت فرمود ((يُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتاهُ اللَّهُ عَلَى قَدْرِ حَالِه))؛ (2) هر کس که زندگانیش وسعت دارد به مقدار وسعتش و هر کس روزیش تنگ است بقدری که خداوند به وی داده خرج کند،پس بر طبق حال و وضعیتش اقدام کند».

درباره بحث اسراف و عدم اسراف در لباس نکات دقیقی در احادیث امامان معصوم نظیر لزوم متفاوت بودن لباس درون و بیرون از خانه وجود دارد که همه شیعیان و منتظران برای یک زندگی خوب و امام زمان پسند باید در کتابهای مربوطه آنها را مطالعه و به آن پایبند باشند.

5. لحاظ حیا و عفاف

معیار مهم دیگری که بر بسیاری از شئونات و رفتار انسان مسلمان منتظر از جمله

1- کافی (ط - الإسلامیه)، ج 6، ص 443.

2- مكارم الأخلاق، ص 114.

انتخاب پوشش و لباس، تأثیر خود را نشان می دهد موضوع حیا و عفاف است که اتفاقاً زن و مرد نمی شناسد و از معیارهای ایمان شمرده شده است به گونه ای که امام صادق فرمود: « لَا إِیمَانَ لِمَنْ لَا حَیَاءَ لَهُ». (1)اساساً شخص صاحب حیا و عفت در انتخاب لباس خود بسیار حساس بوده و پوشش خود را به گونه ای قرار نمی دهد که پرده حیا را بدرد و جامعه را به بحران بی عفتی - که مانع ظهور دولت مهدوی است- سوق دهد، بلکه وی در مسیر یاری امام خویش همواره این سخن امیرالمؤمنین را نصب العین خود قرار داده است که: «إِنَّ لِکُلِّ مَأْمُومٍ إِمَاماً یَقْتَدِی بِهِ وَ یَسْتَضِی ءُ بِنُورِ عِلْمِهِ...وَ إِنَّکُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَی ذَلِکَ وَ لَکِنْ أَعِینُونِی بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّهٍ وَ سَدَاد»؛ (2) و این گونه با عفت خویش در مسیر اصلاح خود و جامعه به وی کمک می کند. البته باید توجه کرد که بانوان به خاطر ویژگیهای خاص بدنی بیشتر مورد خطاب این صفت اخلاقی هستند تا جایی که امام زمان در دعای معروف اللهم ارزقنا توفیق الطاعه از خداوند می خواهد که: «وَ تَفَضَّلْ...َ عَلَی النِّسَاءِ بِالْحَیَاءِ وَ الْعِفَّه». (3)

6. در نظر گرفتن سن و سال

یکی دیگر از معیارهای قابل توجه در سبک زندگی منتظرانه و در موضوع پوشش توجه به شرایط سنی افراد هست. همان گونه که لباس کودکان با لباس بزرگسالان متفاوت است باید در پوشش و لباس جوان منتظر با شخص میانسال و احیاناً کهنسال فرق گذاشت و روحیات جوانی او را مادامی که به حریمهای الهی ورود پیدا نکند مد نظر قرار داد. در تاریخ زندگانی امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است که ایشان روزی از بازار می گذشت و بر در دکان جوانی ایستاد و فرمود: ای جوان دو پیراهن به ارزش پنج درهم داری؟ گفت: آری، حضرت دو پیراهن خرید یکی به دو درهم و دیگری به سه درهم، بعد به غلام خود قنبر فرمود: « ای قنبر! پیراهن سه درهمی را برای خود بردار، قنبر گفت: آقا برای شما این زیبنده تر است که باید به منبر بروید، و برای مردم حرف بزنید، حضرت فرمود: «أَنْتَ شَابٌّ

1- کافی (ط - الإسلامیه)، ج 2، ص 106.
2- نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص 417، نامه 45.
3- المصباح للکفعمی، ص 281.

وَ لَکَ شِرَّهُ الشَّبَاب؛ (1) تو جوانی و نشاط جوانی داری».

7. توجه به موقعیت جبهه حق و باطل

بارها در این نوشتار و در بحث جهادی بودن مقوله انتظار گفته شد که فضای عمومی حضور منتظران، فضای درگیری حق و باطل است و هر یک سعی در مغلوب کردن دیگری دارد. طبعاً یکی از رویکردهای اصلی جبهه باطل، رویکردی فرهنگی است که سردرمداران حق ستیز با ابزارهای فرهنگی که از جمله آنها پوشش و لباس است سعی در نفوذ و تضعیف جبهه حق با استفاده از پوششهایی با معیارهای خویش دارند. به همین خاطر باید همه کسانی که در جبهه حق قرار دارند بسیار مراقب باشند و درانتخاب لباس خود ارزشهای جریان حق و دیانت را در نظر بگیرند. به علت اهمیت بالای همین مطلب است که امام صادق علیه السلام فرمود:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِی وَ لَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِی وَ لَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِی فَيَكُونُوا أَعْدَائِی كَمَا هُمْ أَعْدَائِی؛ (2) خداوند عزوجل به یکی از انبیای خود وحی فرمود که به مؤمنان بگو که لباس دشمنانم را نپوشند و غذای دشمنانم را نخورند و به روش دشمنانم رفتار ننمایند زیرا در این صورت آنها نیز همانند دشمنانم دشمن من خواهد بود.

در سخن شریف دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که ایشان فرمودند:

لیس منّا من تشبّه بغیرنا. لا تشتبهوا بالیهود و النصاری؛ (3) کسی که خود را به غیر ما شبیه کند از ما نیست. خود را به یهود و نصارا شبیه مکنید.

این همه حساسیت و تأکید بر توجه به لباس که از ناحیه معصومین به ما رسیده است حکایت از تأثیرگذاری فوق العاده نوع پوشش و لباس بر باورها و سرنوشت ما دارد و جا دارد که همگان با دقت بیشتری نسبت به این امر درباره خود و فرزندان خود توجه کنند و همین امر مسئولیت مسئولان فرهنگی کشور امام زمانی ایران اسلامی را سنگین تر می کند.

1- مكارم الأخلاق، ص 101.
2- من لايحضره الفقيه، ج 1، ص 252.
3- الجامع الصحيح (صحيح ترمزى)، ج5، ص 56.

ص:143

فصل سوم. سبک زندگی منتظرانه در حوزه اجتماعی

اشاره

یکی دیگر از مؤلفه ها و حیطه های رفتاری سبک زندگی منتظرانه که اتفاقاً بسیار مهم است را می توان در حوزه اجتماع در نظر گرفت. اهمیت توجه به این حوزه از این جهت است که همان گونه که در قبل نیز اشاره شد بخش عمده ای از موانع ظهور حضرت مهدی به همین حوزه مربوط می شود، زیرا در بحث از زمینه سازی برای ظهور امام زمان، میل و رغبت عمومی به حکومت عدل مهدوی و داشتن افراد توانمند در حوزه اجتماع به عنوان دو عامل اصلی ایجاد زمینه سازی مطرح شده است و با توضیحاتی که در بعد می آید روشن خواهد شد که اصلاح در روش زندگی و متخلق شدن به سبک زندگی منتظرانه سهم زیادی در به وجود آمدن این دو زمینه مهم برای ظهور خواهند داشت. این مؤلفه ها در قالب گفتارهای ذیل قابل بیان است:

گفتار اول: در خانواده

اشاره

خانواده، به عنوان سلول یک جامعه یکی از مؤلفه های پر اهمیتی است که در صورت آراسته شدن به سبک زندگی مهدوی می تواند هم در مسیر گذر از زمانه محنت و پر خطر آخرالزمان و هم در فراهم آوردن زمینه های مردمی ظهور، نقش فوق العاده ای را ایفا نماید. در نظر گرفتن چنین جایگاه ویژه ای اساساً بدین خاطر است که «خانواده هر چند از نظر جمعیت، یک جامعه بسیار کوچک دانسته می شود اما اسلام به منظور سالم سازی جوامع بزرگ تر انسانی اهتمام ویژه ای به سلامت نهاد خانواده دارد. خانواده مهم ترین جایی است که در آن باورها و اعتقادات دینی، ارزش های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی از نسلی

به نسلی منتقل می شود. از طریق خانواده است که نسل بعدی با دنیای بیرونی آشنا می شوند، چگونگی معاشرت و روابط اجتماعی با دیگران را می آموزند و راه و رسم زندگی، اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی را فرا می گیرند». (1)این سخن بلند رسول اعظم است که فرمود:

مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُولَدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ اللَّذَانِ يُهَوِّدَانِهِ وَ يُنَصِّرَانِهِ وَ يُمَجِّسَانِه؛ (2)هر بچه ای، با فطرتی الهی به دنیا می آید و این پدر و مادر او هستند که که وی را یهودی، مسیحی یا مجوسی می کنند.

علاوه بر آنچه در اهمیت نهاد خانواده بیان شد یکی از نویسندگان از زاویه دیگری به موضوع نگریسته و معتقد است که خانواده محوری به عنوان یک راهبرد اصلی در عصر غیبت محسوب می شود. وی بعد از ذکر روایاتی مهدوی از امام صادق نظیر «و الزموا بیوتکم؛ (3)ملازم خانه های خود باشید» و همچنین«کونوا احلاس بیوتکم؛ (4)گلیم(ملازم) خانه های خود باشید» می گوید: از اینگونه روایات دو گونه برداشت می توان نمود:

1. توصیه به خانه نشینی به معنای جامعه گریزی،انزوا، بی تفاوتی و بی خبری نسبت به حوادث دوران غیبت.

2. توصیه به خانه محوری و سنگر قراردادن خانه ها و هوشیاری نسبت به حوادث دوران غیبت همراه با جامعه گرایی حکیمانه.

پر واضح است با توجه به سیره اهل بیت و با نگاهی به سایر وظایف ایمانی و انسانی یک مؤمن راستین مانند امر به معروف و نهی از منکر، تعاون در بر و نیکی ها، صله رحم، انجام اعمال حج و دستورات دینی مبنی بر حضور دراجتماعات مؤمنین و کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: «لا رهبانیه فی الاسلام»، معنای دوم و برداشت دوم مورد نظر ائمه اطهار علیه السلام می باشد؛... بنابراین تأکید و اصرار اهل بیت علیهم السلام بر ملازم خانه و خانواده بودن حاکی از توجه داشتن به اهمیت این نهاد بنیادین اجتماعی و فعال نگه داشتن آن و

1- همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، ص 234.
2- من لایحضره الفقیه، ج2، ص49.

3- غیبت نعمانی، ص 197.
4- همان.

تشکیل هسته های صالح و سالم برای تأسیس و تشکیل جامعه مهدوی است». (1)صرف نظر از صحت و سقم مستندات حدیثی که ایشان در اثبات مطلب خود ارائه داده است اصل این سخن قابل توجه بوده و توجه به خانواده در عصر غیبت یکی از بایسته های حتمی در حوزه سبک زندگی مهدوی است که با توجه به انواع روابط موجود در خانواده مثل رابطه بین زن و شوهر، رابطه بین والدین و فرزندان و رابطه فرزندان با همدیگر قابل تبیین است، اما آنچه در این بین مهم و محور سبک زندگی منتظرانه در خانواده های مهدوی است داشتن آرمان مشترکی به نام ظهور امام زمان و عشق سرشار نسبت به حضرت مهدی و تلاش برای آماده نمودن زمینه های ظهور ایشان است. با این نکته جلوه های مختلف سبک زندگی منتظرانه در خانواده به قرار ذیل است:

1. محوریت باورهای توحیدی و مهدوی

یکی از مبانی سبک زندگی مهدوی در حوزه خانواده آن است که از ابتدای تشکیل خانواده باید ارزشهای دینی و در رأس آن توحید و خدامحوری مد نظر دختر و پسر جوان عاشق امام زمان باشد؛ چرا که وقتی حضرت مهدی قیام می فرماید همین ارزشها را محور برنامه جهانی خود قرار می دهد و به فرموده امام صادق:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا یَبْقَی أَرْضٌ إِلَّا نُودِیَ فِیهَا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ؛ (2) هنگامی که حضرت قائم قیام نماید هیچ جایی نیست مگر آنکه در آن ندای لا اله الا الله و محمد رسول الله سر داده می شود.

بر همین اساس نباید زیبایی و ثروت و امثال آن ملاک انتخاب همسر در زندگی باشد، زیرا رسول اکرم فرمود:

مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَا یَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لِجَمَالِهَا لَمْ یَرَ فِیهَا مَا یُحِبُّ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَا یَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لَهُ وَکَلَهُ اللَّهُ إِلَیْهِ فَعَلَیْکُمْ بِذَاتِ الدِّینِ؛ (3)هر کس زنی را تنها به خاطر زیبایی او به ازدواج خویش درآورد آنچه را که دوست دارد نمی یابد و هر کس با زنی به خاطر مالش ازدواج کند خدا او

1- خانواده مهدوی، ص 37-38.
2- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 183.
3- وسائل الشیعه، ج 20، ص 50.

را به خودش واگذار می کند. پس بر شما باد بر (همسر) دین دار.

امام محوری نیز در ادمه بحث خدامحوری مطرح می شود و لازمه پذیرش توحید پذیرش امامت و ولایت معصومین که به تصریح آیه غدیر، کمال دین و تمامیت نعمت پروردگار به امامت پیشوایان معصوم و از جمله امام عصر مشروط شده است.

پس از تشکیل خانواده نیز قطعاً تنها با التزام به چنین پشتوانه عقیدتی و معنوی است که یک خانواده می تواند زمینه ساز ظهور حضرت مهدی باشد، زیرا این خانواده از مصادیق آیه «فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصال» (1) خواهد بود که قطعاً افرادی که در چنین مکان نورانی به ذکر و یاد خدا پرورش یابند از قابلیت بالایی برای یاری موعود اسلام برخوردار خواهند بود و در انتخاب مظاهر سبک زندگی همواره رضایت خدا و ولی خدا را بر خواسته خویش مقدم و از احکام الهی پیروی می کنند.

2. محوریت عقل و اندیشه

سبک زندگی مهدوی جلوه عینی و به روز بودن سبک زندگی دینی است، اما اصل زندگی دینی بر پایه اندیشه و تفکر بنا گذاشته شده است. چگونه چنین نباشد در حالی که از منظر دین، مهمترین باورهای دینی و اصول آن یعنی خدا و رسول و معاد را باید با عقل و نه تقلید کشف و قبول کرد؛ درست به همین دلیل است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بیانی اعجاز گونه فرمود: «إِنَّمَا یُدْرَکُ الْخَیْرُ کُلُّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِینَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛ (2)تمام خیر با عقل به دست می آید و کسی که اهل اندیشه نیست (در واقع) دین(درستی) ندارد». و چنین کسی مورد خطاب هشدار گونه قرآن کریم واقع می شود که: ((إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُکْمُ الَّذینَ لا یَعْقِلُون)). (3) زیرا در یک مقایسه تطبیقی این آیه با آیه: ((إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذینَ کَفَرُوا فَهُمْ لا یُؤْمِنُون))، (4) این نکته به دست می آید که اساس کفر و عدم ایمان به پروردگار، عدم به کار بستن فکر و اندیشه است.

1- نور/36.

2- تحف العقول، ص 54.
3- انفال/ 22.
4- انفال/ 55.

با همین منطق محکم است که وقتی حضرت ولی عصر برای اقامه دین در جهان قیام می کند سطح عقلانیت بشریت را بالا می برد به گونه ای که امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ یَدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ کَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُم؛ (1) وقتی قائم ما قیام نماید خداوند دست رحمتش را بر سر انسانها گذاشته و عقلهایشان را جمع (و متانت و) خردشان را کامل می کند.

حال که منزلت اندیشه و عقل را در فرهنگ دین دانستیم پر واضح است که این عنصر در خانواده منتظر امام زمان که قصد فراهم کردن زمینه های ظهور را دارد جایگاهی بس مهم -چه در تشکیل و چه در زندگی خانوادگی پس از آن- خواهد داشت و تربیت و پرورش فرزندان مهدوی در این خانواده تا حد زیادی به رعایت خردورزی در والدین مربوط می شود؛ به همین خاطر است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در سفارشی مهم پیرامون انتخاب همسر به این نکته تصریح فرمودند که:

إِیَّاکُمْ وَ تَزَوُّجَ الْحَمْقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدَهَا ضَیَاع؛ (2) بر حذر باشید از ازدواج با زن احمق زیرا مصاحبت با او بلا آفرین و فرزندانش تباه و بی فایده خواهند بود.

آری، اگر درباره انتظار و فضیلت زندگی بر محور آن بارها از جانب معصومین احادیث مختلفی به ما رسیده است خود این بزرگواران یکی از معیارهای انتظار حقیقی را اندیشه و تفکر مطرح نموده و امام سجاد علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَیْبَتِهِ الْقَائِلِینَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنْتَظِرِینَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ کُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَهِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَیْبَهُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَهِ الْمُشَاهَدَه؛ (3) مردم زمان غیبت او که معتقد بامامت او و هستند و منتظر ظهورش میباشند از مردم هر زمانی برترند زیرا خدای تبارک و تعالی عقل و فهم و معرفتی بآنها عطا کرده است که غیبت نزد آنها چون مشاهده است.

بنابراین توجه به عقل و دوری از امیال شخصی در سبک زندگی یک خانواده منتظر از اصول مهم این شیوه زندگی در روابط بین همسران و نیز فرزندان محسوب می شود.

1- کافی، ج 1، ص 25.
2- النوادر (للراوندی)، ص 13.
3- کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 320.

3. محوریت قسط و عدالت

مروری هر چند کوتاه بر احادیث مهدوی نشان دهنده آن است که بارزترین شعار حضرت مهدی شعار عدالت در سطح جهان خواهد بود که: «الْمَهْدِیُّ الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً». (1) بنابراین انتظار دولت او انتظار عدالت است و طبعاً خانواده مهدوی که آرزوی آنها درک چنان ایامی هست با الگو گیری از چشم انداز ظهور در بعد خانواده که امام صادق درباره آن فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ... لَیَدْخُلَنَّ عَلَیْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُیُوتِهِم»، (2) جلوه های عدالت را در زندگی خود به نمایش می گذارد. بدین صورت نه تنها زن و شوهر در بین خود عدالت را رعایت می کنند، بلکه در میان فرزندان خود نیز همواره تلاش می کنند تا این اصل کلیدی را نهادینه کنند، زیرا این هشدار پیامبر اسلام را جدی گرفته اند که: « اتّقوا اللّه و اعدلوا بین أولادکم». (3)

4. محوریت عشق و محبت

خانواده امام زمانی خانواده ای سرشار از محبت به معصومین و به خصوص حضرت مهدی است و اساساً نقطه محوری و کانون جذب و اتصال این خانواده عشق به حضرت حجت است. این دلدادگی همانند عنصر عدالت، هم در روابط عاطفی بین همسران خود را نشان می دهد و هم علاوه بر اینکه بر احساسات والدین بر فرزندان اثر فوق العاده ای دارد باعث می شود تا در مسیر زمینه سازی ظهور، همین عشق به امام که از ارکان اساسی ولایت مداری است را در وجود فرزندان خود نهادینه سازند و در مسیر تربیتی مهدوی به این سفارش نبی مکرم اسلام توجه می کنند که:

ادبّوا أولادکم علی ثلاث خصال: حبّ نبیّکم، و حبّ أهل بیته، و قراءه القرآن؛ (4) اولاد خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیتش، و قرائت قرآن.

1- کافی، ج 1، ص 338.
2- غیبت نعمانی، ص 297.
3- الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج 6، ص 613.

4- کنزالعمال، ج16، ص456، (به نقل از عشق برتر «راههای ایجاد محبت اهل بیت در کودکان و نوجوانان»؛ جواد محدثی.

چنین محبتی خود معیار روابطی در خانواده نیز هست و باعث می شود که از ابراز محبتهایی که باعث لغزش در مسیر عبودیت و بندگی خداوند متعال نیز می شود جلوگیری کند، زیرا چنین خانواده ای در مکتب تربیتی قرآن آموخته اند که: ((قُلْ إِنْ کانَ آباؤُکُمْ وَ أَبْناؤُکُمْ وَ إِخْوانُکُمْ وَ أَزْواجُکُمْ وَ عَشیرَتُکُمْ وَ أَمْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَهٌ تَخْشَوْنَ کَسادَها وَ مَساکِنُ تَرْضَوْنَها أَحَبَّ إِلَیْکُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ فی سَبیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّی یَأْتِیَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقینَ)). (1) و عشق و محبت خود را با جنین معیاری تنظیم می کنند تا خللی به تکالیفشان وارد نشود.

5. مسئولیت محوری و رعایت حقوق همسر و فرزند

از جمله نمودهای سبک زندگی یک خانواده مهدوی تعهد و احساس مسئولیتی است که هر یک از اعضا نسبت به سایر افراد خانواده دارد و این حس تعهد در روابط خانوادگی خود را نشان می دهد به گونه ای که همگان این عنصر را در افراد خانواده مهدوی ملاحظه می کنند. دلیل چنین عنصری را باید در فرهنگ قرآن و مهدویت جستجو کرد، زیرا از یک سو قرآن با فرمان: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلیکُمْ..» (2)وظایف خانوداگی ما را مشخص می کند و از سویی دیگر نیز: «مهدویت یعنی احساس مسئولیت بین المللی و جهانی نسبت به انسان امروز و فردا و دغدغه اصلاح بشریت داشتن، رنج بشریت را احساس نمودن و از قالب «من» در آمدن و به «ما» اندیشیدن و به عبارت ساده تر، مهدویت یعنی طرحی جهانی برای شکوفایی انسانیت؛ بر این اساس ارتباطی تنگاتنگ بین فرهنگ و ایده مهدویت و انسجام، استحکام، اصالت و رسالت خانواده وجود دارد، چرا که یکی از مهمترین اهداف ازدواج مسئولیت پذیری نسبت به نسل آینده با تشکیل خانواده، تربیت نسل آینده، بسترسازی و ایجاد کانون پذیرایی برای نسل آینده همراه با سعادت، سلامت، عدالت، امنیت و دیانت است». (3) با توجه به چنین نکاتی است که اگر کسی می خواهد خود و فرزندانش را مسئولیت پذیر بار آورد و تربیت نماید باید به ترویج فرهنگ

1- توبه/ 24.
2- تحریم/ 6.
3- خانواده مهدوی، ص 91.

امامت و مهدویت در خانواده همت گذارد تا حس منفعت طلبی و خودخواهی را که منشأ بی مسئولیتی است درمان کند، زیرا وقتی سلیمان بن خالد به امام صادق عرض کرد: «من خانواده ای دارم که حرفم را گوش می دهند؛ آیا آنها را به این امر (ولایت ائمه) دعوت کنم؟ ایشان فرمود: بله؛ خداوند عزوجل می فرماید: یا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَةُ؛ ای مومنان! خود و خانواده را از آتشی آتش گیره آن انسانها و سنگها هستند، حفظ کنید». (1)

6. توجه به قابلیتهای زنانه و مردانه

مروری اجمالی بر سبکهای موجود زندگی گواه آن است که در نظر گرفتن جنسیتها در تدوین هر نوع از سبک زندگی فوق العاده مهم و موثر است. به عنوان نمونه در بحث لباس و پوشش چه در کیفیت دوخت و یا رنگ و غیره و در موضوع عطر و ادکلن و مواردی از این قبیل که آن را به مردانه و زنانه تقسیم می کنند به صورت روشن این معیار را می توان مشاهده کرد. آیین اسلام به عنوان پشتوانه اساسی فرهنگ انتظار نیز به این مقوله توجه کرده است، اما آن را تنها محدود به پوشش نمی داند. در بحث خانواده که یک خانواده مهدوی نیز باید بدان توجه کند نیز تفاوتهای جنسیتی به منظور رعایت عدالت کامل زن و مرد و توانایی های هر یک کارویژه های اختصاصی- علاوه بر وظایف مشترک- به هر کدام سپرده شده است، زیرا بر اساس اصل «لا تُمَلِّكِ المَرأَةَ أَمرَها ما جاوَزَ نَفسَها فَإِنَّ المَرأَةَ رَيحانَةٌ و لَيسَت بِقَهرَمانَةٍ؛ به زن، کاری که در توانش نیست مده، زیرا او گُل است نه قهرمان» (2) باید به هر یک از زن و مرد تکالیفی که در توانشان است واگذار کرد.

در الگوی سبک زندگی خانواده منتظر امام زمان نیز همین اصل باید به شدت مراعات شود؛ بنابراین وقتی ما انتظار را- همان گونه که قبلاً ثابت کردیم- از مقوله جهاد می دانیم، اما باید جهاد زن و مرد را با در نظر گرفتن تناسب روحیات و استعدادهای آن دو تبیین نماییم؛ کما اینکه اسلام نیز به همین روش عمل کرده است؛ این آیین جامع،

1- تحریم/ 6.
2- نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص 405، نامه 31.

کارهای سخت و کسب درآمد برای خانواده را بر عهده مرد قرار داده و آن را به مثابه جهاد تلقی نموده است؛ کما اینکه امام صادق فرمود:

«إِذَا كَانَ الرَّجُلُ مُعْسِراً فَيَعْمَلُ بِقَدْرِ مَا يَقُوتُ بِهِ نَفْسَهُ وَ أَهْلَهُ وَ لَا يَطْلُبُ حَرَاماً فَهُوَ كَالْمُجَاهِدِ فِی سَبِيلِ اللَّهِ». (1)

از آن طرف نیز مصداق جهاد زن را نیز بیان کرده و فرمود: «جهاد المرأه حسن التبعل؛ جهاد زن شوهرداری نیکو است». آری! خانواده مهدوی خانواده ای است که با روحیه جهادی رفتار می کند، اما قالبها و مصادیقی که مربوط به خود است را ابتدا شناسایی و سپس شجاعانه بر مبانی آن عمل می نماید.

البته باید توجه کرد که در نظر گرفتن جنسیت فقط مربوط به روابط زن و شوهر نمی شود و در رابطه با ارتباط والدین با فرزندان نیز باید به این اصل توجه کرد؛ کما اینکه اسلام پس از دستور به رعایت عدالت به فرزندان دستور توجه بیشتر به دختران را داده است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ساووا بین اولادکم فی العطیه فلو کنت مفضلاً لفضلت النساء؛ (2)در هدیه دادن به فرزندانتان مساوات را رعایت کنید به راستی که اگر من کسی را می خواستم برتری دهم بی شک آنها، زنها (و دخترها) بودند.

گفتار دوم: در جامعه

اشاره

بعد اجتماعی دیگری که پس از خانواده در سبک زندگی منتظرانه باید مورد بررسی قرار گرفته و معیارهای آن برای ارائه الگویی صحیح به منتظران عرضه شود، تعاملات اجتماعی منتظران است. توجه به روابط اجتماعی همواره در اسلام مد نظر بوده است، زیرا به گفته امام صادق علیه السلام:

إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنَّ أَحَداً لَا يَسْتَغْنِی عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ وَ النَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ؛ (3) شما ناچارید که با مردم ارتباط داشته باشید؛ زیرا هر کسی در طول حیات خود

1- کافی، ج 5، ص 88.
2- نهج الفصاحه، ص 519.
3- کافی، ج 2، ص 635.

به مردم نیازمند است و مردم به یکدیگر وابسته هستند.

فطری بودن این امر باعث شده است تا اسلام به عنوان آیین فطرت در ارائه برنامه خود به بشریت این خصوصیت را در نظر داشته باشد و خطابهای مکرر «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» بهترین دلیل بر این مطلب است؛ همین امر سبب شده است تا مفسر بزرگ قرآن، علامه طباطبایی تصریح کند که:

اسلام همه احکام خود را در قالب اجتماع ریخته و روح اجتماع را در همه این احکام تا آخرین حد ممکن دمیده است. (1)

در جریان غیبت و ظهور امام زمان نیز جایگاه و موقعیت جامعه قابل توجه است، زیرا هم در بررسی علل غیبت امام عصر، فقدان رشد جامعه در پذیرش ولایت امام معصوم و تنها ماندن و خوف قتل وی از جمله دلایل غیبت شمرده شده است و هم در مسیر زمینه سازی برای ظهور حضرت ولیعصر و بهره بشریت از برکات وی با خطاب قرآنی «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ» (2) مواجه می شویم. علاوه بر آن توجه به موضوع امامت و حکومت مهدوی به سادگی از جنس اجتماع بودن مهدویت را ثابت می کند و همین امر سخن از شیوه و سبک زندگی مطلوبی که مورد رضایت حضرت بقیه الله بوده و بسترهای اجتماعی ظهور وی را فراهم می کند را دو چندان می کند. البته بحث از رابطه با جامعه در سبک زندگی منتظرانه را از دو منظر رابطه با افراد جامعه و رابطه با خود جامعه به مثابه یک فرد مجموعی متشکل از حکومت، حاکم و قوانین جاری در جامعه می توان مورد کنکاش قرار داد که ما در این گفتار به بایسته های سبک اجتماعی سبک زندگی منتظرانه در روابط با افراد جامعه پرداخته و بحث از رابطه از نوع دوم را در گفتار بعد بیان خواهیم نمود.

1. دعوت و ایجاد رغبت به سوی امام زمان

از بارزترین ویژگیهای سبک زندگی منتظرانه در جامعه را می توان دعوت مردم به سمت امام زمان و توجه به او برشمرد تا بدین وسیله شوق عمومی را به حضرت مهدی

1- روابط اجتماعی در اسلام، ص 10.
2- اعراف/ 96.

برانگیخت که این، خود بخشی از زمینه سازی برای ظهور وی به عنوان یکی از امتیازات این نوع از سبک زندگی است. این جلب توجه عمومی از راههای مختلفی می تواند صورت گیرد؛ به عنوان نمونه می توان در زمانهای منسوب به حضرت مهدی مانند روز جمعه، نیمه شعبان و نهم ربیع الاول، برنامه های ویژه برای عموم همانند برگزاری مجالس امام زمانی در قالبهای مختلف و نشاط آفرین و جذاب را تدارک دید. امام هادی در بیان خصوصیت ممتاز عالمان دینی در عصر غیبت، همین معیار مذکور یعنی دعوت به سوی امام عصر را ذکر نموده و می فرمایند:

لَوْ لَا مَنْ یَبْقَی بَعْدَ غَیْبَهِ قَائِمِکُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِینَ إِلَیْهِ وَ الدَّالِّینَ عَلَیْهِ،...َمَا بَقِیَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِینِ اللَّهِ؛ (1) اگر بعد از غیبت امام قائم عالمانی نبودند که دعوت کننده به سوی او بوده و مردم را به سوی او راهنمایی می کردند، همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتدّ می شدند.

بدیهی است که این امر مخصوص عالمان دینی نیست، بلکه هر کسی به میزان توانایی های خود می تواند در ایجاد رغبت به سوی حضرت ولی عصر سهمی داشته باشد حتی به اندازه گذاشتن یک سخنرانی یا سرود مهدوی در اتومبیل و تاکسی. البته پیشوایان دین بر صالح بودن اعمال و رفتار بیش از هر چیز دیگر از امر دعوت و تبلیغ تأکید داشته اند و بارها فرمودند که:

کُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَیْرِ أَلْسِنَتِکُمْ لِیَرَوْا مِنْکُمُ الْوَرَعَ وَ الاِجْتِهَادَ وَ الصَّلَاهَ وَ الْخَیْرَ فَإِنَّ ذَلِکَ دَاعِیَه؛ (2)مردم را با غیر زبانهایتان دعوت کنید به طوری که از شما خداترسی و تلاش و نماز و امور خیر را ببینند که آنها دعوت کننده هستند.

2. ترغیب دیگران به اصلاح جامعه

ویژگی دیگری که در سبک زندگی منتظرانه قابل مشاهده است تشویق دیگران به واکنش در قبال ناهنجاریهای جامعه و اصلاح آن به منظور فراهم کردن زمینه های اجتماعی ظهور است. بدیهی است که«مهدی یاوران نه تنها خود روحیه اصلاح گری دارند،

1- التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكرى، ص 345.
2- كافى، ج 2، ص78.

بلکه دیگران را نیز به این امر دعوت می کنند تا همگی زمینه را برای ظهور حضرتش فراهم کنند». (1) این خصوصیت در سبک زندگی یک منتظر خود را با چهره امر به معروف و نهی از منکر نشان می دهد که از جمله اوصاف یاران امام زمان نیز شمرده شده است. اگر فردی بتواند با منش خود، امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه خود، تبدیل به فرهنگ و سبک زندگی نماید آن وقت است که چنین جامعه ای مورد خطاب تحسین آمیز قرآن قرار خواهد گرفت که: ((کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ)) (2)و قطعاً گام بلندی را در راستای تشکیل حکومت جهانی به رهبری حضرت مهدی خواهد برداشت.

نکته تکمیل کننده آنکه اگر بارها در این نوشتار انتظار از جنس جهاد معرفی شده است، امر به معروف و نهی از منکر به تصریح معصومین از شعبه های جهاد معرفی شده است؛ کما اینکه امیرالمؤمنین در این باره فرمود:

الْجِهَادُ عَلَی أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَی الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ...فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ مَنْ نَهَی عَنِ الْمُنْکَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ الْفَاسِقِینَ؛ (3)جهاد چهار شعبه دارد: امر به معروف و نهی از منکر و... پس هر که امر به معروف کند، مؤمن را یاری کرده و پشتش را محکم نموده، و هر که نهی از منکر کند، بینی فاسقان را به خاک مالیده است.

3. خوش خلقی، خیرخواهی و دلسوزی

معیار دیگری که برای سبک زندگی منتظرانه وجود دارد داشتن رفتارهایی برخاسته از روحیه نصیحت و خیرخواهی نسبت به دیگر دوستداران امام زمان است، زیرا کسی که خود را در جبهه انتظار و در صف درگیری با اهل باطل می بیند به همه هم سنگریهایش مهربان است؛ از همین رو در بسیاری از احادیث مهدوی، امامان معصوم بر این نکته اشارات مختلفی داشته اند. به عنوان مثال امام رضا در سخنی می فرماید:

مَنْ مَاتَ لَا یَعْرِفُهُمْ وَ لَا یَتَوَلَّاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً وَ أَنَّ مِنْ

1- مجموعه مقالات دهمین دکترین مهدویت، ج 3،ص 330، مقاله سبک اخلاق اجتماعی مهدی یاوران.
2- آل عمران/ 110.
3- کافی، ج 2، ص 51.

دِینِهِمُ... حُسْنَ الصُّحْبَهِ وَ حُسْنَ الْجِوَارِ وَ بَذْلَ الْمَعْرُوفِ وَ کَفَّ الْأَذَی وَ بَسْطَ الْوَجْهِ وَ النَّصِیحَهَ وَ الرَّحْمَهَ لِلْمُؤْمِنِین؛ (1) هر که آنها(امامان) را به نام خود و پدرانشان نشناسد، و ولایت (و رهبری) آنها را نپذیرد و بمیرد به روش جاهلیت مرده، و از (برنامه های) دین آنها: ... حسن مجالست، و خوش همسایگی، احسان، بی آزاری، گشاده روئی، خیرخواهی، ترحم به حال مؤمنان است.

همچنین در کتابهای حدیثی آمده است که یکی از اصحاب امام باقر می گوید: « با جماعتی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدیم و عرض کردیم: یا ابن رسول اللّه ما عازم عراق هستیم، بما سفارشی فرما. امام علیه السلام فرمود:

لِیُقَوِّ شَدِیدُکُمْ ضَعِیفَکُمْ وَ لْیَعُدْ غَنِیُّکُمْ عَلَی فَقِیرِکُمْ وَ لَا تَبُثُّوا سِرَّنَا... وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْمُنْتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ؛ (2) باید توانای شما به ناتوانتان کمک کند و ثروتمندتان به فقیرتان احسان نماید و راز ما را فاش نکنید... و بدانید برای کسی که انتظار این امر (ظهور امام قائم) را دارد، مانند اجر روزه دار شب زنده دار است.

بدین گونه منتظر حضرت ولیعصر پیش از آنکه به دنبال آسایش و منافع شخصی خود باشد از منشی در زندگی تبعیت می کند که در آن راحتی دوستداران امام زمان را بر راحتی خود مقدم می دارد.

4. دوستی با دوستان حضرت و دشمنی با دشمنان وی

از جلوه های بسیار مهم و جذاب سبک زندگی مهدویون، محبت و رحمت با محبان امام زمان و بغض و شدت با دشمنان ایشان است. چرا که آنها تربیت شدگان مدرسه قرآنی «وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُم» (3)و پرورش یافتگان مکتب عاشورایی«إِنِّی سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَه» (4) هستند و در ارتباطهای دوستانه و دشمنانه خویش با دیگران، محبت به امام را معیار کشش های قبلی خود قرار می دهند و در جبهه درگیری حق با باطل حتی اگر کوتاهی یا کم لطفی هایی از برخی دوستان خود

1- تحف العقول، ص 416.
2- کافی، ج 2، ص 222.
3- فتح/29.
4- کامل الزيارات، ص 176.

مشاهده کنند این طور نیست که رهایشان کنند و سربازان جبهه باطل را هرچند به آنها لبخند زنند در آغوش گیرند. ایشان همانهایی هستند که مدال پر افتخار طوبی را از امام کاظم دریافت می کنند که فرمود:

طُوبَی لِشِیعَتِنَا الْمُتَمَسِّکِینَ بِحُبِّنَا فِی غَیْبَهِ قَائِمِنَا الثَّابِتِینَ عَلَی مُوَالاتِنَا وَ الْبَرَاءَهِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِکَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَئِمَّهً فَرَضِینَا بِهِمْ شِیعَهً فَطُوبَی لَهُمْ ثُمَّ طُوبَی لَهُمْ هُمْ وَ اللَّهِ مَعَنَا فِی دَرَجَتِنَا یَوْمَ الْقِیَامَهِ؛ (1) خوشا بر احوال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته محبت ما تمسّک کرد و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما ثابت قدم هستند، آنها از ما و ما از آنهائیم، ایشان ما را به امامت و ما نیز آنان را به عنوان شیعه پذیرفته ایم. پس خوشا به حال آنها و خوشا بر احوال آنها؛ به خدا سوگند آنان در روز قیامت با ما هم درجه هستند.

5. استقامت و صبر اجتماعی

عصر غیبت امام عصر به تصریح آیات و روایات مهدوی زمانه آمیخته با مشکلات و سختیهاست و دین داری در این دوران بسیار مشکل است. از همین رو پیشوایان معصوم این مطلب را پیش بینی و راهبرد صبر را به شیعیان سفارش کردند؛ امام حسین در همین زمینه فرمود:

مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِیّاً أَوَّلُهُمْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِی وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ یُحْیِی اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ یُظْهِرُ بِهِ دِیْنَ الْحَقِّ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ لَهُ غَیْبَهٌ یَرْتَدُّ فِیهَا أَقْوَامٌ وَ یَثْبُتُ فِیهَا عَلَی الدِّینِ آخَرُونَ فَیُؤْذَوْنَ وَ یُقَالُ لَهُمْ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ أَمَا إِنَّ الصَّابِرَ فِی غَیْبَتِهِ عَلَی الْأَذَی وَ التَّکْذِیبِ بِمَنْزِلَهِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّیْفِ بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ؛ (2) از ما خاندان دوازده مهدیّ خواهد بود که اوّلین آنها امیر المؤمنین علیّ بن أبی طالب است و آخرین آنها نهمین از فرزندان من است و او امام قائم به حقّ است و خدای تعالی زمین را به واسطه او پس از موت زنده کند و دین حقّ را به دست او بر همه ادیان چیره نماید؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید. او را غیبتی است که اقوامی در آن مرتدّ

1- کفایه الأثر، ص 270.

2- كمال الدين و تمام النعمه، ج 1، ص 317.

شوند و دیگرانی در آن پابرجا باشند و اذیّت شوند و به آنها بگویند: اگر راست می گوئید این وعده چه وقت عملی شود؟ بدانید کسی که در دوران غیبت او بر آزار و تکذیب صابر باشد مانند مجاهدی است که با شمشیر پیشاروی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مجاهده کرده است.

بنابراین حدیث و روایات دیگر از جمله ویژگی مهم برای کسانی که به سبک زندگی منتظرانه مزین شده اند صبر و استقامت در امور است؛ اما این استقامت فقط در جنبه فردی خلاصه نمی شود، بلکه بعد دیگری از آن تحت عنوان صبر اجتماعی و گروهی وجود دارد که معمولاً کمتر به آن توجه می شود و اتفاقاً در بحث ما بسیار مهم است. مراد از صبر اجتماعی نیز استقامت در اموری است که به صورت جمعی و همراه با دیگران صورت می گیرد. مثلاً اگر در جامعه منتظر باید تکلیفی اجتماعی انجام شود و یا در مقابل فشارها و مشکلاتی جامعه باید مقاومت کند به چنین مقاومتی صبر اجتماعی گفته می شود. شاید یکی از بهترین آیات مهدوی که بیانگر این نوع صبر است آیه: «اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُون» (1) که امام باقر درباره آن فرمود: «اصْبِرُوا عَلَى أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رابِطُوا إِمَامَكُمُ الْمُنْتَظَرَ؛ (2)در انجام واجبات صبر کرده و همدیگر را در مقابل دشمنتان به صبر بدارید و پیوند و مراقب با امام منتظر خود باشید». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه نکاتی را تذکر داده و بیان نمودند:

منظور از آن(اصبروا) صبر تک تک افراد است، چون دنبالش همین صبر را به صیغه مفاعله- صابروا آورده که در مواردی استعمال می شود که ماده فعل بین دو طرف تحقق می یابد. و مصابره عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست دست به دست هم دهد و تاثیر صبر بیشتر گردد و این معنا امری است که هم در فرد (اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته شود) محسوس است و هم در اجتماع (اگر نسبت به حال اجتماع و تعاون او در نظر گرفته شود) چون باعث می شود که تک تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و

1- آل عمران/ 200.

2- غیبت نعمانی، ص 199.

همه نیروها یکی شود...؛ (وَ رابِطُوا) مرابطه از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد و مرابطه عبارت است از همین وصل کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شدائد، بلکه همه نیروها و کارها، در جمیع شؤون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی. (1)

آنگاه ایشان در ذیل همین آیه بحث مفصل و زیبایی را با موضوع روابط اجتماعی در اسلام و مقایسه آن با آنچه در غرب می گذرد ارائه داده اند که حتماً مطالعه آن مفید و جذاب خواهد بود؛ اما آنچه مناسب این نوشتار است توجه به همین نکته کلیدی است؛ کما اینکه با تأمل در برخی از روایات مهدوی این صبر دیگر گروهی را نیز می توان یافت؛ به عنوان نمونه وقتی رسول اعظم در فضیلت منتظران صبور می فرماید: «طُوبَی لِلصَّابِرِینَ فِی غَیْبَتِهِ طُوبَی لِلْمُتَّقِینَ عَلَی مَحَجَّتِهِمْ أُولَئِکَ وَصَفَهُمْ اللَّهُ فِی کِتَابِهِ وَ قَالَ «الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ» وَ قَالَ «أُولَئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، (2) مستندات قرآن ارائه شده توسط ایشان به ویژه در آیه حزب الله، به روشنی گواه بر آن است که مراد از صابرین در ابتدای کلام ایشان تنها به تک تک افراد خلاصه نمی شود، بلکه این صابران به صورت حزب و گروه الهی مطرح هستند و طبعاً صبر آنها، صبر جمعی است.

گفتار سوم. در روابط با حاکم و حکومت اسلامی

اشاره

پس از روشن شدن جایگاه اجتماع و اهمیت نوع تعامل با آن و بعد از فراغت از بررسی نوع ارتباط با خانوده و نیز آحاد یا مجموعه جامعه در دو گفتار قبل، آخرین ویژگی که در سبک زندگی منتظرانه در حوزه اجتماعی هر چند به صورت مختصر قابل طرح است نوع تعامل و ارتباط انسان منتظر با حاکم اسلامی یا به اصطلاح همان ولی فقیه و نیز نظام اسلامی مستقر در کشور است. اما قبل از آنکه وارد سبک رابطه با آنها شویم ابتدا باید جایگاه ولی فقیه و حاکم اسلامی در مکتب اهل بیت دانسته شود و آنگاه به تبیین نوع تعامل با آن پرداخت.

1- ترجمه الميزان، ج 4، ص143- 144.
2- كفايه الأثر، ص 60.

مطلب مهمی که طرح آن در اینجا ضروری است آن است که حاکم اسلامی در لسان روایات کسی است که نه تنها از دین آگاهی داشته باشد، بلکه خود نیز اسلام شناس و دارای قدرت استنباط و به اصطلاح امروزی توان اجتهاد و یافتن احکام دین در مورد موضوعات مختلف را داشته باشد. این چنین کسی جانشین و نایب امام بوده و همه وظایفی که ما در قبال امام داریم در قبال نائب او نیز داریم. در این زمینه احادیث زیادی از ائمه معصومین به ما رسیده است از جمله آنکه امام صادق در ضمن سخنی فرمود:

مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَارْضَوْا بِهِ حَكَماً فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِماً فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا بِحُكْمِ اللَّهِ قَدِ اسْتَخَفَّ وَ عَلَيْنَا رَدَّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشِّرْكِ بِاللَّهِ؛ (1) هر کس از شما که سخن ما را روایت کند و در حلال و حرام ما دقت کرده و دستورات ما را بشناسد باید او را به عنوان حکم بپذیرند زیرا من او را حاکم شما قرار دادم ؛ اگر طبق دستور ما حکم داد و یکی از آنها از او نپذیرفت همانا حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است و آنکه ما را رد کند خدا را رد کرده و این در مرز شرک بخدا است.

همچنین از خود حضرت ولیعصر نیز نقل شده است که ایشان فرمود:

أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِم؛ (2) در پیشامدهای روزگار به راویان سخن ما (عالمان دین) مراجعه کنید که همانا ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها هستم.

این سخنان و احادیث دیگری از معصومین که در این باره صادر شده است به خوبی جایگاه عالم دینی که در رأس حکومت قرار گرفته است را روشن می کند. مضافاً بر آنکه حتی اگر این روایات به دست ما نمی رسید با توجه به جبهه درگیری حق و باطلی که طرفداران باطل به صورت سازماندهی شده و دولتی اقدام به تهاجم همه جانبه به حق مداران می کند هر عقل سلیمی، حکم به تشکیل حکومت با محوریت حاکم اسلام شناس می نمود.

1- کافی، ج 7، ص 412.
2- وسائل الشیعه، ج 27، ص 131.

حال که جایگاه حاکم و ولی فقیه در اسلام مشخص شد به ذکر ویژگیهای سبک زندگی منتظرانه یک انسان دوستدار امام زمان در حیطه رفتار اجتماعی با حاکم دینی می پردازیم.

1. خیر خواهی با حاکم و حکومت اسلامی

از جلوه های مهم سبک زندگی منتظرانه در ارتباط با حاکم اسلام را بر طبق بعضی از احادیث در نصیحت او می توان دانست. در اینکه معنای نصحیت چیست در برخی روایات گاهی نصیحت در مقابل عداوت و دشمنی (1) و گاهی در برابر غش و ناخالصی (2) به کار رفته است و شاید بتوان قدر جامع آن را در واژه خیرخواهی معنا نمود؛ کما اینکه برخی لغویون نیز همین ترجمه را برگزیده اند. (3)

متعلق نصیحت در روایات به موضوعات مختلفی تعلق گرفته است که یک از آنها امام و رهبر جامعه است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد خیف برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: نَضَّرَ اللَّهُ عَبْداً سَمِعَ مَقَالَتِی فَوَعَاهَا وَ حَفِظَهَا وَ بَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَرُبَّ حَامِلِ فِقْهٍ غَيْرُ فَقِيهٍ وَ رُبَّ حَامِلِ فِقْهٍ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ثَلَاثٌ لَا يُغِلُّ عَلَيْهِنَ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللُّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ؛ (4)خدا شاد کند بنده ای را که سخن مرا بشنود و حفظ کند و به افرادی که نشنیده اند برساند، چه بسا حامل و رساننده علمی که خود دانا نیست و چه بسا حامل علمی که به داناتر از خود رساند. سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت نورزد: خالص نمودن عمل برای خدا و خیرخواهی برای پیشوایان مسلمین و همراهی با جماعت مسلمین.

این سخن نورانی به روشنی گویای آن است که هر انسان مؤمنی باید نسبت به امام و رهبر مسلمانان خیرخواه باشد؛ بدیهی است که مصداق اصلی امام، همانا ائمه معصومین و در زمان ما حضرت حجت بن الحسن است؛ اما با توجه به زمانه غیبت و نصب عالمان دین به عنوان جانشین از سوی وی، این بزرگواران نیز به تبع مصداق از متعلق

1- فلاح السائل و نجاح المسائل، ص 78.
2- کافی، ج 1، ص 145.
3- تاج العروس، ج 4، ص 230.
4- کافی، ج 1، ص 403.

نصیحت خواهی انسان منتظر خواهند بود. این خیرخواهی خود می تواند گونه های مختلفی داشته باشد که باید در جای خود به طور مفصل بحث شود، اما در هر صورت باید این گونه ها را شناسایی و در سبک زندگی منتظرانه نسبت به آنها پایبند بود.

2. حمایت و اطاعت از حاکم و حکومت اسلامی

دومین جلوه بارز سبک زندگی منتظرانه در حوزه اجتماعی را در حمایت و تبعیت وی از فقیه و حاکم اسلامی می توان مشاهده کرد، زیرا بر مبنای آنچه که جایگاه ولی فقیه گفته و اینکه امامان معصوم وی را به عنوان نائب عام خود معرفی کردند نصرت و اطاعت او همچون یاری و اطاعت امام معصوم شمرده می شود و همان وظایفی که مردم کوفه در برابر جناب مسلم بن عقیل به عنوان سفیر و جانشین وی در کوفه داشتند و متأسفانه عمل نکردند بر عهده ما هست. اگر ما حاکم دینی و ولی فقیه را نائب امام می دانیم باید در صحنه رفتار اجتماعی خود این سخن امیرالمؤمنین را همواره نصب العین خود داشته باشیم که فرمود:

أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِی عَلَیْکُمْ حَقّاً وَ لَکُمْ عَلَیَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّکُمْ عَلَیَّ فَالنَّصِیحَهُ لَکُمْ وَ تَوْفِیرُ فَیْئِکُمْ عَلَیْکُمْ وَ تَعْلِیمُکُمْ کَیْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِیبُکُمْ کَیْمَا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّی عَلَیْکُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَیْعَهِ وَ النَّصِیحَهُ فِی الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِیبِ وَ الْإِجَابَهُ حِینَ أَدْعُوکُمْ وَ الطَّاعَهُ حِینَ آمُرُکُم؛ (1) ای مردم ! همانا من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی. اما حقی که شما بر من دارید آن است که ناصح و خیرخواه شما باشم و سهم شما از بیت المال را عادلانه بدهم و یادتان دهم تا جهل نورزید و تربیتتان کنم تا فراگیرید؛ اما حق من بر شما وفا بر بیعت با من و خیرخواهی با من در حضور و غیبت و قبول دعوتم و اطاعت از فرمانم است.

بر این اساس منتظران حکومت جهانی مهدوی در حکومت منطقه ای اسلامی تنها به منافع خود نمی اندیشند، بلکه در سبک زندگی منتظرانه خویش با منش اجتماعی و حمایت و تبعیت خود از نائب امام عصر صداقت خود را در ادعای شوق ظهور، به خدا و رسول و امام زمان ثابت می کنند.

1- نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص 79، خطبه 34.

سخن آخر

آنچه در این کتاب به دنبال آن بودیم تبیین سبک زندگی منتظرانه از زوایای مفهوم شناختی، مبناشناختی و بررسی گستره آن در بعد فردی و اجتماعی بود. ما معتقدیم که در سبک زندگی منتظرانه؛ نگرشها، عاقلانه و عالمانه؛ گرایشها، مؤمنانه و عاشقانه؛ و رفتارها، تلاشگرانه و مجاهدانه است. علاوه بر آن در مقایسه با سبک زندگی غربی امتیازها و ویژگیهای مخصوصی برای سبک زندگی منتظرانه وجود دارد؛ از جمله آنکه در این سبک زندگی: پایبندی به احکام دین، جایگزینی مصالح جامعه بر منافع شخص، ذکر مداوم امام زمان، تولیدگرایی به جای مصرف گرایی، صبر و استقامت در امور، اخلاق محوری به جای اباحه گری، آرمان گرایی به جای روزمرگی، بلند همتی به جای تنوع طلبی، عدل محوری به جای ظلم محوری وتقدم آخرت بر دنیا وجود دارد و همین امر موجب شده است تا سبک زندگی منتظرانه را تنها سبک مطلوب برای زندگی در عصر غیبت امام زمان معرفی کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.

منابع

قرآن کریم

1.نهج البلاغه، امام امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب، گردآوری رضی، محمد بن حسین، قم، انتشارات دارالهجره، بی تا.

2.صحیفه سجادیه، امام سجاد علی بن الحسین، قم، دفتر نشر الهادی، 1376ش.

3.ابن ابی الحدید معتزلی، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404ق.

4.ابن بابویه(صدوق)، محمد بن علی بن حسین، ثواب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، 1364ش.

5.-----------------------------، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1403 ق.

6.-----------------------، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دار الکتب الاسلامیه، 1397ق.

7.-----------------------، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1413 ق.

8.ابن شعبه بحرانی، حسن، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1404ق.

9.ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل،قم، بوستان کتاب، 1406ق.

10.-----------------------، جمال الأسبوع، قم، انتشارات رضی، بی تا.

11.-----------------------، مهج الدعوات، قم، انتشارات دار الذخائر، 1411ق.

12.ابن قولویه، جعفر بن محمد، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، کامل الزیارات، تهران،پیام حق، 1377ش.

13.ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1419ق.

14.احسایی، ابن ابی جمهور، عوالی اللآلی، قم، انتشارات سید الشهداء، 1405ق.

15.امام ابومحمد حسن بن علی عسکری، تفسیرمنسوب به الامام العسکری، قم، مدرسه امام مهدی، 1409ق.

16.آمدی، عبدالواحد تمیمی، غررالحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1366ش.

17.بحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1404ق.

18.بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، 1416ق.

19.برزگر، ابراهیم، روان شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت، 1388ش.

20.برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الکتب الاسلامیه، 1371ش.

21.پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، 1382ش.

22.تاج الدین شعیری،محمد بن محمد بن حیدر، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، 1363ش.

23.ترمزی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح(صحیح ترمزی) بیروت، داراحیاء التراث، بی تا.

24.جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیات، قم، انتشارات اسراء، 1392ش.

25.حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات سروش،بی تا.

26.حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، 1409ق.

27.حکیمی، محمدرضا و محمد و علی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،1380ش.

28.حیدری کاشانی، محمدباقر، نسل طوفان، قم، زلال کوثر، 1385ش.

29.خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الأثر، قم، انتشارات بیدار، 1401 ق.

30.دریس، مسعود، سلسله آموزشهای سبک زندگی مهدوی، ج1(پدر مهدوی)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، شعبه آبادان، بی تا.

31.دیلمی، حسن بن ابی الحسن، إرشادالقلوب،، بی جا، انتشارات شریف رضی، 1412ق.

32.راوندی، فضل الله بن علی، النوادر،قم، دار الکتاب، بی تا.

33.راوندی، سعید بن هبه الله قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه الإمام المهدی،1409ق.

34.رضایی آدریانی، محمد، انسان شناسی و مهدویت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، 1393ش.

35.زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت، دارالفکر،1414ق.

36.شرتونی، سعید، اقرب الموارد، قم، انتشارات اسوه، 1392ش.

37.شریفی، احمد حسین، سبک زندگی اسلامی ایرانی، تهران، مرکز پژوهشهای علوم اسلامی صدرا، 1392ش.

38.----------، همیشه بهار(اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، قم، دفتر نشر معارف، 1391ش.

39.شولتس، دوآن، روانشناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل،تهران، نشر پیکان،1388ش.

40.شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، 1413 ق.

41.-------------------------------، الإرشاد، قم، کنگره شیخ مفید، 1413 ق.

42.صافی گلپایگانی، لطف الله، انتظار عامل مقاومت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، 1391ش.

43.صبوری، حسین، تشرفات مرعشیه، قم، انتشارات صبوری،1381ش.

44.طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین،1374ش.

45.-------------------------، روابط اجتماعی در اسلام، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1386ش.

46.طبرسی،فضل بن حسن، الآداب الدینیه للخزانه المعینیه، ترجمه احمد عابدی، قم، انتشارات زائر،بی تا.

47.طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، 1403 ق.

48.طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، 1412ق.

49.طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه، قم، مؤسسه البعثه، 1413ق.

50.طوسی، محمد بن حسن، الغیبه،قم، مؤسسه معارف اسلامی، 1411ق.

51.------------------، مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه شیعه، 1411ق.

52.عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، المطبعه العلمیه،1380ق.

53.فؤادیان، محمد رضا، زندگی مهدوی، قم، انتشارات سبط النبی، 1393ش.

54.کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیه، 1369ش.

55.کوشکی، محمدصادق، سبک زندگی به روایت انقلاب اسلامی، تهران، نشر معارف، 1393ش.

56.کاویانی، محمد، سبک زندگی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1391ش.

57.کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح، قم، انتشارات رضی، 1405ق.

58.گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، 1378ش.

59.مجلسی، محمد باقر، بحارالأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، 1404ق.

60.-----------، مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1402ق.

61.محدثی، جواد، عشق برتر«راههای ایجاد محبت اهل بیت در کودکان و نوجوانان»، قم، بوستان کتاب، 1389ش.

62.محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،بی تا.

63.محمودی، ضیاء الدین و جلیلی، نعمت الله و غلامعلی، مهدی، الأصول السته عشر،قم، مؤسسه دار الحدیث. 1423ق.

64.مصباح یزدی، محمدتقی ودیگران، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، 1391ش.

65.مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا،بی تا.

66.معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1371 ش.

67.مکارم شیرازی، ناصرودیگران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1374ش.

68.موسوی خمینی، روح الله، سرالصلوه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1378 ش.

69.-----------، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1378 ش.

70.مهدوی کنی، محمدسعید، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق، 1387ش.

71.مؤسسه فرهنگی انتظار نور، گفتمان مهدویت (گفتمان سوم)؛قم، بوستان کتاب، 1381ش.

72.نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

73.نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت، 1377ش.

74.نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه صدوق، 1397ق.

75.نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، 1408ق.

76.نیلی پور، مهدی، خانواده مهدوی، اصفهان، انتشارات مرغ سلیمان، 1391ش.

77.نیلی نجفی، علی بن بهاء الدین، منتخب الأنوار المضیئه فی ذکر القائم الحجه، قم، مطبعه الخیام،1360ش.

78.یزدی حایری، علی، الزام الناصب، بیروت، مؤسسه الأعلمی، 1422ق.

پایگاه های اینترنتی،مجلات ونرم افزارها

1.پایگاه اینترنتی حرف آخر.

2.سایت خبرگزاری شبستان.

3.فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی.

4.فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن.

5.فصلنامه علمی ترویجی انتظار موعود، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.

6.ماهنامه معارف، وابسته به نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها.

7.مجله پگاه حوزه.

8.مجموعه مقالات دکترین مهدویت، قم، مؤسسه آینده روشن.

9.نرم افزار صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

10.نرم افزار مجموعه سخنان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، حدیث ولایت، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور.

11.نشریه امان، دو ماهنامه فرهنگ و معارف مهدوی، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.

12.نشریه آیه، ویژه نامه دین و فرهنگ، از سری نشریات همشهری.

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109